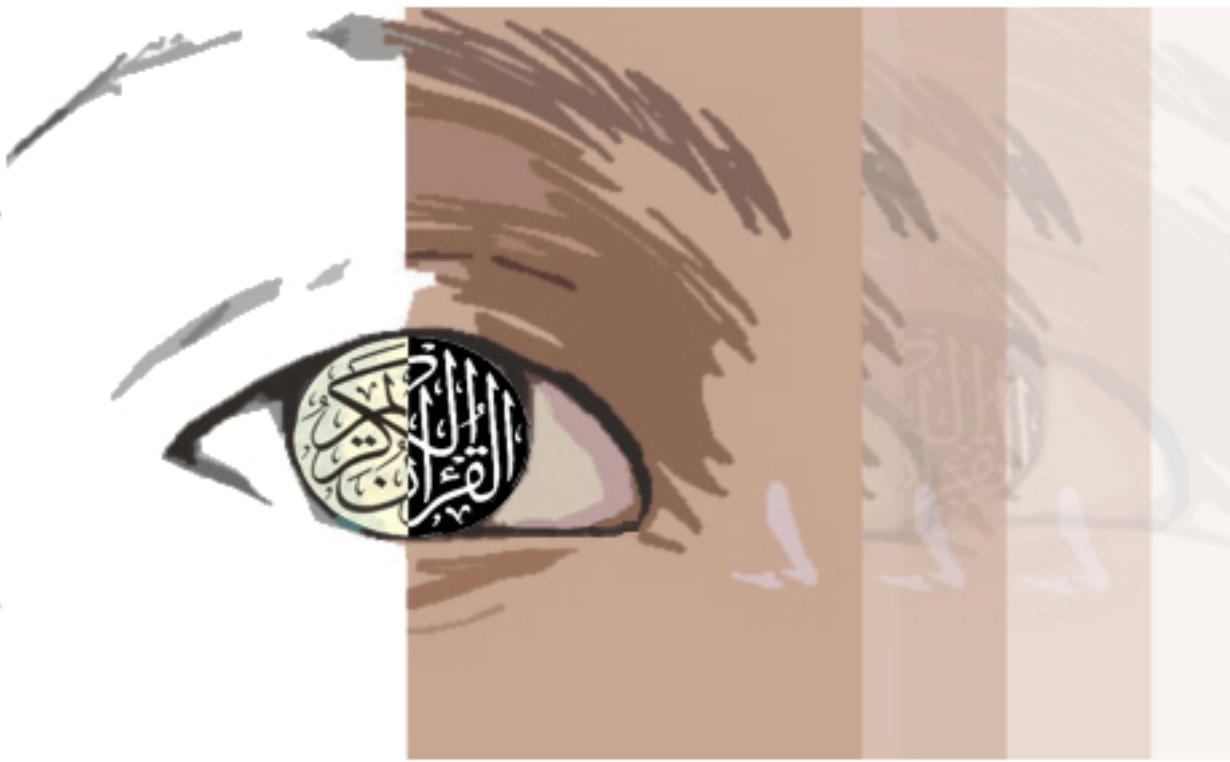


اکو خوانی

رفقار معارن ظهور



در
قران کریم



“الگو خوانی رفتار معارف ظهور در قرآن کریم”

جلد دوم

فهرست


فصل ۳ – ایمان و مؤمنین	۳
(۱) مؤمنین چه صفاتی دارند؟	۴
(۲) چه کسانی ایمان می آورند؟	۱۳
(۳) دلایل ایمان مؤمنین چیست؟	۲۵
(۴) وظیفه مؤمنین	۳۴
(۵) نتایج ایمان	۴۸
(۶) مؤمنان و سنت لا یتغیر الهی	۶۴
(۷) مؤمنین چگونه در معرض امتحان قرار می گیرند؟	۶۵
(۸) انذار به مؤمنین	۷۶
فصل ۴ – انکار و منکرین	۸۲
(۱) خصوصیات، اندیشه ها، اعمال و صفات منکرین در زمان ظهور پیامبران الهی	۸۳
(۲) منکرین پیامبران الهی چه کسانی هستند؟ در صدر آنان چه افرادی قرار دارند؟	۱۲۳
(۳) دلایل انکار پیامبران الهی و عدم ایمان به وی از سوی منکرین	۱۴۱
(۴) منکرین در باره رسول حق و کلام الهی چه میگویند؟	۱۶۷
(۵) منکرین چگونه از پیامبران الهی خشنود خواهند شد؟	۱۸۱
(۶) مواجهه با پیامبران الهی و انکار حق چه نتیجه ای برای آنان به بار می آورد؟	۱۸۳



- ۲۰۴.....(۷) تعداد منکرین و کافران در زمان ظهور
- ۲۰۸.....(۸) خطاب مؤمنین به کافران در کلام الهی
- ۲۱۲.....(۹) سنت لا یتغیر الهی در انکار
- ۲۳۸.....فصل ۵- ایمان و انکار در ادیان از گذشته تا حال
- ۲۳۹.....(۱) تکرار انکار و کفر در گذشته و حال
- ۲۶۵.....(۲) اعراض و مقابله با آیات الهی در طول زمان
- ۲۸۰.....(۳) روش و نحوه مواجهه با پیامبران و پیام الهی آنان از گذشته تا حال
- ۳۱۲.....(۴) شواهدی از انکار رسول و کلام الهی در زمان ظهور حضرت محمد(ص)
- ۳۲۳.....(۵) کلام الهی خطاب به مؤمنین ادیان گذشته



فصل ۳ – ایمان و مؤمنین

- 
- ۱) مؤمنین چه صفاتی دارند؟ ۴
- ۲) چه کسانی ایمان می آورند؟ ۱۳
- ۳) دلایل ایمان مؤمنین چیست؟ ۲۵
- ۴) وظیفه مؤمنین ۳۴
- ۵) نتایج ایمان ۴۸
- ۶) مؤمنان و سنت لا ینغیر الهی ۶۴
- ۷) مؤمنین چگونه در معرض امتحان قرار می گیرند؟ ۶۵
- ۸) انذار به مؤمنین ۷۶

(۱) مؤمنین چه صفاتی دارند؟

• تضرع و انابه درگاه الهی:

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنَ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن أَرَادَ (۲۷-)

(العد)

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند.

• متذکر شوند و پند گیرند:

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۱۴۱- الاسراء)

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت حاصلی نمی‌افزاید

• در هر زمان، تسلیم امر الهی اند:

وَ إِذَا يَتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَمَقُ مِن رَبِّنَا إِنَّآ كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳- النمل)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم.

• به همه کتب آسمانی ایمان می آورند:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می آورند.

• از سخنان لغو اعراض کنند:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی طلبیم.

• تفاوتی میان پیامبران الهی قائل شده و در هر زمان، تسلیم فرمان خداوند:

قُلْ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ

مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴- آل عمران)

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده ایم) فرقی میان هیچ يك از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآفِرَةِ مِنَ الْمُسْرِئِينَ (۸۵- آل عمران)

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

• بین کلام الهی و کلام بشری، تفاوت قائل می‌شوند:

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ (الانفال - ۳۱)

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود گویند: شنیدیم، اگر ما هم می‌خواستیم مانند آن می‌گفتیم، این چیزی جز افسانه پیشینیان نیست.

• به هر تهدید، از دین پدرانشان پیروی نمی‌کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا آبَاءَكُمْ وَ إِبْنَتَكُمْ وَأُولِيَاءَ إِنْ اسْتَمَبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (التوبه - ۲۳)

ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بگیرید اگر که آنها کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما آنان را دوست گیرد چنین کسانی بی‌شک ستمکارند.

• صورت بدی را نیکی پانچ گویند و از روزی خود، انفاق کنند:

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُونَ بِالْمَسْنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (النمل - ۵۴)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند

• به خواست حق، زنده دل مانند و شواشوند:

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَمْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنْ اللَّهُ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (فاطر - ۲۲)

و ابدًا زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّتًا وَ يَمِيقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده‌دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد

• کلام الهی رامی‌پذیرند از هراقصی طالع شود:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• گوششان کران نیست و دعوت حق رامی‌شوند:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَأَذَانِهِمْ وَقُرْ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• چون به درگاه الهی تضرع و انابه کنند، در سیر هدایت الهی قرار می گیرند:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْهَمْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنَّيْبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می فرماید.

• از هوای نفسانی مردم پیروی نمی کنند و در هر زمان، بی هیچ شک و ریبی به آنچه از طرف حق نازل می شود، ایمان

می آورند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ
بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ
بَيْنَكُمْ اللَّهُ (رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ) لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلَكُمْ لَا مُهَيَّءَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)-

(شوری)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• چون بر خویش ستم نمی‌کنند، متذکر کلام الهی می‌شوند:

أَفَنَضْرِبُ عَنْتَهُمُ الذِّكْرَ صَفْماً أَنْ كَانَتْهُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (۵- الزخرف)

آیا ما از متذکر ساختن شما (به قرآن) چون (به انکار آن) بر خویش ستم می‌کنید صرف نظر کنیم؟

• آیات روشن الهی را برترین برهان حق می‌دانند:

تِلْكَ آيَاتِ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقْ فَبِأَيِّ مَدْيَتٍ بَعَدَ اللَّهُ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان

می‌آورند؟

• چون کلام الهی را می‌شنوند، استکبار نمی‌وززند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• چون مینات الهی عطا شود، در آن خلاف بر نمی‌تابند:

وَآتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا أَتَلَفُوا إِلَّا مِمَّنْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَلِفُونَ (۱۷- الباقیة)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• شایسته فهم کلام الهی اند:

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنِ أُوْفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• در اختلاف سخن باز نمی‌مانند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مَّفْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانند (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

• در قلوبشان رافت و مهربانی است و رضای الهی طلبند:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ هُبَانِيَةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المديد)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• تقوای الهی پشه کرده اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ءَامِنُوا بِرِسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• انصار الهی اند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْمَوَارِيثِ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِيثُ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا مَنَّا طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴- الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• بر آنچه کافران کوند صبور و شکیباستند و از آنان، دوری می‌گزینند:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْبِطْهُمْ هَبْرًا جَمِيلًا (۱۰- المزمّل)

و بر طعن و یاهوگویی کافران و مکتبان صبور و شکیباباش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

(۲) چه کسانی ایمان می آورند؟

• مؤمنین ادیان گذشته:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می آورند.

• آنان که پیش از این نیز، تسلیم امر الهی بوده اند:

وَ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَاَمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳- النمل)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم.

• کسانی که در مقابل کلام الهی در هر زمان، سر تسلیم فرود می آورند:

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ (۳- آل عمران)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۴- آل عمران)

آل عمران

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و

انجیل را فرستاد،

برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

• مؤمنانی که میان هیچ یک از پیامبران، فرقی نگذارند و همیشه تسلیم امر خداوندند:

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إسمَاعِيلَ وَ إسمَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أُمَّةٍ مِنْهُمْ وَ نَمُنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴- آل عمران)

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانش نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده ایم) فرقی میان هیچ يك از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

• آنان که به دستورات کتب آسمانی قیام می کنند به آنچه پس از آن نیز از طرف حق نازل شود، ایمان می آورند:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَغْيَنًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۶۸- المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• زنده دلان عالم، که گوش شنوا دارند:

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳۶- الانعام)

تنها زنده دلان عالم که گوش شنوا دارند اجابت می‌کنند، و مردگان را خدا برمی‌انگیزد، آن گاه خلاق به سوی حق بازگردانده می‌شوند.

• افرادی که از حق طلب صبر و شکیبایی می‌کنند و رضای الهی را تا آخرین لحظه عمر خود می‌جویند:

وَ مَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِبَيِّنَاتٍ مِّنَّا لَمَّا جَاءَنَا (بِنَّا أْفْرَغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوْفَقْنَا مُسْلِمِينَ) (الاعراف)

و کینه و انتقام تو از ما تنها به جرم آن است که ما به آیات خدا چون برای (هدایت) ما آمد ایمان آوردیم، بار خدایا، به ما صبر و شکیبایی ده و ما را به آیین اسلام (یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا) بمیران.

• کسانی که به انذارات روشن حق، می‌اندیشند:

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (الاعراف)

آیا این مردم فکر نکردند که صاحب آنها (یعنی پیامبر) هرگز جنونی در او نیست؟ او فقط ترساننده خلق است (از احوال قیامت) به بیانی روشن.

• مردمی که ناظر به ملکوت سموات و ارض و آنچه خداوند آفریده، هستند:

أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فَتَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ

فَبَأَىٰ مَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (الاعراف)

آیا فکر و نظر در ملکوت آسمانها و زمین و در هر چه خدا آفریده نکردند و در این که اجل و مرگ آنها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شده باشد؟ پس به چه حدیثی بعد از این (کتاب مبارک آسمانی) ایمان خواهند آورد؟

• علماء ادیان سلف:

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷- الشعرا)

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟

• کسانی که پیش از این، کتب آسمانی برایشان فرستاده شده است:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها)

به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می آورند.

• همانانی که همیشه تسلیم فرمان خدا هستند:

وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْمَقُومُ (بَنَّا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ) (۵۳- النمل)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما

پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم

• مندرین:

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳- فاطر)

تو جز آنکه (خلق را از کفر اعمال بد) بترسانی به کاری مأمور نیستی.

• هر آنکس که زنده دل است:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّاً وَ يَمِيقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• آنان که از نباء عظیم اعراض نمی کنند:

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷- ص)

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸- ص)

(و دریغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می کنید.

• هر که راسخ خواهد، رهبری فرماید:

اللَّهُ نَزَّلَ أَمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْشُونَ (بِهِمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳- الزمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه در کمال فصاحت و اعجاز (با هم مشابه است و در آن ثنای خدا) و خاصان خدا (مکرر می شود، که از تلاوت) آیات قهر (آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و) با آیات رحمت (باز آرام و سکونت یابند و دلپایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این) کتاب (همان) رحمت و هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده ای نخواهد داشت.

• آنان که آیات حق را مشاهده می کنند:

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ تَنْكِرُونَ (غافر- ۸۱)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• معتقدان به یکی بودن مشاء ادیان الهی:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (فصلت- ۱۴۳)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• کسانی که گوشه‌ایشان برای شنیدن کلام الهی، گران نیست:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (فصلت- ۱۴۴)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می فرستادیم کافران می گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می شوند.

• آنان که کلام و وصیت الهی را عمل می کنند:

• آنان که انابه کنند، هدایت می شوند:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبَرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می فرماید.

• آنان که متفاد علم و برهان الهی هستند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنَ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ
بَيْنَهُمْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُوْرثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• کسانی که بر خویش ستم نمی کنند و متذکر می شوند:

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْمًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (۵- الزمرف)

آیا ما از متذکر ساختن شما (به قرآن) چون (به انکار آن) بر خویش ستم می کنید صرف نظر کنیم؟

• آنان که در ساعت قیامت، شک و ریب روانی دارند:

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱- الزمرف)

و (نزول) عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است (و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود)، زنهار در آن ساعت شك و ریب روا مدارید و (امر) مرا پیروی کنید که راه راست همین است.

• کسانی که آیات الهی را، برهان روشن حق می دانند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباثیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می آورند؟

• افرادی که در مقابل آیات الهی، استکبار نمی ورزند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباثیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• کسانی که در اختلاف سخن، باز نمی مانند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَّفَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

• آنان که شایسته فهم کلام الهی اند:

يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَنْ أَفِيكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• کسانی که کلام الهی را درک کرده و متذکر میشوند:

وَلَقَدْ يَسْرَنَّا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ (۲۲- القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• مردمی که در قلوبشان رافت و رحمت است و رضای الهی را می طلبند:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ هَبْنَاهُمْ إِتْدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شناختند.

• اهل تقوی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸ - المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خدا ترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• کسانی که دعوت نصرت الهی را بیک گویند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِيثٍ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِيثُ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَتَمَمْتَ طَائِفَهُ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴ - الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

کسانی که بر طبق خواست حق عمل می کنند:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَلُّوا تَوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْيَمَارِ يَمْلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

کسانی که شواهد تایید کننده آیات الهی در طول زمان رادک می کنند:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَصْلَحُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• آنان که از خسران ابدی دهراسند:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

(۳) دلایل ایمان مؤمنین چیست؟

• **بینات و کتاب وحی:**

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۚ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ۚ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (النمل - ۱۴۴)

(ما هر رسولی را) با معجزات و کتب و آیات وحی فرستادیم و بر تو این ذکر (یعنی قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که به آنان فرستاده شده بیان کنی و برای آنکه عقل و فکرت کار بندند.

• **در آنچه حق برای ایشان آورده، متذکر می شوند:**

وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمْ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (النمل - ۵۱)

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

• **تسلیم همیشگی در برابر اراده الهی:**

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَأَمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْمَقْمُورُ (بَنَّا) إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (النمل - ۵۳)

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم

• **آیات بینات:**

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (البقره - ۹۹)

و ما (برای اثبات پیغمبری تو) آیات و دلایل روشن به تو فرستادیم، و بجز فاسقان (و اهل عناد) کسی انکار آن نخواهد کرد.

• کلام الهی را مصدق کتب آسمانی خود می بیند:

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ (۳- آل عمران)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِبَنَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۱۴-

آل عمران)

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد، برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأُمَّةٍ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي مَرَّ عَلَيْكُمْ وَ مِثْلَكُمْ بَنَاتٍ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

وَ أَطِيعُوا (۵۰- آل عمران)

و (آمده ام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• علمای ادیان قبل را بر آن آگاه می بینند:

أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷- الشعرا)

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟

• پیامبر الهی با آیات روشن حق ظاهر می شود:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيَّنَّتْ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرٍ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶- النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده ایم.

• ایمان به کلام الهی در ادوار قبل:

الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲- النمل)

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می آورند.

• همه کلمات الهی و پیامبران قبل، آزارتایید می کنند:

وَمَا آتَيْنَهُمْ مِنْ كِتَابٍ يَذْرُؤُنَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (۱۴۴- سبأ)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر رد تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

• انذار حق:

إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳- فاطر)

تو جز آنکه (خلق را از کيفر اعمال بد) بترسانی به کاری مأمور نیستی.

• زنده‌دلی:

لَيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّاً وَ يَمِيقُ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده‌دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

• آیات و حجت آشکار حق:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سَلَطْنَا مِئِينَ (۲۳- غافر)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

• ارائه آیات حق:

وَ يُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ فَآى ءَايَاتِ اللّٰهِ تُنكَرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• در آن چیزی جز کفتار پیاوبران الهی گذشته نمی‌بیند:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۱۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم

صاحب قهر و عقاب دردناک است.

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْهَمْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
 أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
 يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• گوش شو او چشم مینا:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ
 الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۱۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوش‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• مشاهده علم و برهان حق:

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بِغَيِّهَا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ

بَيْنَهُمْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• آیات الهی:

تِلْكَ آيَاتِ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ مَدِيَّتٍ بَعَدَ اللَّهُ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیة)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیة)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• در اختلاف سخن بازمی‌مانند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلَفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید).

• در دل پیروان ادیان از سوی حق رافت و مهربانی نهاده شود:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رُفُقَةً وَ رَحْمَةً وَ هَبْنَاهُمْ إِتْدَعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المديد)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رافت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• تقوای الهی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• بشارات الهی بنی بر ظهور پیامبران الهی:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَمُّدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (٦- المصفا)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• مشاهده شواهد وحی الهی، از خلال بیانات الهی:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (٣١- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• جدا شدن حق از باطل:

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

(۴) وظیفه مؤمنین

• تبلیغ مبین:

وَإِنْ تَكْذَّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (۱۸- نمل)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست

• خلق راه سوی پروردگار خواندن:

وَ لَا يَصِدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَى بَيْتِكُمْ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷)

و زنهار! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مباش.

• ایمان به خدا، فرشتگان، کلام الهی و فرستادگان حق، در روز قیامت:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَ مَنْ

يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۳۶- نسا)

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل). و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) در افتاده است.

• اقامه صلوه، ادای زکات، ایمان به فرستادگان حق و اعزاز آنان:

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ
وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا مَسْنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُذَفِّلَنَّكُمْ مِنَّا
تَجْرِي مِن تَمَّتْهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَبِيلَ السَّبِيلِ (۱۲- مائده)

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما بیامرزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

• استقامت بر امر:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵- مائده)

ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زبانی از آنها به شما نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد.

• متذکر ماندن به کلام الهی:

وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱- نمل)

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

• استقامت بر امر، رفع بدی با نیکی:

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْعُونَ بِالْمَسِنَّةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۵۴- نمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند

• اعراض از سخنان لغو جاهلان:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالَوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْنَا وَ سَلَّمْ عَلَيْكُمْ لَّا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- نمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

• یاری نرساندن به کافران:

وَ مَا كُنْتَ تَرْجُو أَن يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَمَمَهُ مِّنْ بَيْنِكَ فَلَا تُكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ (۸۶- نمل)

و تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ (قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید، پس (به شکرانه این رحمت) هیچ گاه به کافران نصرت و یاری مکن.

• دعوت خلق به سوی پروردگار، بی آنکه بتوانند وی را از آن بازدارند:

وَ لَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَى بَيْتِكُمْ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷- النمل)

و زنهاریکافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مباش.

• تبلیغ آشکار:

وَ إِنْ تَكْذَبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (۱۸- النمل)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجیبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست

• ایمان به کلمه کتب آسمانی گذشته، به علت ایمان به پیامبر الهی زمان خود:

وَ لَا تَبَدِّلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالتَّيِّبَاتِ هِيَ أَمْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قَوْلُوا ءَأَمَّنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ إِلَهُنَا وَ إِلَهُكُمْ وَ مَدُّ وَ نَمْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶- نمل)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویند که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• پیروی از دین الهی:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِفِطْرِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰- نمل)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

• ایمان بر آیات الهی و تسلیم امر او شدن:

وَمَا أَنْتَ بِهَدِي الْعَمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- نمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• تسبیح و ستایش کلام الهی و عدم سرکشی در مقابل فرمان حق:

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا فَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِمَمْدٍ (بِهِمْ) وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵- لقمان)

تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که چون متذکر آیات ما شوند به سجده رخ بر خاک نهند و تسبیح و تنزیه و ستایش پروردگار کنند و ادا به کبر و نخوت سر از فرمان حق نکشند.

• انذار:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مَيِّتًا وَ يَمِيقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده‌دل است (به آیتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵- غافر)

که او دارای شئون و مراتب رفیع و صاحب عرش (عظیم) است، روح (همان فرشته جان بخش) را از امر خود بر هر که از بندگانش بخواهد می‌فرستد تا خلق را از روز ملاقات (ثواب و عقاب) بترساند.

• آرام گرفتن از کلام حق و ذکر او:

اللَّهُ نَزَلَ آمْسَنَ الْمَدِيْنَةِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يُمْشُونَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳- زمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه در کمال فصاحت و اعجاز (با هم مشابه است و در آن ثنای خدا) و خاصان خدا (مکرر می‌شود، که از تلاوت آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و اگذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت

• تبعیت از کلام الهی:

وَ اتَّبِعُوا أَمْسَنَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ بُغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵- زمر)

و بهترین دستور کتابی را که بر شما از جانب خدایان نازل شده است پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (قهر خدا به کیفر گناهان) بر شما ناگهان فرود آید و شما آگاه نباشید.

• در آیات الهی جدل نکنند:

مَا يَجِدُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُوكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَدِ (۱۴- غافر)

و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید).

• اخلاص در خواندن پروردگار:

فَادْعُوا اللَّهَ مَخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۱۴- غافر)

پس خدا را بخوانید در حالی که دین را برای او خالص کرده باشید هر چند کافران نخواهند.

• حفظ اصالت کلام الهی:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلُبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• اعتقاد به یکی بودن کلام الهی در بستر زمان و اختلاف و تفرقه در آن نینداختن:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْهَمَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُنْتِيبُ (۱۳- شوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید.

(باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• دعوت به کلمه الهی و استقامت بر آن:

فَلذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ لا مُبَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)-

شوری

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• متذکر شدن به کلام الهی:

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْماً أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (۵) - (زفر)

آیا ما از متذکر ساختن شما (به قرآن) چون (به انکار آن) بر خویش ستم می‌کنید صرف نظر کنیم؟

• هدایت خلق:

قُلْ أَوْ لَوْ مِئْتَكُم بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءِآبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴) - (زفر)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدران شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• بصیرت:

• ذکر الهی:

تَبْصِرَةً وَ ذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

وَ لَقَدْ يَسْرَنَ الْقرءَانَ لِلذَّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲- قمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• رأفت و رحمت، طلب رضای الهی:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْانجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَتَأْتِينَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- مدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• تقوای الهی، حرکت در سیر الهی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- مدید)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• پند گرفتن:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَفْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مِثْلٍ لَمْ يَمْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُفْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (۲- مشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• دعای درگاه الهی، به جهت اینکه آنان را مایه قنیه کافران کرداند و مورد مغفرت خود قرار دهد:

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُكِيمُ (۵- ممتنه)

پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و پروردگارا، ما را بیمارز که تنها تویی که (بر هر کار) بسیار مقتدری و (به صلاح خلق) کاملاً آگاهی.

• مودت با دشمنان:

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَمِيمٌ (۷- ممتنه)

امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان (به فتوحات اسلام و ایمان کفار) برقرار گرداند و خدا قادر و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• ایمان به حانیت کلام الهی در طول تاریخ:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بِنِّي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶- صف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقایق کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است

• دزمره یاران الهی ماندن:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِئِينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِئُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَتَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا

ظَهْرِينَ (۱۴- صف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• عمل به تکلیف الهی:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمُّوا التَّوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْمُلُوهَا كَمَثَلِ الْيَمَارِ يَمْمُلُ أَسْفَارًا بِنَسِ مَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- صف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• صبر و شکیبایی در برابر طعن و یاوه:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰- مزمل)

و بر طعن و یاوه‌گویی کافران و مکتبان صبور و شکیبا باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

وَ ذَرْنِي وَ الْمُكَذِّبِينَ أُولَىٰ النَّعْمَةِ وَ مَهْلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱- مزمل)

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا رسد) .

• افزایش ایمان، بی‌بیج شک و ریب:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۚ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللّٰهُ بِهَذَا مَثَلًا ۖ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۚ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَىٰ لِّلْبَشَرِ (۳۱- مدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• نیکوکاری:

• سفارش یکدیگر به حق و صبر:

سوره العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)



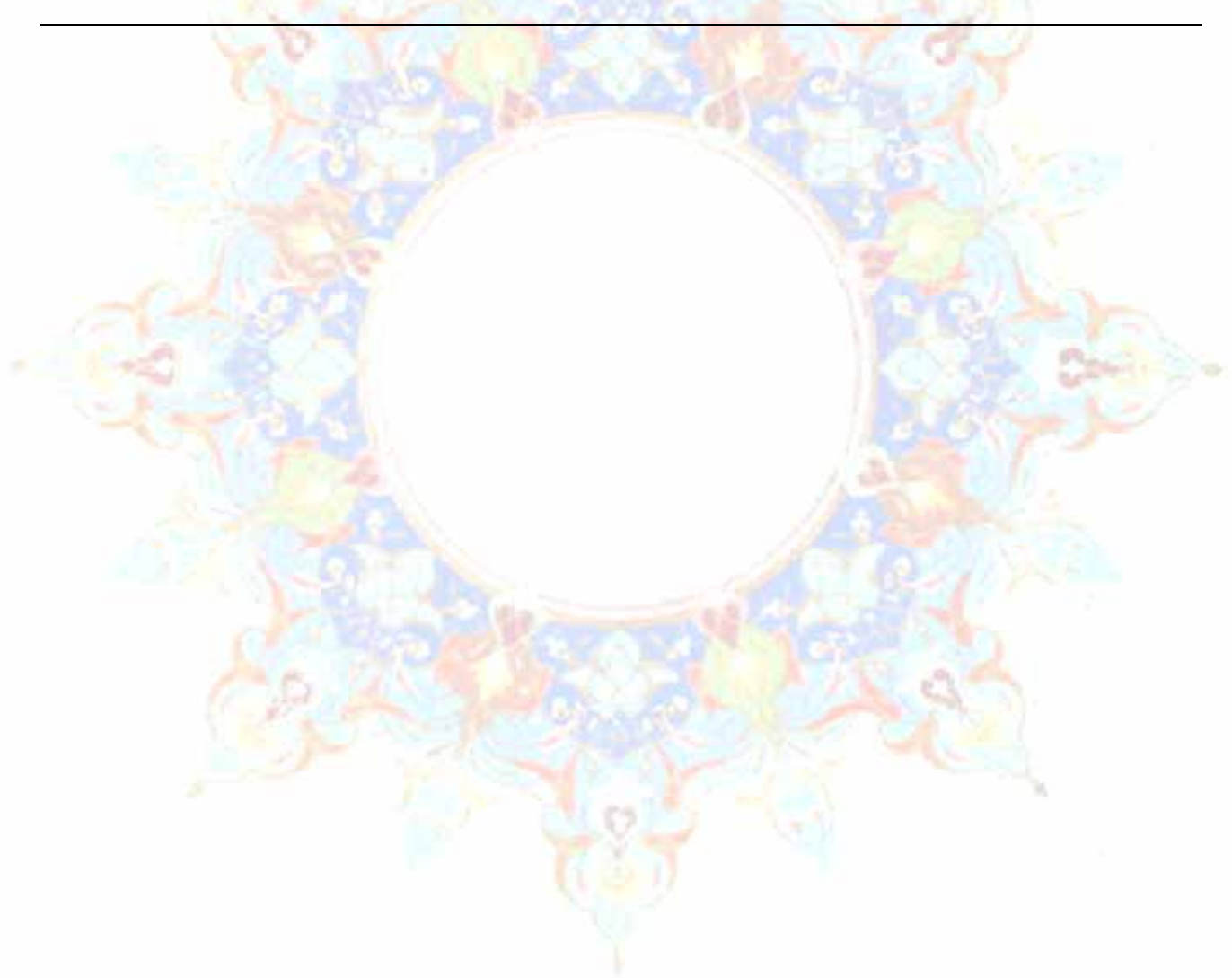
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.



(۵) نتایج ایمان

• ایقان:

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ (۲۷-)

(الرعد)

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند.

• امیدواری به رحمت الهی:

قَالَ وَ مَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَتِي رَبِّي إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

• صبر و ثبات در دین و مقابله نیکو با بدی:

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُونَ بِالْمَسْنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۵۴- النمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکو دفع می‌کنند

و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند

• ثبات قدم:

وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (۷۴- الاسری)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌گردانیدیم نزدیک بود که به آن مشرکان اندک تمایل و اعتمادی پیدا کنی.

• اطمینان به وعده الهی:

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أضعف جُنْدًا (۷۵- مريم)

بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت خدای مهربان به او مهلت می‌دهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم خود ببینند که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت قیامت وی را فرا رسد، پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر) کدام يك روزگارش بدتر و سپاهش ضعیفتر است!

• صبر و استقامت:

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَذَرُونِ بِالْمَسِنَّةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۵۴- النمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند.

• هرگز آمان را ندوپی نخواهد بود:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّبِئُونَ وَ النَّصْرَى مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صِلًا فَلَا فَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَمْرُؤُونَ (۶۹- المائدة)

البته هر کس از گرویدگان به اسلام و یهودان و ستارهپرستان و نصاری که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکار شود هرگز آنان را ترسی و اندوهی (در عالم آخرت) نخواهد بود.

• ثبوت بر عهد و میثاق الهی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْمِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵- المائدة)

ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زیانی از آنها به شما نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد.

• از خدا پاداش نیک گیرید و هیچ گاه اندوهگین نخواهید بود:

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ النَّصْرَى وَ الصَّبِيَّةَ مَن ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِمًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا قَوْلٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَمْرُؤُونَ (۶۲- البقره)

هر يك از مسلمانان و یهود و نصاری و صابنان (پیروان حضرت یحیی) که از روی حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند، البته آنها از خدا پاداش نیک یابند و هیچ گاه بیمناک و اندوهگین نخواهند بود.

• تسلیم امر الهی شوند:

فَإِن كَانُوكُمْ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَ مَنِ اتَّبَعَنِ وَ قُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ ءَ أَسْلَمْتُمْ فَإِن أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَ اللَّهُ بِمُصِيبٍ بِالْعِبَادِ (۲۰- آل عمران)



پس اگر با تو (برای مخالفت با دین حق، به باطل) احتجاج کنند، بگو: من و پیروانم خود را تسلیم امر خدا نموده‌ایم. و بگو با اهل کتاب و با امّیان: آیا شما هم (چون حق پدیدار شود) تسلیم حق شده و ایمان آرید؟ و چنانچه ایمان آرند هدایت یافته‌اند و اگر (از حق) روی گردانند بر تو چیزی جز تبلیغ (دین خدا) نیست و خداوند به حال بندگان بیناست.

• قبول کلیه احکام الهی، کرچه مخالف عقاید و سنن قبل باشد:

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأَمْرٍ لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي هُمَّ عَلَيْكُمْ وَ مِيتَكُمْ بِنَائِيهِ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا (۵۰- آل عمران)

و (آمده‌ام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• به مال و جان خویش مورد امتحان قرار می‌گیرید و از مشرکان، زخم زبان بسیار خواهند شنید:

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدْوَى كَثِيرًا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶- آل عمران)

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

• ایمان به یکی بودن اساس ادیان الهی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۳۶- النسا)

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل) . و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) درافتاده است.

• در همت عمل به احکام، قیام نماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ طَعِينًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸- المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• صبر و استقامت و پناخ بدی به نیکی و انفاق:

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْعُونَ بِالْمَسْنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۵۴- النمل)

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند

• اعراض از سخنان لغو:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

• یاری رساندن به کافران:

وَ مَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا (مَمْنَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ) (۸۶- النمل)

و تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ (قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید، پس (به شکرانه این رحمت) هیچ گاه به کافران نصرت و یاری مکن.

• تبلیغ کلام الهی:

وَ لَا يَصِدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷- النمل)

و زنهار! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مباش.

وَ إِنْ تَكذَّبُوا فَكذب أُمَّةٍ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (۱۸- النمل)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجیبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست

• اطاعت از فرمان الهی و ایمان به کلمه کتب آسمانی:

وَ لَا تَجِدُهَا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِاللَّيْلِ هِيَ أَفْسَسُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا بِآيَاتِ الْإِنشَاءِ وَ أَنْزَلَ

إِلَيْكُمْ وَ إِلَهُنَّ وَ إِلَهُكُمْ وَ هِدًى وَ نَمُنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶- النمل)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• پیروی از فطرت الهی:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ مَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِفَلَقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰- النمل)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

• ابلاغ کلام الهی:

وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعَمَىٰ عَن ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِنَائِنَا فَهَمُّ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• به تسبیح و تشریح پروردگار پردازند و استکبار نوزند:

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِنَائِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا فَرُّوا سَبْدًا وَ سَبَّوْا بِمَمْدٍ (بِهِمْ) وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵- لقمان)

تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که چون متذکر آیات ما شوند به سجده رخ بر خاک نهند و تسبیح و تنزیه و ستایش پروردگار کنند و ادا به کبر و نخوت سر از فرمان حق نکشند.

• اعتماد به کلی بودن حقیقت ادیان:

وَ مَا آتَيْنَهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (۴۴- سبا)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر رد تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

• توجه به انذارات الهی:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مِيًّا وَ يَمِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زندهدل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) و عده عذاب حتم و لازم گردد

• آرایش و سکون یابند و دل‌هایشان به ذکر الهی مشغول شود:

اللَّهُ نَزَلَ أَمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْشُونَ (بِهِمْ) ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳- الزمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه در کمال فصاحت و اعجاز (با هم مشابه است و در آن ثنای خدا) و خاصان خدا (مکرر می‌شود، که از تلاوت آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• اطمینان به وعده الهی:

مَا يَجِدُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَخْرُجُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (۴- غافر)

و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید).

• قبول حکم الهی:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ

يَأْتِيَ بِنَايَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ مَسِيرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸- غافر)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• سخنان لغو و باطل در کلام الهی القا نکند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلُبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• نشاء کلام الهی را در طول تاریخ، یکی داند:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۱۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• کلام حق برای اهل ایمان، هدایت و شفاست:

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۖ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۖ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• توکل و انابه به درگاه الهی:

وَمَا افْتَلَقْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَمَكِّمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰- الشوری)

و آنچه در آن اختلاف و نزاع کردید حکم آن به خدا (و احکام خدا) راجع است، همان خدا (ی آفریننده عالم و آدم) پروردگار من است که بر او توکل کرده و به درگاه او به تضرع باز می‌گردم.

• اعتقاد به یکی بودن اساس ادیان الهی:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَآلِدَىٰ أَوْمَيْنَا إِلَيْكَ ۖ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ ۚ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۚ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• دعوت خلق به سوی حق و استقامت بر آن و عدم پیروی از هوای نفس مردم:

فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ (رَبُّنَا) وَ (رَبُّكُمْ) لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْنَا لَا مُجْهَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)-

(الشوری)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• خداوند بر گناهان او قلم عفو کشد:

لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُدِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲- الفتح)

تا خدا از گناه گذشته و آینده تو در گذرد (مفسرین در این آیه گویند: مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او می‌شمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از هجرت و بعد از هجرت بود) و نعمت خود را بر تو به حد کمال رساند و تو را به راه مستقیم (شرع اسلام به وحی خود) هدایت کند.

• بصیرت:

تَبْصِرَةً وَ ذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (۸- ق)

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

• متذکر شدن به کلام الهی:

وَ لَقَدْ يَسْرَتْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲- القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• به راه حق هدایت یابند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶-)

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

• خداوند در دلهاشان رافت و رحمت نهد:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ هَبْنَاهُ إِتْبَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقَّ رِعَائِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ

آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شناختند.

• خداترس و متقی شوند و برمدانوار الهی، راه هدایت یابند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ كَمَلِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸- المديد)

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• مشمول فضل و رحمت الهی شوند:

لَّا يَجْعَلُ أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹- المديد)

تا آنان که اسلام نیاوردند از اهل کتاب بدانند که آنها هیچ به رحمت و فضل الهی دستی ندارند و هر فضلی و رحمتی به دست خداست، که او به هر که خواهد می‌بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بزرگ و بی‌انتهاست.

• از تاریخ مؤمنان و مسکران پند و عبرت گیرند:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَانِعَتُهُمْ مُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مِثِّ لَمْ يَمْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• مودت با دشمنان:

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ (مِيم) (۷- الممتنه)

امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان (به فتوحات اسلام و ایمان کفار) برقرار گرداند و خدا قادر و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

• هر که نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده:

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ
جَمِيعًا وَ مَنْ أَمَّاهَا فَكَأَنَّمَا أَمَّا النَّاسَ جَمِيعًا وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ (رُسُلًا) بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي
الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲- المائدة)

بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات

بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.

• ایمان به پیامبران الهی که به ظهور آنان بشارت داده شده است:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بِنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مَبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِمٌ مُّبِينٌ (۶- المشر)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است

• صبر و شکیبایی در برابر گفته‌های منکران:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰- المزل)

و بر طعن و یاهوگویی کافران و مکتبان صبور و شکیبا باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

• به خواست الهی هدایت یابد:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزَادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا

ذِكْرِي لِّلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ربیبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• دوری از خسارت و زیان ابدی:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

۶) مؤمنان و سنت لا یتغیر الہی

• تنها جرم ما ایمان به آیات الهی است. خداوند صبر و شکیبایی ده:

وَ مَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِبَيِّنَاتٍ بَيَّنَّا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا فَأُفْرِعْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوْفَنَّا مُسْلِمِينَ (۱۲۶- الاعراف)

و کینه و انتقام تو از ما تنها به جرم آن است که ما به آیات خدا چون برای (هدایت) ما آمد ایمان آوردیم، بار خدایا، به ما صبر و شکیبایی ده و ما را به آیین اسلام (یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا) بمیران.

• به مال و جان امتحان خواهید شد و از مشرکان زخم زبان خواهید شنید:

*لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶- آل عمران)

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

• بر ما نصرت مؤمنین حتم است:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَ كَانَ مَقَامًا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷- النمل)

و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

۷) مؤمنین چگونه در معرض امتحان قرار می گیرند؟

• امر خدا را باره باره کرده، به آنچه نزد خود پسندید دل خوش دارند:

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِغُونَ (۵۳- المؤمنون)

آنگاه مردم (با وجود این سفارش خدا) امر (دین) خود را پاره پاره کردند (و در آیین، فرقه فرقه شدند) و هر گروهی به آنچه نزد خود پسندیدند دلخوش گشتند.

• محققاً شمار ادرمال و جان آزمایش خواهند کرد و زخم زبان بسیار خواهید شنید:

لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا

وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶- آل عمران)

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

• قیام به عید میثاق الهی:

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَمْذَنًا مِيثَقَهُمْ فَنَسَوْا مَهَلًا مَّمَّا ذُكِرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ

يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می کنند آگاه خواهد ساخت.

• حفظ ایمان:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵- المائدة)

ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زیانی از آنها به شما نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می سازد.

• تکل شائد و محن:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ (۹۴- الاعراف)

و ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به شدايد و محن مبتلا ساختیم تا به درگاه خدا تضرع و زاری کنند.

• زنهار کافران تو را از آیات الهی، منع نکنند:

وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۸۷- النمل)

و زنهار! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مپاش.

• مجادله نکردن با اهل کتاب، جزبه نیکوترین وجه:

وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَمْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِلَهَنَا وَ إِلَهُكُمْ وَ مَدُّ وَ نَمْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (النمل - ۴۶)

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویند که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

• پیروی هیشکی از طریق دین الهی:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِطَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (النمل - ۳۰)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

• القای سخنان لغو و باطل در کلام الهی:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلَبُونَ (فصلت - ۲۶)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• عدم ایجاد تفرقه و اختلاف در کلام واحد الهی، در طول زمان:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْهَمَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳- الشورى)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می فرماید.

• حرکت در مسیر تفرقه و اختلاف:

• شک و ریب در حقانیت کلام الهی:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سُبْحَتِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّتَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشورى)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین

(تعجیل در عذاب نکند) البتہ میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• اعتقاد به پیام آور جدید الهی:

قُلْ أُولَٰئِكَ جِئْتَكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزخرف) - ۲۴

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• ایجاد خلاف و نزاع در کلام الهی، به قصد ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر:

وَءَاتَيْنَهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِمَّن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْضًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَفْضِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (الباقیه) - ۱۷

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البتہ خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• منت نهادن بر حق، به علت ایمان به پیامبر الهی:

يَمْثُلُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُوتُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاتُ لِلَايْمَنِ إِن كُنْتُمْ

صَدِيقِينَ (الفتم) - ۱۷

آنها بر تو به مسلمان شدن منت می‌گذارند، بگو: شما به اسلام خود بر من منت منهدید بلکه اگر راست می‌گویید (و ایمان حقیقی دارید) خدا بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت فرموده است.

• تکذیب پیامبران زمان خود:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمْرَأَتُ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ ثَبَعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرِّسْلَ فَمَقَّ وَ عِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبّع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

• در اختلاف سخن بازماندن:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَبَلِّغٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

• روگردان شدن از کلام الهی، به علت عدم درک صحیح:

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• درک معایم حقیقی کلام الهی:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲- القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• درک مقام و جایگاه فرستاده الهی:

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِثَّا وَ مِدًّا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعْرٍ (۲۴- القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده ایم.

أَلَيْسَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشْرٌ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی باک و خودپسندی است.

• حفظ حرکت در مسیر الهی و دوری از انحراف و مراعات کلام الهی:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقْرِعَاتِهَا فَأَتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه

رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• ایمان و اعتماد بر قدرت الهی:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَفْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ
مَنَّعَتْهُمْ مَصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَاتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مَيْتٍ لَمْ يَمْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُفْرِبُونَ بِيُوتَهُمْ
بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه هاشان را ویران می کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت بگیرید.

• پروردگارا ما را اسباب قنیه کافران، مگردان:

(رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (۵- الصف)

پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و پروردگارا، ما را بیامرز که تنها تویی که (بر هر کار) بسیار مقتدری و (به صلاح خلق) کاملاً آگاهی.

• درک بشارات مظاهر مقدسه در مورد ظهور بعد و ایمان و تسلیم در مقابل رسول الهی زمان خود:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا
بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أُحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِمْءُ مُبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگوارى که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحرى آشکار است.

• نصرت امر الهی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِئِينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِئِيُّونَ
نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَمَت طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا
ظَهْرِينَ (۱۴- الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خدايیم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• عمل به احکام و تعالیم الهی:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمْتُوا التَّوْرَاتِ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْمِمَارِ يَمْشِي عَلَىٰ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ
اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• اثبات عمودیت و مودت:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنِ كَعَمَتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٦)-

(الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست

می‌گویید.

• صبر و شکیبایی در مقابل مخالفت:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (١٠- المزمّل)

و بر طعن و یاهوگویی کافران و مکذبان صبور و شکیبای باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری

است) از آنان دوری گزین.

• توکل:

وَ ذَنْبِي وَ الْمُكْذِبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَ مَهْلُكُمْ قَلِيلًا (١١- المزمّل)

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا

رسد).

• درک اشارات کلام الهی و دوری از شک و ریب:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
 يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۚ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
 مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۙ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۚ وَ مَا هِيَ إِلَّا
 ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

۸) انذار به مؤمنین

• شبهه در حق مکن:

الْمَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۴۷- البقره)

حق همان است که از طرف خدا به سوی تو آمد، پس هیچ شبهه به دل راه مده.

• پیروی از کلام الهی کنید، تا عذاب الهی شمارا در بر نگیرد:

وَ اتَّبِعُوا أَمْرًا مَّا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵- فصلت)

و بهترین دستور کتابی را که بر شما از جانب خدایتان نازل شده است پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (قهر خدا به کیفر گناهان) بر شما ناگهان فرود آید و شما آگاه نباشید.

• کلام حق، در همه زمانها یکی است:

مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۱۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• حقیقت ادیان الهی یکی است، در آن اختلاف و تفرقه ایجاد نکنید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْهَمْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
 أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
 يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• اختلاف و نزاع بر نیاکنیزید:

وَ اتَيْنَهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اٰمْتَلَفُوْا اِلَّا مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ
 الْقِيٰمَةِ فَيَمَّا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ (۱۷- الباقیه)

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• در اختلاف سخن باز نمانید؛ زیرا از حق روی گردان شوید:

اِنَّكُمْ لَفِيْ قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• فهم کلام الهی آسان است، از آن پند گیرید:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۲۲- القمر)

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

• پیامبر الهی گرچه بشری از جنس ما است، اما مقام و جایگاه او، منحصر به اوست:

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِثَّا وَ مِدًّا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعِيرٍ (۲۴- القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده ایم.

أَلَيْسَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

• از کلام حق، پیروی کنید و از خود، بدعت مکنارید:

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ زَهَبْنَاهُ ابْتَدَعُوا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ

ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شناختند.

• از سرنوشت کافران، پند و عبرت گیرید:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْمَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَنَّاعُهُمْ مُصُونَهُمْ مِّنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمُ اللَّهُ مِنْ مَّيْتٍ لَّمْ يَمَسَّيْهَا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲- المشر)

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت گیرید.

• از حق بخواهید تا شمارا، مایه قنیه کافران مگرداند:

(بَنَّا لَا تَبْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُحِيمُ) (۵- الممتنه)

پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و پروردگارا، ما را بیامرز که تنها تویی که (بر هر کار) بسیار مقتدری و (به صلاح خلق) کاملاً آگاهی.

• کلام الهی، برای عمل است:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَّاتُوا التَّوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْيَمَّارِ يَمْلِكُ أَسْفَارًا يَنْسُ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• از کفته های کافران دوری گزینید و صبور باشید:

وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْبِزْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰- المزمّل)

و بر طعن و یاهوگویی کافران و مکتبان صبور و شکیبا باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

• تکذیب کنندگان کلام الهی را، به حق و انکارید:

وَ ذُنُوبِ وَ الْمُكْذِبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَ مَهْلُومٌ قَلِيلًا (۱۱- المزمّل)

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من و انکار و اندک زمانی به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا رسد) .

• حق در هر زمان، شاهد اعمال شماست:

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (المزمل) - ۱۵

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

• حق، آنان را که خواهد هدایت کند:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا ۖ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۖ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۖ وَ مَا هِيَ إِلَّا

ذِكْرِي لِّلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهایشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

فصل ۴ - انکار و منکرین

- ۱) خصوصیات، اندیشه ها، اعمال و صفات منکرین در زمان ظهور پیامبران الهی ۸۳
- ۲) منکرین پیامبران الهی چه کسانی هستند؟ در صدر آنان چه افرادی قرار دارند؟ ۱۲۳
- ۳) دلایل انکار پیامبران الهی و عدم ایمان به وی از سوی منکرین ۱۴۱
- ۴) منکرین در باره رسول حق و کلام الهی چه میگویند؟ ۱۶۷
- ۵) منکرین چگونه از پیامبران الهی خشنود خواهند شد؟ ۱۸۱
- ۶) مواجهه با پیامبران الهی و انکار حق چه نتیجه ای برای آنان به بار می آورد؟ ۱۸۳
- ۷) تعداد منکرین و کافران در زمان ظهور ۲۰۴
- ۸) خطاب مؤمنین به کافران در کلام الهی ۲۰۸
- ۹) سنت لا یتغیر الهی در انکار ۲۱۲

(۱) خصوصیات، اندیشه ها، اعمال و صفات منکرین در زمان ظهور پیامبران الهی

• بر آیات و نشانه های آسمان و زمین می گذرند و از آن روی می گردانند:

وَ كَانِ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵- یوسف)

وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ (۱۰۶- یوسف)

و (این مردم بی خرد) چه بسیار بر آیات و نشانه ها (ی قدرت حق) در آسمانها و زمین می گذرند و از آن روی می گردانند.

و اکثر خلق به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه مشرک باشند (و جز خدا امور دیگر را نیز مؤثر در انتظام عالم دانند)

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِّنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن أَرَادَ (الرعد ۲۷-)

و کافران (مکه) می گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می کند.

• از هوای خود تبعیت کنند:

وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ مُكَمَّلًا عَرَبِيًّا وَ لَدُنِ اتَّبَعْتُمْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَ لَا

وَاقٍ (۳۷- الرعد)

و همچنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم، و اگر با این علم و دانش که بر تو آمد باز پیرو میل جاهلانه آنها شدی دیگر مدد و نگرهبانی از (قهر) خدا نخواهی داشت.

• به خورد و خوراک و هوی و هوس سرگردانند:

ذَهُمُ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَظَلَمُونَ (۳- المجر)

(ای رسول ما) این کافران (لجوج) را واگذار تا به خورد و خواب طبیعت و لذات حیوانی سرگرم باشند و آمال و اوهام دنیوی آنان را غافل گرداند، پس (نتیجه این کامرانی بیهوده را) به زودی خواهند یافت.

• پیامبر الهی را دیوانه خوانند:

وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶- المجر)

و کافران گفتند: ای کسی که (مدعی آنی که) قرآن از جانب خدا بر تو نازل شده تو (به عقیده ما) محققا دیوانه‌ای.

• حشامشان را بر آیات الهی می‌بندند:

وَ لَوْ فَتَمْنَا عَلَيْهِمْ بَاباً مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱۴- المجر)

و اگر ما بر این کافران امتت دری از آسمان بگشاییم تا دائم بر آسمانها عروج (یا فرشتگان بر آنها نزول) کنند،

لَقَالُوا إِنَّمَا سَكَّرتْ أُبْمُرْنَا بَلْ نَمْنُ قَوْمٌ مَّسْمُؤُونَ (۱۵- المجر)

وَ لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَ زَيَّنَّا لِلنَّظِيرِينَ (۱۶- المجر)

باز هم خواهند گفت: چشمان ما را فرو بسته‌اند، بلکه در ما سحر و جادویی به کار برده‌اند.

و همانا ما در آسمان کاخهای بلند برافراشتیم و بر چشم بینایان عالم آن کاخها را به زیب و زیور بیاراستیم.

• مست از هوای نفس، در حیرت و کمرابی بسربرد:

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۲- المجر)

(ای محمد) به جان تو قسم که این مردم دنیا همیشه مست شهوات نفسانی و به حیرت و غفلت و گمراهی خواهند بود.

• آیات الهی را اساطیر اولین شمرند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴- النمل)

و هرگاه به این مردم (مستکبر) گفته شود که خدایتان چه فرستاده؟ گویند: این آیات همه افسانه‌های پیشینیان است.

• کلام الهی بر ایشان، جز نفرت نیافزاید:

وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۱- الاسراء)

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت

حاصلی نمی‌افزاید

• چه نسبتها که بر پیامبر نمی‌دهند:

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۴۸- الاسراء)

بنگر تا چه نسبتها به تو می‌دهند! پس گمراه شدند و هیچ راه خلاصی نمی‌یابند.

• چشم بینا ندارند:

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآفِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۷۲- الاسراء)

هر کس در این جهان نابینا (ی کفر و جهل و ضلالت) است در عالم آخرت نیز (از مشاهده بهشتیان و شهود و جمال حق) نابینا و گمراخته خواهد بود.

• آیات بینات طلبند، اما آن نشانه ها را نمی بینند:

وَقَالُوا لَوْ لَا يَأْتِيَنَا بَنَاءٌ مِّن رَّبِّهِ أَوْ لَمَّا تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّمِّ الْأُولَى (۱۳۳- الانبیا)

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی آورد؟ آیا آیات بینه کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

• کلام الهی را خواب های شبانه و پیامبر الهی را، شاعر شمرند:

بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَهْلَمِ بَلِ افْتَرَاتُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بَنَاءٌ كَمَا أُزِيلَ الْأَوَّلُونَ (۵- الانبیا)

بلکه این مردم (غافل نادان) گفتند که سخنان قرآن خواب و خیالی بی اساس است، بلکه این کلمات را خود فرابافته بلکه شاعر بزرگی است و گرنه باید مانند پیغمبران گذشته آیت و معجزه ای برای ما بیاورد.

• چون کران، انداز حق را نمی شنوند:

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَعْدِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمْعُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۴۵- الانبیا)

بگو که من شما را به وحی خدا (از عذابش) می ترسانم ولی گوش کر هنگام وعظ و اندرز، سخن و دعوت حق را نمی شنود.

• چون بر آنان آیات الهی خوانده شود، آثار مخالفت و انکار در چهره آنان به حدی است که نزدیک است بر تلاوت کنندگان

حمله ور شوند:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَ فَاتَّبِعُكُمْ بِشَرِّ مَن ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ بئسَ الْمَصِيرُ (۷۲- الم)

و هرگاه بر این کافران معاند آیات روشن ما تلاوت شود در چهره آن کافران به حدی اثر مخالفت و انکار مشاهده کنی که نزدیک است (از فرط غضب) بر مؤمنانی که آیات ما را بر آنان قرانت می کنند حمله ور شوند، (به آنها) بگو: آیا شما را به عذابی بدتر از این خیر دهم؟ آن آتش دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و آنجا بسیار بد بازگشتگاهی خواهد بود.

• چون بر آنان آیات الهی تلاوت شود، واپس می روند:

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُلِّيٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ آعْقَابِكُمْ تَنصِبُونَ (۶۶- المؤمنون)

زیرا همانا آیات من بر شما تلاوت می شد و شما واپس می رفتید (و بر کفر می افزودید)

• حق را تابع هوای نفس خود می خوانند و از ذکر الهی اعراض می کنند:

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ

مُتَّعِرُونَ (۷۱- المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

• به تمسخر گویند این است آن کسی که خدا به رسالت فرستاده است؟

وَ إِذَا (رَأَوْكَ) إِن يَتَّفِقُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ (رَسُولًا) (۱۴۱- المؤمنون)

این کافران هرگاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده (و گویند) آیا این مرد همان است که خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟

• نمی شنوند و نمی اندیشند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۱۴۴- المؤمنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه (نادان تر و) گمراه ترند.

• تنها از هوای نفس خود پیروی کنند:

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنْ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهتر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• تمامی پیامبران را که مینات و کتب آوردند تکذیب کنند:

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَالرُّبْرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زیورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

• به مؤمنان دین جدید زخم زبان زنند:

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَدَى كَثِيرًا
وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶- آل عمران)

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

• پیامبران زمان خود را به سخره و استهزاء گیرند:

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرَسُولٍ مِّن قَبْلِكَ فَمَا قَبَّ بِالَّذِينَ سَفَرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰- الانعام)

(ای پیغمبر) پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کیفر این عمل دامنگیر شد.

• در تکذیب پیامبران سخنانی گویند که ایشان را فسرده و غمگین سازد:

قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَمْرُؤُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَيَّاتُوا اللَّهَ يَجْمَدُونَ (۳۳- الانعام)

ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. (دل شاد دار) که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند.

• **حزری را انکار کنند که بر آن احاطه ندارند:**

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِبُّوا بِعِلْمِهِمْ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ (۳۹- التوبه)

بلکه انکار چیزی را می‌کنند که علمشان به آن احاطه نیافته و حقیقت و باطن آن هنوز به آنان نرسیده است، پیشینیان هم این چنین رسل و آیات خدا را تکذیب کردند، پس بنگر عاقبت کار ستمکاران عالم به کجا کشید!

• **بسیاری از مردم پس از ظهور پیامبران الهی، بنای سرکشی و فساد بگذرانند:**

مِنَ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَمْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَمْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي

الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲- المائدة)

بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.

• **دستورزشتی و بدکاری می‌دهند:**

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱۶۹- البقره)



این دشمن است که به شما دستور زشتی و بدکاری می‌دهد و بر آن می‌گمارد که سخنانی از روی جهل و نادانی به خدا نسبت دهد.

• انبیا را به ناحق بکشند:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ مَقِّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱- آل عمران)

همانا آنان که به آیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی‌جرم و به ناحق بکشند و آن مردمی را که (خلق را) به درستی و عدل خوانند به قتل رسانند، آنها را به عذاب دردناک بشارت ده.

• برحق، لباس باطل می‌پوشانند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می‌دارید در صورتی که (به حقیقت آن) آگاهی؟!!

• چون آیات الهی را بشوند، بدان کفر ورزیده و آن را استهزاء کنند:

وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي مَدِيحِ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكٰفِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱۴۰- النساء)

و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزاء کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست نکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن گاه شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در جهنم جمع خواهد کرد.

• در هر زمان، پیامبران خود را سخت استهزاء کنند:

وَ لَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَمَا قَبَّ بِالَّذِينَ سَفَرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰- الانعام)

(ای پیغمبر) پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کيفر این عمل دامنگیر شد.

• در تکذیب پیامبران الهی سخنانی گویند که ایشان را افسرده و غمگین سازد:

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَمُزُّكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِنِآيَتِ اللَّهِ يَجْمَدُونَ (۳۳- الانعام)

ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. (دل شاد دار) که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند.

• بر خدا دروغ بنند و آیات الهی را تکذیب کنند:

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ
 (سُئِلُوا بِكُفْرِهِمْ) قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِّن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا
 كَافِرِينَ (۳۷- الاعراف)

پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدای دروغ بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ آنان از کتاب (قضا و قدر الهی یا از نامه اعمال) به بهره خویش خواهند رسید، تا هنگامی که فرستادگان ما (ملك الموت و فرشتگان قبض روح) بر آنان فرا رسند که قبض روح آنان کنند به آنان گویند: چه شدند آنهایی که به جای خدا به ربوبیت می‌خواندید (مانند بتان جمادی و غیر جمادی و هواهای نفسانی)؟ پاسخ دهند که آنها همه از نظر ما ناپدید و نابود شدند. و آنها بر زیان خویش گواهی دهند که کافر بوده‌اند.

• با علم به حقانیت الهی، آنرا کتمان کنند:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْمُقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴۶-)

(البقره)

گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم، (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حقانیت) او را به خوبی می‌شناسند همان گونه که فرزندان خود را، و لکن گروهی از آنان (از راه عناد) حق را کتمان می‌کنند در صورتی که علم به آن دارند.

• چون آیات الهی تلاوت شود، آنرا افسانه‌هایی از گذشته‌ها می‌شمارند که آنها هم چون آن، توانند گفت:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا اِنْ هَذَا اِلَّا اَسْطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ (۳۱- الانفال)

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود گویند: شنیدیم، اگر ما هم می‌خواستیم مانند آن می‌گفتیم، این چیزی جز افسانه پیشینیان نیست.

• حق را به باطل پوشانند و آنرا پنهان سازند:

وَ لَا تَلْبِسُوا الْمُقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْمُقَّ وَ اَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۴۲- البقره)

و حق را به باطل می‌پوشانید و حقیقت را پنهان نسازید و حال آنکه (به حقانیت آن) واقفید.

• جز فاسقان انکار می‌نکنند:

وَ لَقَدْ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا اِلَّا الْفٰسِقُونَ (۹۹- البقره)

و ما (برای اثبات پیغمبری تو) آیات و دلایل روشن به تو فرستادیم، و بجز فاسقان (و اهل عناد) کسی انکار آن نخواهد کرد.

• کلام الهی را اقترابه حق شمرند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَمَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (التوبه - ۳۸)

بلکه کافران می‌گویند قرآن را (محمد) خود بافته است. بگو: اگر راست می‌گویید شما خود و هم از هر کس نیز می‌توانید کمک بطلبید و يك سوره مانند آن بیاورید.

• با خدا و ملائکه و پیامبران الهی و جبرئیل و میکائیل دشمنند:

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيْلَ وَ مِيكَائِيْلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (البقره - ۹۸)

هر کس با خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل دشمن است (محققا کافر است و) خدا هم دشمن کافران است.

• در ضلالت بعیدی به سربرند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ

يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا بَعِيدًا (النسا - ۱۳۶)

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل). و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) درافتاده است.

• به آیات حق که بر آنان عرضه شود نسبت سحر دهند:

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلَّمَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَ لَا يُفْلِعُ السِّمْرُونَ (۷۷- التوبه)

موسی به آنان گفت: آیا به آیات حق که برای شما آمد نسبت سحر می‌دهید؟ آیا این سحر است و حال آنکه ساحران را هرگز

فلاح و فیروزی نخواهد بود؟!

• این ظالمان آیات الهی را تکذیب کرده و بر خدا دروغ بنهند:

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِعُ الظَّالِمُونَ (۲۱- الانعام)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات او را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را رستگاری نخواهد بود.

• سرای آخرت و بهشت را تنها از آن خود دانند:

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآفِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۹۴- البقره)

وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۹۵- البقره)

بگو: اگر سرای آخرت را (با آن همه نعمت) خدا به شما اختصاص داده دون سایر مردم، بایستی همیشه به مرگ آرزومند

باشید اگر راست می‌گویید. و هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد، (زیرا عذاب سخت) به واسطه کردار بد خود (برای خود در

آخرت مهیا کرده‌اند) ، و خدا آگاه به ستمکاران است.

وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۱-)

(البقره)

و یهود گفتند: هرگز به بهشت نرود جز طایفه یهود، و نصاری گفتند: جز طایفه نصاری. این تنها آرزوی باطل آنهاست، بگو: بر این دعوی برهان آورید اگر راست می‌گویید.

• حتی اگر کتاب الهی را لمس کنند، باز آنرا سحر مبین شمرند:

و لَهُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الانعام)

و اگر ما کتابی بر تو فرستیم در کاغذی که آن را به دست خود لمس کنند، باز کافران گویند: این نیست مگر سحری آشکار.

• در مقابل تمامی پیامبران الهی که او امری بر خلاف هوای نفس آنان آرزو استکبار و رزیده تکذیبشان کنند و جمعی را به قتل رسانند:

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ هَمَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرِّسْلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَ وَ آتَيْنَاهُ الْبُحْرَ الْبَقْرَةَ
أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۷- البقره)

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن، حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا او امری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

• هر گروه فقط رسول زمان خود را به حق دانند و به فرستاده الهی بعد از او، کافر شوند:

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نَحْنُ نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقْصِدُ الْمُبِينُ لَمَّا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)



و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راست‌گویید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

• کونند خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، تا او قربانی ای آورد که در آتش بسوزد:

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالذِّكْرِ فَلَمَّ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳- آل عمران)

آنان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشتید؟!

• پرده بردلهايشان است و سنگینی بر گوشه‌هایشان که چون سخن الهی را بشنوند فهم آن نتوانند کرد و به جهت انکار در مقام

مجادله درآیند:

وَ مِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ بَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ يَرَوْا كَلًّا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ يَجِدُلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هٰذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵- الانعام)

و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر دلهاشان نهاده‌ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوشه‌های آنها سنگینی نهاده‌ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام مجادله بر آمده، آن کافران گویند: این آیات چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

• اهل کتاب، با وجودیکه بر صدق آن کواهند، بر آیات خدا کافر شوند:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آنکه شما به صدق آن گواهی دهید؟!

• مؤمنین ادیان قبل گویند: برای ما خوردن مال غیرکناهی نذارد و آزار به دروغ به خدا نسبت دهند:

وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵- آل عمران)

بعضی از اهل کتاب (به آن حد درستکارند که) اگر مال بسیار به آنها بسپاری رد امانت کنند، و برخی دیگر از اهل کتاب (تا آن اندازه نادرستند که) اگر يك دينار به او امانت دهی رد نکنند جز آنکه بر مطالبه آن سختگیری کنی، از این رو که گویند: برای ما (پیروان تورات) به هر وسیله خوردن مال امیان (غیر اهل تورات) گناهی ندارد، و این سخن را به دروغ به خدا نسبت دهند در صورتی که می‌دانند (که به خدا نسبت دروغ می‌دهند)

• همه آیات الهی را انکار کنند:

وَ لَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ مَتَى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷- التوبه)

اگر چه هر گونه معجزه و آیتی از جانب خدا بر آنان بیاید، تا وقتی که عذاب دردناک را به چشم مشاهده کنند.

• دست‌خوار است و اند:

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مِمَّا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ الرِّبِّ طَغَيْنَا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْمَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَمِبُ الْمُفْسِدِينَ (۶۴- المائدة)



و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• هیچ آیه ای از آیات الهی بر ایشان نیاید، جز آنکه اعراض کنند:

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴- الانعام)

و هیچ آیتی از آیات الهی بر اینان نیامد جز آنکه (از روی جهل و عناد) از آن روی گردانیدند.

• کلام الهی را استزاء کنند:

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۵- الانعام)

حق را که بر آنها آمد جداً تکذیب کردند، پس به زودی خبر آنچه که آن را به سخریه گرفتند به آنان می‌رسد.

• چون ناشنویان، اگر چه ظاهر کلام الهی را گوش کنند، اما در آن نمی‌اندیشند:

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أ فَاَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمِّ وَ لَوْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ (۴۲- التوبه)

برخی از این منکران (چون قرائت قرآن کنی) به ظاهر به تو گوش کنند (ولی به معنی نمی‌شنوند) آیا تو کران را گر چه هیچ عقل و ادراکی ندارند از کلام خدا توانی چیزی بشنوانی؟

• پیامبر الهی را، سفیه و بی‌خرد خوانند و وی را دروغگو نامند:

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاتُ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِينَ (۶۶- الاعراف)

مehrtان قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی‌خرد می‌یابیم و گمان می‌کنیم که تو سخت از دروغگویان باشی.

• نگاه می‌کنند و نمی‌بینند:

وَ مِنْهُمْ مَن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أ فَاَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَ لَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۱۳- التوبه)

و برخی از منکران (هنگام تلاوت قرآن به چشم ظاهر) در تو می‌نگرند (ولی به مقام باطن تو پی نمی‌برند) آیا تو کوران را گر چه هیچ نبینند هدایت توانی کرد؟

• آیات و انذار الهی، بر آنها سودمند نمی‌افتد:

قُلْ انظُرُوا مَا ذَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا تُغْنِي الْآيَاتِ وَ النَّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱- التوبه)

بگو: در آسمانها و زمین بنگرید تا چه مشاهده می‌کنید. و (گر چه) مردمی را که نخواهند ایمان آورند دلایل و آیات و بیم دادندهای الهی هرگز سودمند نمی‌افتند.

• پیامبر را به علت دعوی رسالت، مجنون می‌دانند:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ مِثْنٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْمَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْمَقِّ كَرِهُونَ (۷۰- المؤمنون)

یا آنکه می‌گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می‌کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند.

• در زمان تمام پیامبران، چون یکدیگر سخن گویند:

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱- المؤمنون)

بلکه این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند.

• در زمان مرگ، از حق طلب کنند که آنها را به دنیا بازگرداند:

مَتَىٰ إِذَا جَاءَ أَمَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً (۹۹- المؤمنون)

(کافران در جهل و غفلتند) تا آن گاه که وقت مرگ هر يك از آنها فرا رسد، در آن حال گویند: بارالها، مرا به دنیا بازگردانید.

• کلام الهی را دروغ پیامبر خوانده؛ گویند دیگران نیز به او کلمک کرده اند:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاتٍ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (۱۴- المؤمنون)

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حیش می‌شمرد) جز آنکه به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز (در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بچیز دیگری نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و نسبتی نا حق (در حق پیغمبر خدا) است.

• کلام الهی را اساطیر اولین شمرند که نسخه برداری شده و بر او صبح و شب املا کنند:

وَقَالُوا أَأُطِيرُ الْأَوَّلِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُرْهَةً وَ أَصِيلًا (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

• چرا رسول جوان انسانی عادی زندگی می کند؟

وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷-)

(المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می کند و در (کوچه و) بازارها راه می رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ تَكُونَ لَهُ جِنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْمُورًا (۸- المؤمنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• برای هر پیامبری دشمنی از جنس بدکاران قرار داده شده:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَ نَصِيرًا (۳۱- المؤمنون)

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران (امّتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است.

• بر پیامبر مثال باطل آورند:

وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا مِنْكَ بِالْمَقِّ وَ أَمْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳- المؤمنون)

و کافران بر تو هیچ مثل (باطل و اعتراض ناحق) نیاورند مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان پاسخ آنها آریم.

• هوای نفس را خدای خود سازند:

أَءَیَّتْ مَنْ اِتَّمَدَ إِلَهِهُ هَوَاتُ أُمَّةٍ فَآتَتْ تَكُونُ عَلَيْهِ وَ كَيْلًا (۴۳- المؤمنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی شد؟

• آنکه به کلام حق یقین دارند، از کبر و نخوت آنرا انکار کنند:

وَ جَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتَهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• آیات الهی را سحر و افسوس و کونند که این گفتار و دعوی را هیچ از پدران خود نشنیده اند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرٍ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶-)

(النمل)



چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

• از پیامبر الهی، معجزات خارق العاده طلب کنند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أُوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمَّا يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَانِ وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• هر کوزه آیات الهی را نفی کرده، خواهند گفت شما خلق را به باطل می‌خوانید:

وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ لَئِنْ مِئْتَهُمْ بَيِّنَاتٌ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• برای کمرابی از مسیر حق، گفتار و سخنان لغو و باطل تدارک دیده، آیات الهی را به استهزاء گیرند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْمَدِينِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّقِهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۶- لقمان)



و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

• چون آیات الهی تلاوت شود، آسختار و زنگار، کوئی نمی‌شوند:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• خود را ملزم به تبعیت از راه و روش اجداد خود می‌دانند، گرچه آنان راه آتش دوزخ را همون شود:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیاوید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

• پیامبر و حقایق الهی را، به استهزاء و تمسخر کینند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ جُلٍّ يُبْتَلِكُمْ إِذَا مَنَّتُمْ إِذَا مَنَّتُمْ كُلٌّ مُمْرِقٌ لِّفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷- سبأ)

و کافران (به تمسخر و استهزاء مؤمنان، با مردم) گفتند که آیا می‌خواهید شما را به مردی رهبری کنیم که شما را خبر می‌دهد که پس از آنکه مردید و ذرات جستان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد.

• کفار در همه وقت، پیامبران را تکذیب می‌کنند:

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِيعَاتَنَا مَا أَتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا (سُورَةُ الْكَافِرِينَ - ۴۵ - سبأ)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبران را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند)

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ (سُورَةُ الْكَافِرِينَ - ۲۵ - فاطر)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجتهای روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

• خود را شایسته‌ترین منظران الهی می‌خوانند، و چون آن نخط فرارسد، جز بر مخالفت و نفرت آنها نمی‌افزاید:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ الْإِنْسَانِ الْأُولَى فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا رَأَوْهُمُ إِلَّا نُفُورًا (سُورَةُ الْكَافِرِينَ - ۴۲ - فاطر)

و (مشرکان عرب) محکم‌ترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• استکار و روزند و مکرو اعمال بداندیشند:



اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيَءِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (فاطر) - ۴۳

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبتل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• وجود مؤمنین را به فال بد گرفته آنها را به سسار و رنج و شکنجه، تهدید کنند:

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (فاطر) - ۱۸

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

قَالُوا طَرَفُكُمْ مَعَكُمْ أَمْ نَدُكْرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (فاطر) - ۱۹

رسولان گفتند: آن فال بد که می‌گویید اگر بفهمید و متذکر شوید (آن جهلی است که) با خود شماست، بلکه شما مردم مسرف (و پر هوا و هوس) هستید.

• هیچ رسولی نباید جز آنکه او را به استهزاء گیرند:

يَمْسِرَّةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يُأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (فاطر) - ۳۰

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

• در مقابل کلمه توحید، استکبار ورزند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُسْتَكْبِرُونَ (۳۵- الصافات)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

• گویند: آیا به خاطر شاعری مجنون، از خدایان خود دست برداریم؟

و يَقُولُونَ أَأَنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶- الصافات)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• جز کافران، کسی به جدل در آیات الهی سپردازد:

مَا يَجِدُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَخْرُجُكَ قَلْبُهُمْ فِي الْبَلَدِ (۴- غافر)

و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و

دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید).

• همه‌گاه مردم پیامبران خود را تکذیب کنند و به دستگیری آنان، همت بکارند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا

بِهِ الْمَقْتَلِ فَأَمْدَتْهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)



(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• پس از ظهور، اقدام به کشتن مؤمنین کنند:

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْمَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَمِيؤْا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا

فِي ضَلٰلٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• جز تکبر و نخوت، چیزی در دل ندارند:

اِنَّ الَّذِيْنَ يَجْدِلُوْنَ فِيْ ءَايٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اٰتٰتُهُمْ اِنْ فِيْ صُدُوْرِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبٰلِغِيْهِ فَاَسْتَعِذُّ بِاللّٰهِ

اِنَّهُ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• بیشتر مردم ایمان نمی آورند:

اِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَ لٰكِنَّا اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ (۵۹- غافر)

البته ساعت قیامت بی هیچ شك می آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی آورند.

• به علم خود در مقابل آیات الهی، شاد و مغرور شوند:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أُنسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ مَا قَابَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولان نشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می کردند همه را فرا گرفت.

• در کلام الهی، سخنان لغو القا کنند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• ایراد تراشی کنند، در حالیکه گوشه‌هایشان کران است؛ کوئی از مکان بسیار دور به آن دعوت می شوند:

وَ لَوْ يَعْلَمَنَّهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فَصَلتْ آيَتُهُ ءَ اعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۱۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می فرستادیم کافران می گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان) به این کتاب حق گوش فرا نمی دارند، گویی که از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می شوند.

• برای تعدی و ظلم، راه تفرقه و اختلاف پیمایند:

• مؤمنین به ادیان الهی، در کلام الهی زمان خود شک و ریب نکنند:

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ

بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (الشوری- ۱۴)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• در حق خویش ستم نکنند:

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْمًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (۵- الزفر)

آیا ما از متذکر ساختن شما (به قرآن) چون (به انکار آن) بر خویش ستم می‌کنید صرف نظر کنیم؟

• هیچ رسولی نباید جز آنکه او را به استزاء گیرند:

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۷- الزفر)

و بر مردم هیچ رسولی نمی‌آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می‌گرفتند.

• مترفان همه گاه بر کلام الهی کافر شده کونند ما از عقاید و آئین پدران خود، پیروی کنیم:



وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (الزفر) - ۲۳)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

قُلْ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزفر) - ۲۴)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• گویند: چرا قرآن بر بزرگان قوم نازل نشد؟

وَ قَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ (جُلٍّ مِّنَ الْقَرَبِيِّتَيْنِ عَظِيمٍ) (الزفر) - ۳۱)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

• چون کران و کوران دانسته به گمراهی می‌روند:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الزفر) - ۴۰)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• آیات حق را مصحح کنند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِكِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الزفر) - (۴۶)

و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش (به رسالت) فرستادیم، او به آنها گفت: من رسول رب العالمینم.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْمَكُونَ (الزفر) - (۴۷)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

وَمَا نُزِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَ أَفْذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ (الزفر) - (۴۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• قوم خویش را ذلیل و زبون کنند تا مطیع فرمان آنان شوند:

فَاسْتَفَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (الزفر) - (۵۴)

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

• به آیات روشن الهی، که والاترین برهان حق است ایمان نمی آورند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقْصُودِ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (الباقیه) - (۶)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان

می آورند؟

• باوجود شنیدن آیات الهی، بر استکبار خود مصرند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• چون چیزی از آیات الهی دانند، آنرا به سخره گیرند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر، در آیات بینات اختلاف انگیزند:

وَ آتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِمَّن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْضًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷- الباقیه)

نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

• آیات الهی را سحر مبین خوانند:

وَ إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• به این جهت به کلام الهی گوش نکنند تا آنرا با اهل علم به تمسخر و اهانت گیرند:

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَتَىٰ إِذَا مَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶- ممد)

و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملا گوش می دهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند با اهل علم (اصحابت به تمسخر و اهانت) می گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟! اینان هستند که خدا بر دلهاشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند.

• در حالی مضطرب و سرگردان، حق را تکذیب کنند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• هم وقت کافران پیام آوران الهی زمان خود را تکذیب کنند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رس (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمُؤُن لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ تُبَيْعٍ كُلُّ كَذَّابٍ أَلْسِنَهُ رَمَقٌ وَعِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبیع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

• کسانی را که شایسته فهم الهی نیستند، روگردان کنند:

يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَنَ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• گروهی سرکش و نافرمانند یا زیرکی و خیالات باطلشان، بر این و امیدارد:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِهِذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲- الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این و امیدارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و نافرمانند؟

• می خواهند نور خدا را به گفتار خویش خاموش کنند:

رِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• کلام الهی را به هوای نفس خود، معنا کنند:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لِمَا تَفْخِرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• آنچه نمی‌بینند، حانیت کلام الهی است:

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹- الماقه)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰- الماقه)

و آنچه نمی‌بینید.

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است

• در مقابل کلام الهی، روی ترش کنند و چهره درهم کشند و استکبار ورزند:

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱- المدثر)

پس باز اندیشه کرد.

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (۲۲- المدثر)

(به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم کشید.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳- المدثر)

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سَمْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴- المدثر)

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵- المدثر)

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

سَأُصَلِّيهُ سَقَرًا (۲۶- المدثر)

من این (منکر و مکذب قرآن) را به آتش دوزخ درافکنم.

• در ولهائشان مرض است:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْمَبَ النَّارِ إِلَّا مَلَكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا

ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)



و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• آنان از نماز گزاران نبوده، با اهل باطل به بطالت پردازند:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۱۴۲) - المدثر)

که شما را چه عمل به عذاب دوزخ در افکند؟

قَالُوا لَمْ نَك مِنَ الْمُصَلِّينَ (۱۴۳) - المدثر)

آنان جواب دهند که ما از نماز گزاران نبودیم.

وَ كُنَّا نَفُوسٍ مَعَ الْفَٰئِضِينَ (۱۴۵) - المدثر)

و ما با اهل باطل به بطالت می پرداختیم.

• برهان الهی را نمی پذیرند:

فَبَآئٍ مَدِيَّتٍ بَعْدَهُ يُبْهُمُونُ (۵۰) - المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می آورند؟

• به روز حساب بی اعتقادند:

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷- النبأ)

زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند.

وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸- النبأ)

و آیات ما را سخت تکذیب کردند.

• تکذیب و نافرمانی کنند و از حق روی گردانند:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱- النازعات)

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲- النازعات)

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• بر قلوبشان آنچه کسب کرده اند، حکم می راند:

كَلَّا بَلْ أُنزِلَتْ عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَمَا كَانُوا يَنْصُرُونَ (۱۴- المطففين)

چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بد کاریهایشان بر دلهای تیره آنها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می کنند).

• مؤمنین را مصحح کنند و در استزاء آنان با یکدیگر، به تفریح پردازند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• هر چه توانند کید و مکر کنند:

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند.

• در خسارت و زیانند:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْٓ اَسْرٍ (۲)

اِلَّا الَّذِیْنَ ءَامَنُوْا وَ عَمِلُوْا الصّٰلِحٰتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

• عهد و پیمان الهی را نقض کنند:

اَوْ كَلِمًا عَهْدًا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِیْقٌ مِّنْهُمْ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ (۱۰۰- بقره)

برای چه هر عهد و پیمان که بستند گروهی آن را می‌شکنند؟ (نه اینان) بلکه اکثر آنها اصلاً ایمان نخواهند آورد.

۲) منکرین پیامبران الهی چه کسانی هستند؟ در صدر آنان چه افرادی قرار دارند؟

• سران قوم:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَزَاتِ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَزَاتِ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِي الرَّأْيِ وَ مَا نَزَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِ بَلْ نَنْتَكُمُ كَذِبِينَ (هود - ۲۷)

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی‌دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تو اند اشخاصی پست و بی‌قدر بیش نیستند و ما هیچ‌گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.

• مردم گمراه:

قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ (كُفْمَةٍ رَبِّيَ) إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

• افراد بدون تفکر و تعقل:

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴- المؤمنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهار پایاند بلکه نادان‌تر و) گمراهن‌ترند.

• مستکبران:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (النمل - ۲۴)

و هرگاه به این مردم (مستکبر) گفته شود که خدایتان چه فرستاده؟ گویند: این آیات همه افسانه‌های پیشینیان است.

• **مفسدین:**

وَ بِمَدُّوْهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (النمل - ۱۴)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• **تبعیت‌کنندگان از هوای نفس:**

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَمِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّهَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتُ بَغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (النمل - ۵۰)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراه‌تر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• **کسانی که پیامبر را چون فرزند خود می‌شناسند اما خود را به زیان انداخته، ایمان نمی‌آورند:**

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ فَسَّرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (الانعام - ۲۰)

آنان که ما کتاب به آنها فرستادیم، او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) به مانند فرزندان خود می‌شناسند. آنان که خود را به زیان انداختند (به او) ایمان نمی‌آورند.

• مؤمنان به ادیان گذشته:

لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا
وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶- آل عمران)

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ بَيْنِكُمْ وَ لِيُزِيدَنَّ كَثِيرًا
مَنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِكُمْ طَغِينًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸- المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• کسانی که دست خدا را بسته می‌دانند:

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ
لِيُزِيدَنَّ كَثِيرًا مَنْهُمْ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِكُمْ طَغِينًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا
أَوْقَدُوا نَارًا لِلْمَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَمِبُ الْمُفْسِدِينَ (۶۴- المائدة)



و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• کسانی که به خدا و فرشتگان و کتابها و رسولان و روز قیامت، ایمان ندارند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَ مَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كِتَابِهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (النسا)

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و انجیل). و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور (از سعادت) در افتاده است.

• آنان که در قلوبشان مرض است بر خباثت خود می‌افزایند:

وَ أُمَّةٌ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ مَا تُووا وَ هُمْ كَفِرُونَ (التوبه)

و اما آنان که دل‌هاشان به مرض (شک و نفاق) مبتلاست هم بر خبث ذاتی آنها خباثتی افزود تا به حال کفر جان دادند.

• بدکاران است در زمان همه پیامبران الهی:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا (۳۱- المؤمنون)

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران (امّتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است.

• آنان که هوای نفس را خدای خود گیرند:

أَيَّيْتِ مَنْ اتَّمَدَ إِلَيْهِ هَوَاتُ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۴۳- المؤمنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی شد؟

• کسانی که نه می شنوند نه تعقل می کنند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴- المؤمنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه (نادان تر و) گمراه ترند.

• مفسدینی که گرچه به حقانیت کلام الهی اطمینان دارند، اما باز آنرا انکار کنند:

وَ جَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

(۱۴) و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• سران قوم و حاکمان زمان:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِبَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرَىٰ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي ءَابَائِنَا الْأُولَىٰ (۳۶-)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

• آنان که از رسول حق، معجزات خارق العاده می‌طلبند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمَّا يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ لَّوْنٌ (النمل - ۴۸)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتمیان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• کسانی که پیرو هوای نفسند:

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (النمل - ۵۰)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراخته از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• کافرانی که با وجود آیات آشکار حق، معتقدند، رسولان مردم را به باطل می‌خوانند:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ لَنْ نَجْتَنِبَهُمْ بِنَأْيٍ لِّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
مُبْطِلُونَ (النمل - ۵۸)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• برخی از مردمی که سخنان لغو را وسیله جهالت مردم قرار داده، آیات الهی را به تمسخر می‌گیرند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْمَدْيِثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِخَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَفَذَّهَا هُزُوًّا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهِينٌ (۶- لقمان)

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

• مستکبران:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَانَتْ لَهُمْ يَسْمَعُهَا كَأَن فِي أذُنَيْهِ وَقَرَأَ فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• مترفان زمان:

وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴- سبأ)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• مردمی که پیامبران را، اخلال کنندگان در دین بدان خود می‌دانند:

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانَتْ تَعْبُدُونَ أَبَاؤَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا
إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْمَقْ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سَمْرٌ مُّبِينٌ (سبا - ۴۳)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• کسانی که به عبث با آنچه از ثروت و جاه نصیبتان شده است، رسولان را تکذیب می‌کنند:

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِعْثَارَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا (سلی فَكَيْفَ كَانَتْ نَكِيرٍ) (سبا - ۴۵)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند)

• مردمی که چون مردگان در گورستانند:

وَ مَا يَسْتَوِي الْأَمْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ (فاطر - ۲۲)

و ایداً زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان) برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان (کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد.

• کسانی که خود را بهترین شطران هدایت الهی میدانند، اما در زمان ظهور بر مخالفت و نفرت خود، می افزایند:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنَبْجِئَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِمْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می کردند که اگر بیم کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• مستکبران و مکاران ارض:

اسْتَجْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَمِيقُوا الْمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَا تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• مردمی که جایگاه ویژه رسول الهی را، نمی پذیرند:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• بزرگان و صاحبان امتیاز در هر زمان:

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸- ص)

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند).

• اقوام مختلف و صاحبان قدرت زمان:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْعَادُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲- ص)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْذُوهُ وَ جَدُّوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا بِهِ الْمَقْتِ فَآمَدْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- ص)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• افرادی که به علم و دانش خود در زمان ظهور می‌بالند:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أَسْلَمُوا بِأَلْبَانَتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)



پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود

شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت

• آنان که مردم را از شنیدن کلام الهی منع کرده و در آن سخنان لغو و باطل، القامی‌کنند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلِبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم

صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• بهانه‌گیری‌هایی که گوشه‌ایشان گران است؛ کوئی از مکانی دور به سوی حق خوانده می‌شوند:

وَ لَوْ بَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ

وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب)

نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر

ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام

حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان) به این کتاب حق گوش فرا

نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• قدرتمندان زمان، که تغییر دین پدران خود را نمی پذیرند:

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (الزفر) - (۲۳)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

قُلْ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزفر) - (۲۴)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• کوران و کرانی که دانسته به گمراهی می‌روند:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمْعَ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَ مَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الزفر) - (۴۰)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• صاحبان قدرت و اشراف زمان:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِبَنَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الزفر) - (۴۶)

و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش (به رسالت) فرستادیم، او به آنها

گفت: من رسول رب العالمینم.

• مردم فاسق:

فَاسْتَفَفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴- الزمر)

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

• آنان که چون خیزی از آیات الهی بدانند، آنرا به سخره میگیرند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• افرادی که آیات الهی را سحر مبین دانند:

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• مردمانی که خود را برتر از کسانی میدانند که در ایمان به رسول الهی، بر آنان سبقت می‌گیرند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)



و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• مردمی از همه اقوام، در طول زمان:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲-ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به جاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِفْوَاطُ لُوطٍ (۱۳-ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

• کسانی که در اختلاف سخن بازمی مانند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَّفَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید).

• مردمی که شایسته فهم کلام الهی نیستند:

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكُ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• صاحبان ملک و قدرت:

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونُ (الذاریات) ۳۹-

و فرعون به غرور ملك و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• سرکشان و نافرمانان، که زیرکی و خیالات باطلشان بر این و امیدارد:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِهِذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (الطور) ۳۲-

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این و امیدارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

• بسیاری از افراد و اقوام زمان:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (القمر) ۲۳-

قوم ثمود هم آیات حق را تکذیب کردند.

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶-

المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان ایشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق

هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

• مؤمنین ادیان قبل، که فقط خود را دوستدار حقیقی خدا می دانند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنِ رَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)-

(الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدا هستید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست

می‌گویید.

• اهل کتاب:

• آنهایی که در دلهایشان مرض است:

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَصْلَحُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهایشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• مردمی که با اهل باطل، بر بطالت گذرانند:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲- المدثر)

که شما را چه عمل به عذاب دوزخ در افکند؟

قَالُوا لَمْ نَك مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳- المدثر)

آنان جواب دهند که ما از نمازگزاران نبودیم

وَ كُنَّا نَفُوسٍ مَعَ الْفَاضِلِينَ (۴۵- المدثر)

و ما با اهل باطل به بطالت می‌پرداختیم.

• صاحبان قدرت و نفوذ:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱- النازعات)

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲- النازعات)

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• مردمی که ظلمت ظلم و بدکاریشان بر دلهای آنان غلبه کرده است:

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴- المطففين)

چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بد کاریهایشان بر دلهای تیره آنها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می‌کنند).

• بدکارانی که بر اهل ایمان می‌خندند و با استهزاء آنان در حلقه دوستان خود، تفریح می‌کنند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْمَكُونَ (المطففين) - ۲۹

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (المطففين) - ۳۰

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (المطففين) - ۳۱

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (المطففين) - ۳۲

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

(۳) دلایل انکار پیامبر الهی و عدم ایمان به وی از سوی منکرین

• او چون ما، جز بشری بیش نیست:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَرَاكَ إِلَّا اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّ الرَّأْيِ وَ مَا نَزَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَذِبِينَ (۲۷ - هود)

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی‌دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تو اند اشخاصی پست و بی‌قدر بیش نیستند و ما هیچ‌گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.

• تا برای ما دلیلی نیآوری، از خدایان خود دست نمی‌کشیم:

قَالُوا يَهُودُ مَا مِثْلَنَا بَيِّنَةٌ وَ مَا نَمْنُ بِتَارِكِي ءَالِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَ مَا نَمْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۵۳ - هود)

قوم هود وی را پاسخ دادند که ای هود، تو برای ما دلیلی (روشن بر دعوی رسالت خود) نیآوری و ما هرگز از خدایان خود به مجرد حرف تو دست نمی‌کشیم و ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.

• چرا از سوی خدایش بر او آیتی فرستاده نشد؟

وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷ - الرعد)

و باز کافران (به طعنه) می‌گویند که چرا از خدایش بر او آیت و معجزه‌ای فرستاده نشد؟ (باید بدانند که) تنها وظیفه تو

اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ (الرعد)

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند.

• اورا رسول به حق نمی‌دانند:

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (الرعد)

و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی، بگو: تنها گواه بین من و شما خدا و عالمان حقیقی به کتاب (خدا که انبیاء و اولیاء و علماء ربّانیند) کافی خواهد بود.

• وی را دیوانه می‌دانند:

وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶- المجر)

و کافران گفتند: ای کسی که (مدعی آنی که) قرآن از جانب خدا بر تو نازل شده تو (به عقیده ما) محققاً دیوانه‌ای.

• کلام الهی را اساطیر اولین شمرند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَّاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴- النمل)

و هرگاه به این مردم (مستکبر) گفته شود که خدایتان چه فرستاده؟ گویند: این آیات همه افسانه‌های پیشینیان است.

• چرا آیتی از جانب خدا برای ما نمی‌آورد؟

وَقَالُوا لَوْ لَا يَأْتِيَنَا بِنَايَةٍ مِّنْ رَبِّهِ أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّفِّ الْأُولَى (۱۳۳- طه)

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی‌آورد؟ آیا آیات بیینه کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

• گوش‌های ناشنوا:

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمْعُ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۴۵- الانبیا)

بگو که من شما را به وحی خدا (از عذابش) می‌ترسانم ولی گوش‌ها هنگام وعظ و اندرز، سخن و دعوت حق را نمی‌شنود.

• سخنان او خواب و خیالی بی‌اساس است و گرنه چون پیامبران گذشته، باید آیتی برای ما بیاورد:

بَلْ قَالُوا أَفَضَحْتُ أَهْلَمِ بَلِ افْتَرَاتُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِنَايَةٍ كَمَا أُزِيلَ الْأَوَّلُونَ (۵- الانبیا)

بلکه این مردم (غافل نادان) گفتند که سخنان قرآن خواب و خیالی بی‌اساس است، بلکه این کلمات را خود فرابافته بلکه شاعر بزرگی است و گرنه باید مانند پیغمبران گذشته آیت و معجزه‌ای برای ما بیاورد.

• اگر خدای خواست رسولی نفرستد، از جنس فرشتگان می‌فرستد:

فَقَالَ الْمَلَكُ الَّذِي كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً

مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ (۲۴- المؤمنون)

اشراف قوم او که کافر شدند (به مردم) گفتند که این شخص جز آنکه بشری است مانند شما که می‌خواهد بر شما برتری یابد فضیلت دیگری ندارد و اگر خدا می‌خواست (رسول بر بشر نفرستد) همانا از جنس فرشتگان می‌فرستاد، ما این سخنانی که این شخص می‌گوید در میان پدران پیشین خود هیچ نشنیده‌ایم.

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِيقَاتِ الْآفِرَةِ وَاتْرَفْنَاهُمْ فِي الْمَيْوَةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ

يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳- المؤمنون)

و باز اشراف و اعیان قوم وی که کافر شدند و عالم آخرت را تکذیب کردند و ما متنعمشان در حیات دنیا کرده بودیم (به مردم) گفتند که این شخص بشری مانند شما بیش نیست که از هر چه شما بشر می‌خورید و می‌آشامید او هم می‌خورد و می‌آشامد.

• او از افسانه‌های پیشین نسخه برداری می‌کند:

وَقَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

• چرا چون یک انسان زندگی می‌کند؟

وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلِ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷-)

المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

• چرا به رسول، معجزاتی چون پیامبر قبل داده نشد؟

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتَىٰ مِثْلَ مَا أَوْتَىٰ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أَوْتَىٰ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ

قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرٍ نَّالِي (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• چرا رسول کنج و باغی ندارد؟

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْمُورًا (۸- المؤمنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

• سحر بودن آیات الهی، روشن و آشکار است:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِمْرُ مَبِينٌ (۱۳- النمل)

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.

• نمی‌فهمند و نمی‌شنوند:

وَ مِثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صَمٌّ بُعِثَ عَنْهُ فَهُمْ لَا يَحْقِلُونَ (۱۷۱-)

(البقره)

و مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز (معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی‌کنند.

• **حقیقت آنرا درک نمی‌کنند:**

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِبُّوا بِعِلْمِهِمْ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ (۳۹- التوبه)

بلکه انکار چیزی را می‌کنند که علمشان به آن احاطه نیافته و حقیقت و باطن آن هنوز به آنان نرسیده است، پیشینیان هم این چنین رسل و آیات خدا را تکذیب کردند، پس بنگر عاقبت کار ستمکاران عالم به کجا کشید!

• **پابست خیالات خام و یهوده خویش:**

وَ مِنْهُمْ أُمَّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٌّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۷۸- البقره)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا

كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹- البقره)

و بعضی عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و

بیهوده خویشند.

پس وای بر آن کسانی که از پیش خود کتاب را نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند، پس وای

بر آنها از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست آرند.

• **درولهایشان مرض است:**

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِيسًا إِلَى رِيسِهِمْ وَ مَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ (۱۲۵-التوبه)

و اما آنان که دلهاشان به مرض (شک و نفاق) مبتلاست هم بر خبث ذاتی آنها خبثاتی افزود تا به حال کفر جان دادند.

• منتظرند خداوند با ملائکه، در پرده های ابر، بر آنان در آید:

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قَضَى الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰-البقره)

البقره)

آیا کافران جز این انتظار دارند که خدا با ملائکه در پرده های ابر بر آنها در آید و حکم (قهر خدا به کیفر کافران) فرا رسد؟ و کارها همه به سوی خدا باز گردد.

• از آسمان کتابی بر ما فرود آور:

• خدا را به چشم ما آشکار نما:

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً

فَأَفْذَتْهُمْ الصِّعْقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّفَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ آتَيْنَا مُوسَىٰ

سُلْطَنًا مُّبِينًا (۱۵۳-النسا)

(ای پیغمبر) اهل کتاب از تو درخواست کنند که از آسمان کتابی (یکجا) برای آنان فرود آوری، همانا از موسی نیز

درخواستی بالاتر از این کردند و گفتند: خدا را به چشم ما آشکار بنما، پس به سبب این جهل و سرکشی صاعقه سوزان آنها را

درگرفت، و پس از آن همه آیات روشن، باز گوساله پرستی اختیار کردند، باز ما از این کار (زشت آنان) درگذشتیم و به موسی

حجتی آشکار بخشیدیم.

• چرا بر او آیتی آشکار از جانب خدا نیامد؟

و يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِّنَ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِينَ (٢٠- التوبه)

و گویند: چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدایش نیامد (که قهرا مردم مطیع شوند)؟ پاسخ ده که دانای غیب خداست و بس، اینک شما منتظر (عذاب خدا) باشید من هم با شما منتظر (نصرت او) می‌باشم.

• شکستن عهد و پیمان الهی:

أَوْ كَلِمًا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (١٠٠- البقره)

برای چه هر عهد و پیمان که بستند گروهی آن را می‌شکنند؟ (نه اینان) بلکه اکثر آنها اصلاً ایمان نخواهند آورد.

• احتجاج به باطل:

فَإِنْ مَا جُئْتَهُمْ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُكُمْ فَإِنْ

أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَاللَّهُ بِبَصِيرٍ بِالْعِبَادِ (٢٠- آل عمران)

پس اگر با تو (برای مخالفت با دین حق، به باطل) احتجاج کنند، بگو: من و پیروانم خود را تسلیم امر خدا نموده‌ایم. و بگو با اهل کتاب و با امیان: آیا شما هم (چون حق پدیدار شود) تسلیم حق شده و ایمان آرید؟ و چنانچه ایمان آرند هدایت یافته‌اند و اگر (از حق) روی گردانند بر تو چیزی جز تبلیغ (دین خدا) نیست و خداوند به حال بندگان بیناست.

• اورا سفیه و دروغ‌گویی دانند:

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاتُ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَنظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِينَ (٦٦- الاعراف)

مehrtان قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی‌خرد می‌یابیم و گمان می‌کنیم که تو سخت از دروغ‌گویان باشی.

• حق را باس باطل پوشانند و آنرا کتمان کنند:

يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران - ۷۱)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می‌دارید در صورتی که (به حقیقت آن) آگاهید؟!

• از دعوت حق جز صدایی نشنود:

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صَمٌّ بُعْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَهْتَفُونَ (البقره - ۱۷۱)

(البقره)

و مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز (معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی‌کنند.

• انکار سنت تاریخ است:

فَإِنْ كَذَّبْتُمْ فَقَدْ كُذِّبْتُمْ فَسَلُّوا مِنْ قَبْلِكُمْ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الرَّبِّرِ وَ الْكِتَابِ الْمُنِيرِ (آل عمران - ۱۸۴)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

• ما فقط بر تورات ایمان آوریم و به غیر آن، کافر شویم:

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقُّ مُصَدَّقًا لِمَا

مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راست‌گویید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

• این رسول را جنون عارض شده:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْمَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْمَقِّ كَرِهُونَ (۷۰- المؤمنون)

یا آنکه می‌گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می‌کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند

• حق را تابع هوای خود خواهند:

وَ لَوْ أَتَبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ

مُعْرِضُونَ (۷۱- المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند

• از این وعده بسیار به ما و به پدرانمان داده شد:

لَقَدْ وَعَدْنَا نَمُنْ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳- المؤمنون)

از این وعده‌ها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

• این سخنان، دروغ از خود بافته‌ای می‌باش نیست:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاتُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آفَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (۱۴-)

(المؤمنون)

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حیش می‌شمرد) جز آنکه به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز (در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بچیز دیگری نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و نسبتی نا حق (در حق پیغمبر خدا) است.

• کلام او، جز افسانه‌های گذشته‌ها نیست:

وَ قَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

• اکثرشان حرفی نمی‌شنوند و فکر نمی‌کنند:

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَحْفَلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۱۴- المؤمنون)

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی نمی‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهار پایانند بلکه (نادان‌تر و) گمراه‌ترند.

• این سحر آشکار است:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (النمل-۱۳)

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.

• آرا از پدران خود شنیده ایم:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَىٰ (النمل-۳۶)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده ایم.

• شما مردم را به باطل و اوها می خوانید:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَ لَئِنْ جِئْتَهُمْ بِبَيِّنَاتٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا

مُتَّبِعُونَ (النمل-۵۸)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوها می خوانید.

• ما تنها از طریق پدران خود پیروی می کنیم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیاوید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

• قران وحی الهی نیست:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ بَلْ هُوَ الْمَقْصُودُ مِنَ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاكَ مِنْ نَذِيرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳-

لقمان)

بلکه کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی‌مدد وحی خدا) فرابافته. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

• سخنانش غیر قابل باور است:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُبَيِّنُ لَكُمْ إِذَا مَرَّكُمْ كُلٌّ مِّنْكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷- سبا)

و کافران (به تمسخر و استهزاء مؤمنان، با مردم) گفتند که آیا می‌خواهید شما را به مردی رهبری کنیم که شما را خبر می‌دهد که پس از آنکه مریدید و ذرات جسمتان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد.

• اومی خواهیم مارا از دین پدرانمان باز دارد:

وَ إِذَا تُلِي عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا
إِفْكٌ مُفْتَرَى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْمَقَلِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (سبا) - (۴۳)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حقّ بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

وَ مَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ كِتَابٍ يَدْرُسُونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ (سبا) - (۴۴)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر ردّ تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

• پیش از این نیز، به حق کافر بودند:

وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقَذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (سبا) - (۵۳)

در صورتی که آنها پیش از این به حق کافر بودند و از جایی دور (از مقام علم و یقین) نسبت ناروا (ی جنون و سحر و کذب به رسول حق) می‌دادند.

• پیامبران پیشین را نیز تکذیب می‌کردند:

وَ إِنْ يُكذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ أُسْلُ مِّنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (فاطر) - (۴)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیامبران پیش از تو را نیز (امتهایشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

• خود را منتظران هدایت الهی خوانند، اما در زمان انداز بر مخالفت و نفرتشان افزوده شود:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جِهْدَ آيْمَنِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِهْدَىٰ الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشركان عرب) محكمترين قسم به نام خدا ياد مي‌کردند كه اگر بيم كننده‌اي از جانب خدا براي (هدايت) آنها بيايد از هر يك از امم (يهود و نصاري زودتر و) بهتر هدايت يابند. و آن گاه كه بيم كننده‌اي آمد بر آنها چيزي جز مخالفت و نفرت نيفزود.

• مستكبران ارضد و مكر اندیشان در اعمال بد:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرَ السَّيِّئُ إِلَّا بِالْأَهْلِ فَلَهُ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• شما مثل ما تنها یک بشر معمولی هستید:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَ مَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده

است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• وجود شما را به فال بد گرفتیم:

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَكِن لَّمْ تَنْتَهُوا لِنَرْجُمَنَّكُمْ وَ كَيْمَسْنَكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• به خاطر شاعر دیوانه ای دست از خدایان خود برداریم؟

وَ يَقُولُونَ أَأَنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶- الصافات)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• آیا میان ما فقط بر او کلام الهی نازل شد؟

أَنزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ (۸- ص)

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند)

• به دنبال بهانه اند:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَأَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• برای تعدی و ظلم در آن اختلاف کنند:

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سِبْقَتِ مَنْ رَبَّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شك و ریب بماندند.

• اهل ثروت و مال خوانان پیروی از عتیده پدران خویش:

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ ۚ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ (۲۳- الزمر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتَكُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزفر ۲۴-)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید) آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• سحر است و به آن ایمان نداریم:

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (الزفر ۳۰-)

و چون حق به سوی آنها آمد گفتند: این (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم.

• چرا قرآن بر بزرگان قوم نازل نشد؟

وَقَالُوا لَوْ لَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ (الزفر ۳۱-)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

• در گمراهی آشکارند:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمْعَ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَ مَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الزفر ۴۰-)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• چرا طوق زرین ندارد و فرشتگان آسمان به همراه او نیامده‌اند؟

فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (الزفر ۵۳-)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

• دیوانه‌ای است که به او آموخته‌اند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (۱۴- الدفان)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

• بر استکبار اصرار می‌ورزند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشْرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الجاثیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• برای به سخره گرفتن آنرا می‌خوانند:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الجاثیه)

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• این کلام، سحر آشکار است:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الاحقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• او شاعری ماهر است:

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَّبَعُ بِهِ رَيْبُ الْمَثُونِ (۳۰- الطور)

بلکه (کافران نادان) گویند: (محمد) شاعری است ماهر و ما حادثه مرگ او را انتظار داریم.

• خیالات باطلشان بر این وامیدارد:

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِهِدَاً أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲- الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وامی‌دارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و نافرمانند؟

• پیشی گرفتن مردمان عادی، در ایمان بر وی:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ. وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامتقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت‌پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• دعوی رسالت از سوی شخصی چون خود ما، چیز عجیبی است:

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲- ق)

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار

(نادان) گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است

• مضطرب و سرگردان مانند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيعٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و

سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• در اختلاف سخن باز مانند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَفَلِّحٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش

خواندید).

• شایسته فهم آن نبوند:

يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَنَ أُولَئِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• سرکشی به غرور ملک و قدرت:

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• رسولی نیاید جز آنکه او را ساحر و دیوانه خوانند:

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او

ساحر یا دیوانه است.

• آیا بین ما افراد بشر تنها به او وحی رسید؟

أَلَمْ نَقُلِ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی اس

• بشارت رسول الهی را در مورد ظهور بعدناده می‌گیرند:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا

بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقایق کتاب تورات که

مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد

است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است

• پیروان ادیان قبل، می‌پندارند تنها آنان دوستدار حقیقی خداوند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن رَّعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٦) -

(الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر بپندارید که شما به حقیقت دوستداران خدايید نه مردم ديگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست

می‌گویید.

• آیا بشری می‌تواند ما را هدایت کند؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ

هَمِيدٌ (٦- التَّضَابِن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جميع صفات است.

• این سخنان، قصه‌های گذشته‌هاست:

إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولِينَ (١٥- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• این، سخنان یک شاعر است:

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ (١٢١- الماقه)

و آن نه سخن شاعری (و گفتار خیالی و موهومی) است (گر چه) اندکی از شما مردم به آن ایمان می‌آورید.

• این، کفتار کاهن است:

وَ لَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۴۲- الماقه)

و نه حرف کاهن غیبگوست (گر چه) اندکی از شما مردم متذکر حقایق آن می‌شوید

• این سخنان، جز بیان سحرانگیز چیزی نیست:

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱- المدثر)

پس باز اندیشه کرد.

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (۲۲- المدثر)

و (به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم کشید.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳- المدثر)

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سَمْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴- المدثر)

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

• این آیات، گفتار بشری است:

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵- المدثر)

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

سَأُصَلِّيهِ سِقَرًا (۲۶- المدثر)

من این (منکر و مکتب قرآن) را به آتش دوزخ در افکنم.

• با اهل باطل، معاشرند:

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرًا (۴۲- المدثر)

که شما را چه عمل به عذاب دوزخ در افکند؟

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳- المدثر)

آنان جواب دهند که ما از نمازگزاران نبودیم

وَ كُنَّا نَفُوسَ مَعَ الْفَاطِنِينَ (۴۵- المدثر)

و ما با اهل باطل به بطالت می‌پرداختیم.

• بر قلوبشان آنچه کسب کرده اند، حکم می‌راند:

كَلَّا بَلْ أُنزِلَتْ عَلَيْكُمْ آيَاتُ الْكِتَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۴- المطففين)

چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بد کاریهایشان بر دل‌های تیره آنها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می‌کنند).

• مؤمنان را گمراه شمرند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (المطففين) ۲۹-

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (المطففين) ۳۰-

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریست

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (المطففين) ۳۱-

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح

می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (المطففين) ۳۲-

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

۴) منکرین در باره رسول حق و کلام الهی چه میگویند؟

• ما تو را مانند خود، بشری بیشتر نمی دانیم:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَزَّلَتْ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَزَّلَتْ آتَيْكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادْنَا بِآدِي الرَّأْيِ وَ مَا نَزَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِ بَلْ نَنْظُنُّكُمْ كَذِبِينَ (هود - ۲۷)

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تواند اشخاصی پست و بی قدر بیش نیستند و ما هیچ گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی بینیم، بلکه شما را دروغگو می پنداریم.

• برای ما دلیلی نیاموردی و ما هرگز از خدایان خود به خاطر تو، دست نمی کشیم:

قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَ مَا نَمْنُ بِتَارِكِي ءَالِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَ مَا نَمْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (هود - ۵۳)

قوم هود وی را پاسخ دادند که ای هود، تو برای ما دلیلی (روشن بر دعوی رسالت خود) نیاموردی و ما هرگز از خدایان خود به مجرد حرف تو دست نمی کشیم و ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.

• وی را دیوانه خوانند:

وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶- المجر)

و کافران گفتند: ای کسی که (مدعی آنی که) قرآن از جانب خدا بر تو نازل شده تو (به عقیده ما) محققاً دیوانه ای.

فَقَوْلِي بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِيرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملك و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

• آیات الهی را افسانه‌های پیشینیان شمرد:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (النمل-۲۱۴)

و هرگاه به این مردم (مستکبر) گفته شود که خدایتان چه فرستاده؟ گویند: این آیات همه افسانه‌های پیشینیان است.

• اگر آیتی نسخ شود آیتی دیگر آورده شود آنرا افترا شمارند:

وَ إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنْزَلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (النمل-۱۰۱)

و ما هرگاه آیتی را (از راه مصلحت) نسخ کرده و به جای آن آیتی دیگر آوریم-در صورتی که خدا بهتر داند تا چه چیز (به صلاح خلق) نازل کند- (کافران اعتراض بر نسخ آیه کرده و) می‌گویند تو (بر خدا) همیشه افترا می‌بندی. (چنین نیست) بلکه اکثر اینها نمی‌دانند (که این نزول آسمانی است).

• گویند کسی که مطالب قرآن را به رسول می‌آموزد بشری بیش نیست:

وَ لَقَدْ نَعَلَهُمْ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْمِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (النمل-۱۰۳)

(النمل)

و ما کاملاً آگاهیم که کافران (معاند) می‌گویند: آن کس که مطالب این قرآن را به رسول می‌آموزد بشری است، (مقصودشان بلعام ترسا یا عایش یا یعیش یا غلام رومی یا سلمان فارسی بود) در صورتی که زبان آن کس که این قرآن را به او نسبت می‌دهند اعجمی (غیر فصیح) است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است.

• سخنان این مرد را، از پدران خود بیچ نشنیده ایم:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَكْفِضَ عَلَيْكُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴- المؤمنون)

اشراف قوم او که کافر شدند (به مردم) گفتند که این شخص جز آنکه بشری است مانند شما که می‌خواهد بر شما برتری یابد فضیلت دیگری ندارد و اگر خدا می‌خواست (رسول بر بشر بفرستد) همانا از جنس فرشتگان می‌فرستاد، ما این سخنانی که این شخص می‌گوید در میان پدران پیشین خود هیچ نشنیده‌ایم.

• این کلام از شیطان است:

وَ مَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ (۲۱۰- الشعرا)

و این قرآن را شیاطین فرود نیاوردند (بلکه جبرئیل امین، فرشته خدا نازل ساخته).

• کلام وی، سحر آشکار است:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳- النمل)

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.

• خود را برای کستن آیاتی چون کلام وی، توانا می‌دانند:

وَ إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱- الانفال)

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود گویند: شنیدیم، اگر ما هم می‌خواستیم مانند آن می‌گفتیم، این چیزی جز افسانه پیشینیان

نیست.

• در گفته‌های خود با دیگران، آنرا تحقیر و تزییف کنند:

وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ

يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۴-التوبه)

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام يك از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

• گویند رسول را، جنون عارض شده است:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْمَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْمَقِّ كَرِهُونَ (۷۰- المؤمنون)

یا آنکه می‌گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می‌کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند

• چرا حق تابع هوای مانیست؟

وَ لَوْ اتَّبَعَ الْمَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ

مُعْرِضُونَ (۷۱- المؤمنون)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

• کونداين وعده بسیار به ما و پدران ما داده شده است:

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأُولُونَ (۸۱- المؤمنون)

بلکه این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند.

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ (۸۳- المؤمنون)

از این وعدهها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

• آنچه رسول، کلام الهی اش میخواند به دروغ از خود فرافتنده در حالیکه دیگران نیز به او کمک کرده اند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْتَاءُ افْتِرَاتٍ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ (۱۴- المؤمنون)

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حبش می‌شمرد) جز آنکه به دروغ از خود فرافتنده و دیگران (از اهل کتاب) نیز

(در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بجز دیگری نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و

نسبتی نا حق (در حق پیغمبر خدا) است.

• این کتاب، قصه‌های گذشته‌ها است که نسخه برداری شده و صبح و شب بر او املای کنند:

وَ قَالُوا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَمِيلًا (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و

شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳- الامقاف)

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ءآيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• چرا حوینان انسانی زندگی می‌کند؟

وَقَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمَشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مِثْلَ مَا نَزَّلَ عَلَىٰ مَوْسَىٰ وَهَارُونَ (۷- المؤمنون)

(المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

• چرا کنت ظاهری ندارد؟

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْمُورًا (۸- المؤمنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

• با تمسخر گویند این است آن کسی که خدا به رسالت فرستاده است؟

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِِنْ يَتَفَدُّونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴- المؤمنون)

این کافران هرگاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده (و گویند) آیا این مرد همان است که

خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟

• این گفتار و دعوی را از پدرانمان نشنیده ایم:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيَّنَّتْ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶-)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج

نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده ایم.

• چرا به رسول معجزاتی چون دیگر پیامبران داده نشد؟

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُومُ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ

قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا وَ قَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ نُونَ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید

بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن

و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده ایم؟

• شما خلق را به او الام می‌خوانید:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَ لَئِنْ مِثَّتْهُمْ بَنَائِيَةً لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا

مُتَّبِلُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• رسول، این کلام را بی مدد و وحی الهی از خود فریاد می‌کنی:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ ۚ بَلْ هُوَ الْوَعْدُ الَّذِي لَتُنذِرُنَّ قَوْمًا مَّا آتَاكُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳- لقمان)

(لقمان)

بلکه کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی‌مدد و وحی خدا) فریاد می‌کند. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

• آیامی خواهید شمارا به مردی رهبری کنیم که میگوید پس از مرگ از نوزده خواهید شد؟

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ جَلٍّ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي فَلَاقٍ جَدِيدٍ (۷- سبا)

و کافران (به تمسخر و استهزاء مؤمنان، با مردم) گفتند که آیا می‌خواهید شما را به مردی رهبری کنیم که شما را خبر می‌دهد که پس از آنکه مرید و ذرات جسمتان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد.

• اومی خواهید شمارا از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند، بازگرداند:

وَ إِذَا تُلِي عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَمْدُكَمَ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا
إِفْكٌ مُفْتَرَى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِمَقَّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبأ)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• شما چون ما، بشری بیش نیستید و مقام دیگری ندارید:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَ مَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• وجود شما را به فال بد گرفته‌ایم، لذا از ما به شما عذاب الیم خواهد رسید:

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنْزِمَتَكُمْ وَ لَيَمَسَنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• به خاطر شاعری مجنون دست از خدایان خود برداریم؟

وَ يَقُولُونَ أَ نُنَّا لَنَارِكُوا ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ (۳۶- الصافات)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• چرا میان همه ما کلام الهی بر او فرود آمد و نه بزرگان قوم؟

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸- ص)

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند).

وَ قَالُوا لَهُ لَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبِينَ عَظِيمٍ (۳۱- الزمر)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

• به نشاء الهی آن، ایمان ندارند:

بَلْ مَتَّعْتَهُمْ هَؤُلَاءِ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْمَقُودُ وَ رَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹- الزمر)

(و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهره‌مند کردم تا آنکه دین حق و رسول مبین بر آنها آمد.

وَ لَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُودُ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (۳۰- الزمر)

و چون حق به سوی آنها آمد گفتند: این (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم.

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳- الطور)

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرا گرفته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتٌ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْخَفِيُّ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا گرفته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• آیات را مصحح کنند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِنَايَتِنَا إِذَا هُمْ مِّنْهَا يَضْمَكُونَ (۴۷- الزمزم)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

• چرا رسول الهی جایگاه و منزلت ویژه‌ای ندارد و فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند:

فَلَوْ لَا أَلْقَىٰ عَلَيْهِ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳- الزمزم)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه

او نیامده‌اند.

• رسول را دیوانه‌ای خوانند که به او آموخته‌اند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُجْنُونٌ (۱۴- الدفان)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

• کلام الهی را سحر آشکار شمرند:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِمَ جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

• چرا مردم در ایمان به رسول از ما پیشی گرفته‌اند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَهُ كَانَ فَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت‌پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• آیا سزاوار است که از بشری چون خود پیروی کنیم؟

فَقَالُوا أَمْ بَشَرًا مِّثْلًا وَ مِمَّا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعْرٌ (۲۴- القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده‌ایم.

• چگونه بین ما، نقطه‌به‌او وحی رسیده است؟

أَلَمْ نَقِ الدَّخْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

• حتی اگر بشارت الهی را در مورد ظهور بعد به چشم بینید، باز آنرا سحر مبین شمرند:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا
بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• کلام الهی را گفتار بشری خوانند:

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱- المدثر)

پس باز اندیشه کرد.

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَّ (۲۲- المدثر)

و (به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم کشید.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳- المدثر)

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴- المدثر)

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵-المدثر)

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

سَأَصْلِيهِ سَقَرًا (۲۶-المدثر)

من این (منکر و مکذب قرآن) را به آتش دوزخ در افکنم.

• بر مؤمنین به چشم طعن و استهزاء نگرند و آنان را کمر آهانی شمرند که موجب تفریح و سرگرمی ایشان می شوند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹-المطففين)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰-المطففين)

و چون به آنها می گذشتند به چشم طعن و استهزا می نگریدند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱-المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می گذشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح

می کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲-المطففين)

و چون مؤمنان را می دیدند می گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

(۵) منکرین چگونه از پیامبر الهی خشنود خواهند شد؟

• اگر حق تابع هوای نفس آنان شده، پیروی از آئین آنان کند:

وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصْرَىٰ مَتَىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَنْ اتَّبِعْتُمْ أَهْوَاءَهُمْ
بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (البقره- ۱۲۰)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آئین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت.

وَ لَوْ اتَّبَعُوا الْمُتَّقِينَ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِمْ
مُعْرِضُونَ (المومنون- ۷۱)

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

• اگر نه چون یک انسان، بلکه چون یک فرشته زندگی کند:

وَ قَالُوا مَا لِي هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مَكَرًا فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷-)

(المومنون)



و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ مَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْمُورًا (۸- المومنون)

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.



۶) مواجهه با پیامبر الهی و انکار حق چه نتیجه ای برای آنان به بار می آورد؟

• کلمه حق به وقوع می پیوندد که: دوزخ را از جن و انس پر خواهیم ساخت:

إِلَّا مَنْ (هِم) رَبُّكَ وَ لَذَلِكَ فَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹- هود)

مگر آن کس که خدای تو بر او رحم آورد و برای همین آفریدشان، و کلمه (قهر) خدای تو به حتم و لزوم پیوست که فرموده دوزخ را از کافران جن و انس پر خواهیم ساخت.

• کلمه کفر چون شجره خیمه، هیچ ثبات و قراری ندارد:

وَ مِثْلُ كَلِمَةٍ فَبِيئَةٍ كَشَجَرَةٍ فَبِيئَةٍ اِبْتُلَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶- ابراهیم)

و مثل کلمه کفر (و روح پلید) مانند درخت پلیدی است که ریشه اش به قلب زمین نرود بلکه بالای زمین افتد و (زود خشک شود و) هیچ ثبات و بقایی ندارد.

• آنان را به خود و گذارتان غفلت، به خور و خواب و تمتع مادی مشغول شوند:

ذَهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُهُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳- المجر)

(ای رسول ما) این کافران (لجوج) را و گذارتان تا به خورد و خواب طبیعت و لذات حیوانی سرگرم باشند و آمل و اوهام دنیوی آنان را غافل گرداند، پس (نتیجه این کامرانی بیهوده را) به زودی خواهند یافت.

• نومییدی از لطف الهی:

قَالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ قُدْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶- المجر)

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

• تمامی بار سنگین گناه خود، و بخشی از بار گناه کسانی که از جهل در روز قیامت گمراهشان کردند، بردوش گیرند:

لِيَمْلِكُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِينُونَ (۲۵- النمل)

تا آنکه آنان (در نتیجه انکار روز قیامت) بار سنگین گناه خود را کاملاً با برخی از بار گناه کسانی که از جهل گمراهشان کردند به دوش نهند، (عاقلان) آگاه باشند که آن بار وزر و گناه بسیار بد عاقبت است.

• خداوند بنای کفر را در هر زمان از پایه ویران کند، و عذاب الهی از جایی که نمی‌فهمند، بر آنها فرا رسد:

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ آتَاهُمُ الْعَذَابُ

مِنْ مَيْتٍ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶- النمل)

آن کافرانی که پیش از اینان بودند نیز (مانند اینها) مکرها (برای پامال کردن حق) اندیشیدند لیکن خدا بنای آنها را از پایه ویران کرد و سقف بر سرشان فرو ریخت و عذاب خدا از جایی که نمی‌فهمیدند آنها را فرا رسید.

• پرده بردلهايشان نهاده شود و دیگر هرگز هدایت نیابند:

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِبَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَ نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ

وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷- الكهف)

و کیست ستمکارتر از آن کسی که متذکر آیات خدایش ساختند و بدانها پندش دادند و باز از آنها اعراض کرد و از اعمال زشتی که کرده بود به کلی فراموش کرد و ما (پس از اتمام حجت) بر دلهايشان پرده‌ها (ی جهل و قساوت) انداختیم تا دیگر



آیات ما را فهم نکنند، و گوش آنها را (از شنیدن سخن حق) سنگین ساختیم و اگر به هدایتشان بخوانی دیگر ابدا هدایت نخواهند یافت.

انظر كيف ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلاً (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلاً برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

فإن لم يستمبئوا لك فاعلم أنم يتبعون أهواءهم و من أضل ممّن اتبع هواته بغیر هدی من الله إن

الله لا يهدى القوم الظالمين (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟! البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• خداوند به آنان مهلت دهد تا وعده عذاب را به چشم خود ببینند:

قل من كان في الضلالة فليمدد له الرّامن مداً متى إذا رأوا ما يوعدون إمّا العذاب و إمّا الساعة

فسيعلمون من هو شرّ مكاناً و أضعف جُنداً (۷۵- مريم)

بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت خدای مهربان به او مهلت می‌دهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم خود ببینند که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت قیامت وی را فرا رسد، پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر) کدام يك روزگارش بدتر و سپاهش ضعیفتر است!

• در وقت مرگ، از خدا خواهند که به دنیا بازگردند:

مَتَىٰ إِذَا جَاءَ أَمَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹- المومنون)

(کافران در جهل و غفلتند) تا آن گاه که وقت مرگ هر يك از آنها فرا رسد، در آن حال گوید: بارالها، مرا به دنیا

بازگردانید.

• آیا تو حافظ و نگهبان آن کس که هوای نفس را خدای خود ساخته، توانی شد؟

أَيُّدِي مَنِ اتَّمَدَ إِلَيْهِ هَوَاتُ أَمْ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۱۴۳- المومنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی

شد؟

• بنگرید که عاقبت کار آنان به کجا انجامد؟

وَ جَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس

بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْنٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (۲۰۸- الشعرا)

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم

• به خشم و قهر خدا گرفتار شوند:



وَ إِذْ قُلْتُمْ يَمْوَسِي لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامِهِ وَ مِدِّ فَادَعُ لَنَا رَبِّكَ يَفْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ هَتَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصِلِهَا قَالَ أ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ فَبِئْسَ مَا سَأَلْتُمْ وَ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاءُ وَ بَغَضِبِ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْمَقْتَلِ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (٦١- البقره)

و (به یاد آرید) وقتی که به موسی اعتراض کردید که ما بر يك نوع طعام صبر نخواهیم کرد، از خدای خود بخواه تا برای ما از زمین نباتاتی برآورد مانند سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز. موسی گفت: آیا می‌خواهید غذای بهتری را که دارید به پست‌تر از آن تبدیل کنید؟ (حال که تقاضای شما این است) به شهر مصر فرود آید که در آنجا آنچه درخواست کردید مهیاست. و بر آن‌ها ذلت و خواری مقدر گردید، و چون دست از ستمکاری و عصیان برداشته و به آیات خدا کافر می‌گشتند و انبیا را به ناحق کشتند دیگر بار به خشم و قهر خدا گرفتار شدند.

• در حق خویش ستم می‌کنند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (١٤٤- التوبه)

خدا هرگز به مردم ستم نمی‌کند ولی مردم خود در حق خویش ستم می‌کنند.

• تابع پدران خود خواهند ماند؛ گرچه به حق و راستی راه نیافته باشند:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أ وَ لَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ

لَا يَهْتَدُونَ (١٧٠- البقره)

و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم

بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی‌عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

• خود را به زیان اندازند:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ فَسَّرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰- الانعام)

آنان که ما کتاب به آنها فرستادیم، او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) به مانند فرزندان خود می‌شناسند. آنان که خود را به زیان انداختند (به او) ایمان نمی‌آورند.

• در دوزخ جاوید خواهند بود:

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا فَلَدُونَ (۳۶- الاعراف)

و آنان که آیات ما را تکذیب کرده و از سرکشی و تکبر سر بر آن فرود نیاوردند آنها اهل دوزخند و در آن جاوید (معذب) خواهند بود.

• علشان تباہ شود در آخرت از زیانکاران باشند:

الْيَوْمَ أَمِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِثْلُ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ مِثْلُ لَهُمْ وَ الْمُؤْمِنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُؤْمِنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِثْلُ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مَحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِهِينَ وَ لَا مُتَّفِئِينَ أَعْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآفِرَةِ مِنَ الْفَاسِقِينَ (۵- المائدة)

امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلال است. و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنان را بدهید و پاکدامن باشید نه زناکار و رقیق‌باز. و هر کس به ایمان (دین اسلام) کافر شود عمل او تباہ شده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

• سرکشی از فرمان خدا، در طول تاریخ:

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أُمَّةٍ مِّنْهُمْ وَ نَمُنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴- آل عمران)

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده‌ایم) فرقی میان هیچ یک از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

• آیندید پیش از ایشان چه کسانی هلاک شدند؟ حال آنکه در زمین به آنها قدرت و تکیه دادیم:

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّثْتُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَكُم نُمُوتَ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَ بَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخِرِينَ (۶- الانعام)

آیا ندیدند پیش از ایشان چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم و حال آنکه در زمین به آنها قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده‌ایم؟ و از آسمان بر آنها باران (رحمت ظاهر و رحمت باطن که کتاب آسمانی است) پیوسته فرستادیم و نهرها در زمین جاری ساختیم، پس چون نافرمانی کردند آن‌ها را هلاک نمودیم و گروهی دیگر بعد از آنها پدید آوردیم.

• بنگرید که عاقبت سخت آنان چگونه بود:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظروا كيف كان عاقبة المَكْذِبِينَ (۱۱- الانعام)

بگو (ای پیغمبر) که در روی زمین بگردید آن گاه بنگرید که عاقبت سخت آنها که تکذیب کردند چگونه بود!

• از راه راست دور افتد:

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا مَسْنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْفِلَنَّكُمْ مِنَّا تَجْرِي مِن تَمَّتْهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَبِيلَ (السَّبِيلِ) (۱۲- المائدة)

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما بیامرزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

• دست آنان بسته شود:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لِيُزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ طَغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَلِمًا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْمَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يَمِبُ الْمُفْسِدِينَ (۶۴- المائدة)

و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• اگر به دستورات الهی در هر زمان عمل نکنند ارزشی ندارند:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاتَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلِ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أَنْزَلِ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طَعْنًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۶۸- المائدة)

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

• هدایت نیابند:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَخْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۶۷- المائدة)

ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد.

• هرگز به رستگاری نخواهند رسید:

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱- الانعام)

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات او را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را رستگاری نخواهد

بود.

• بسیار زیان کرده اند و هرگز راه نیافته اند:

و يَوْمَ يَمْشِرُهُمْ كَآنَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَخَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ فَسَّرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا

مُهْتَدِينَ (۴۵- التوبه)

و روزی که همه خلائق را جمع آرد گویا (در دنیا) ساعتی از روز بیش درنگ نکرده‌اند، (در آن روز) یکدیگر را کاملاً می‌شناسند، آنان که لقای خدا را انکار کردند بسیار زیان کرده‌اند و هرگز راه نیافته‌اند.

• دیگر از سوی خداوند یار و یاور نمی‌خواهند داشت:

و لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصْرَىٰ مَتَىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَ لَنْ اتَّبَعْتُمْ أَهْوَاءَهُمْ
بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (۱۲۰- البقره)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یآوری نخواهی داشت.

• چنان‌که راه شوند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی ندارند:

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المومنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

• بنگر که عاقبت کار آنان به کجا انجامید:

وَ جَمَعُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• خداوند قوم ظالمین را هدایت نخواهد کرد:

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَمِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتٍ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراهتر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• آنان را توانی از ضلالت به راه هدایت آوری:

وَ مَا أَنْتَ بِهَدِي الْعَمَىٰ عَنِ ضَلَّتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• به عذابی باخواری و ذلت گرفتاری شوند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ المَدِينِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۶- لقمان)



و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

• برآنان عذاب و زجر الیم خواهد بود:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا وَلِيٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِيْ أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِيْ ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ مِّزِ أَلِيمٍ (۵- سبا)

و آنان که (از کفر و عناد) در (محو و نابود ساختن) آیات ما سعی و کوشش کردند تا مگر (رسول ما را) ناتوان کنند (و از قهر و قدرت ما بیاسایند) بر آنها عذاب سخت دردناک خواهد بود.

يَسْمَعُ ءَايَاتِ اللّٰهِ تُلِّيٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن‌کس که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار یابد و بی‌کفایتی چنان‌که گویی هیچ آیاتی برای نشنیدن به ابله‌تی آورد؟ چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ ءَايَاتِنَا شَيْئًا اتَّفَعَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

• بر مخالفت و نفریشان افزوده شود:

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنَبَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ أُمَّةٍ الْأَمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا رَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• چون امم گذشته هلاک شوند، زیرا سنت الهی تغییر نخواهد پذیرفت:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبتل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• وای بر حال این بندگان:

يَمَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجاج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

• وعده عذاب، بر آنان حتم و لازم کرد:

لِيُنذِرَ مَن كَانَ مَيًّا وَ يَمِيقُ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زنده دل است (به آیتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب

حتم و لازم گردد

• عذاب الیم خواهند چشید:

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸- الصافات)

شما (که او را تکذیب کردید امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید.

• جزبه کردارشان، مجازات نمی شوند:

وَمَا تَجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹- الصافات)

و جز به کردارتان مجازات نمی شوید.

• هنوز عذاب حق را نخشیده اند:

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸- ص)

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه

این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده اند (که دست از کفر بر نمی دارند).

• عقوبت سخت بینند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْرَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْفِعُوا

بِهِ الْمَقَّ فَأَمْذَتْهُمْ فَكَيفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)



(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَاتِيهِمْ (سُلْهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَاَمَذَهُمُ اللّٰهُ اِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيْدٌ الْعِقَابِ (۲۲- غافر)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

• مکرو تدبیرشان جز در ضلالت به کار نیاید:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا اَبْنَاءَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مَعَهُ وَ اسْتَمِيْزُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا

فِي ضَلٰلٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• نهایتاً نیز به آرزوی دل نخواهند رسید:

اِنَّ الَّذِيْنَ يَجْدِلُوْنَ فِيْ ءَايٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰتَتْهُمْ اِنْ فِيْ صُدُوْرِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبٰلِغِيْهِ فَاَسْتَعِذْ بِاللّٰهِ

اِنَّهُ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ (۵۶- غافر)

انان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• زبان کارشوند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَمْنَا عَلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصِصْ عَلَيْكَ وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِبَيِّنَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸- فصلت)

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت) بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل زیانکار شوند.

• وعده عذابی که مسخره می کنند آنها را فرامی گیرد:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می کردند همه را فرا گرفت.

• قمر و عقاب الیم الهی:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۱۴۳- فصلت)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• موجب کوری و ضلالت برای آنهاست:



وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ۗ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ۗ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌ایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• آنان را هدایت توان نمود:

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّةَ ۗ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ ۗ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰- الزمر)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• آنان را به عذاب و بلا یا گرفتار کنیم:

وَمَا نُذِيبُهُمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۗ وَأَعَذَّنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۸- الزمر)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلا یا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• اگر به حال کفر بمرسند، دیگر هیچ گاه خداوند آنان را نخواهد بخشید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۖ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴- ممد)

آنان که کافر شدند و راه خدا را (به روی خلق) بستند و به حال کفر مردند دیگر ابد خدا آنها را نخواهد بخشید.

• کشته و نابود باد کسی که دروغ بنزد:

قَتَلَ الْفَرَّصُونَ (۱۰- الذاریات)

کشته باد و نابود آنان که دروغ بندند (و قرآن را سحر و فسانه برخوانند).

• مورد مؤاخذه قرار گیرید:

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَمَذْنَاهُمْ أَفْذًا عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (۴۲- القمر)

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مؤاخذه کردیم.

• به سوی فسق و بدکاری بستانند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶-

المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق

هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

• اگر چه آنان را خوش نیاید، دین الهی غلبه یابد:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْمَقْصِدِ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹- الصف)

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر

چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

• خدا ظالمین را رهبری نخواهد نمود:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَلُّوا التَّوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْمِمَارِ يَمْشِي الْأَسْفَارَا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵-الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد..

• عاقبت، مایه ندامت آنان است:

وَ إِنَّهُ لَمَسْرُةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰- الماقه)

و تکذیب عاقبت مایه ندامت کافران است.

• دیگر چگونه نجات یابند؟

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷- المزمّل)

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

لَسَّمَاءٌ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸- المزمّل)

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

• دیگر به کدامین حدیث ایمان آرند؟

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰-المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می آورند؟

• مصحح مؤمنان شوند:

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْمَكُونَ (۳۴-المطففين)

پس امروز هم اهل ایمان به کفار می خندند.

• هر چه توانند کید و مکر کنند:

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵-الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می کنند

• قسم به عصر که، دشمنان خواهند بود:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)



إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.



(۷) تعداد منکرین و کافران در زمان ظهور

• اکثر مردم ایمان نیاورده و کفر و عناد خواهند ورزید:

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳- هود)

و تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد (دل پاکت را زیاد رنجه مدار)

وَكَانَ مِنْ آيَاتِهِ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمْزُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵- یوسف)

وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ (۱۰۶- یوسف)

و (این مردم بی‌خرد) چه بسیار بر آیات و نشانه‌ها (ی قدرت حق) در آسمانها و زمین می‌گذرند و از آن روی می‌گردانند.

و اکثر خلق به خدا ایمان نمی‌آورند مگر آنکه مشرک باشند (و جز خدا امور دیگر را نیز مؤثر در انتظام عالم دانند)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹- الاسراء)

و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند) لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از

هر چیز امتناع کردند.

• اکثر مردم عهد و پیمان خود را می شکنند:

أَوْ كَلَّمَا عَهْدُوا عَهْدًا تَبَذَّهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۰- البقره)

برای چه هر عهد و پیمان که بستند گروهی آن را می شکنند؟ (نه اینان) بلکه اکثر آنها اصلاً ایمان نخواهند آورد.

• بسیاری از مردم بعد از ظهور پیامبران، به فساد و سرکشی ادامه می دهند:

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِخَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَمْيَاهَا فَكَأَنَّمَا آمَى النَّاسَ جَمِيعًا وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذُوا بَعْضُهُمْ أَعْْيُنَ بَعْضٍ لِّيَكْفُرُوا إِنَّهُمْ كَانُوا فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲- المائده)

بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.

• اکثر مردم، از حق روگردان و متفرند:

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰- المؤمنون)

یا آنکه می گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متفرند.

• اکثر مردم از آئین الهی آگاه نیستند:



فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِوَلَدِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (النمل- ۳۰)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

• برخی هدایت یافته بسیاری به فسق و بدکاری شباهند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶)

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقْرِعَاتِهَا فَأَتَيْنَا الَّذِينَ

ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المدید)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• تنها اندکی از مردم، ایمان می آورند:

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ (۴۱- الماقه)

و آن نه سخن شاعری (و گفتار خیالی و موهومی) است (گر چه) اندکی از شما مردم به آن ایمان می آورید.

• تنها اندکی از مردم، متذکر حقائق می شوند:

وَ لَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۴۲- الماقه)

و نه حرف کاهن غیبگوست (گر چه) اندکی از شما مردم متذکر حقایق آن می شوید.

۸) خطاب مؤمنین به کافران در کلام الهی

• کینه و انتقام شما، تنها به جرم ایمان ما به آیات الهی است:

وَمَا تَنْقِمُهُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِبَنَاتِكَ رَبَّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَوْفَرَ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶- الاعراف)

و کینه و انتقام تو از ما تنها به جرم آن است که ما به آیات خدا چون برای (هدایت) ما آمد ایمان آوردیم، بار خدایا، به ما صبر و شکیبایی ده و ما را به آیین اسلام (یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا) بمیران.

• آیا این نشانه روشن حقانیت قرآن نیست که علمای انبیاء قبل بر آن آگاهند؟

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ ءَايَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷- الشعراء)

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟

• اعمال ما از ما و اعمال شما از شما؛ ما مردم نادان را نمی طلبیم:

وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵- النمل)

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی طلبیم.

• فال بد با خود شماست که قومی مسرفید؛ نه اعتقاد ما به پیامبر:

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أَأَنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۱۹- فاطر)

رسولان گفتند: آن فال بد که می‌گویید اگر بفهمید و متذکر شوید (آن جهلی است که) با خود شماست، بلکه شما مردم مسرف (و پر هوا و هوس) هستید.

• پیش از این نیز همه اقوام، پیامبران الهی زمان خود را تکذیب کردند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ قَوْمُ عَادٍ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲- ص)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

• کدامیک از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ (۸۱- غافر)

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس کدام يك از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

• آنچه بر رسول الهی وحی شود، همان است که بر تمامی پیامبران الهی نازل شده:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۱۴۳- فصلت)



(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• اگر این کلام خدا باشد، آیا همراه ترا شما کسی هست؟

قُلْ أَعْيَبْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۲- فصلت)

(کافران را) بگو: چه می‌پندارید اگر (قرآن) از جانب خدا باشد و شما به آن کافر شده باشید آیا گمراخته‌تر از آن کس که (مانند شما) به کفر و شقاق دور (از راه سعادت) است در جهان کسی تواند بود؟

• ما ایمان آوردن‌گان به کلام خدایم؛ عمل ما بر ما و عمل شما بر شما؛ خدا بین ما و شما حکم می‌کند:

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَ لَكُمْ أَعْمَلْتُمْ لَا مُجْبَأَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵-)

(الشوری)

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

• آیا چون شما بر خود تم می‌کنید، از مذکر ساختن شما صرف نظر کنیم؟

أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْمًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (۵- الزمرف)

آیا ما از متذکر ساختن شما (به قرآن) چون (به انکار آن) بر خویش ستم می‌کنید صرف نظر کنیم؟

• این پیامبر اولین پیامبر نیست و جز از آنچه وحی الهی است، پیروی نمی‌کند:

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِّنَ الرَّسْلِ وَ مَا أَدْرِى مَا يُفْعَلُ بِي وَ لَا بِيَكُمُ إِنِ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُهْمَى إِلَيَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ

مُبِينٌ (۹- الامقاف)

بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن (خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

• اگر می‌پندارید فقط شما به حقیقت دوستدار خداید، چرا تمنای مرگ نمی‌کنید؟

قُلْ يَأَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنِ رَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶- الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

• کتاب الهی، چیزی جز ذکر الهی برای عالمیان نیست:

وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۵۲- القلم)

در حالی که این کتاب الهی جز ذکر و پند و حکمت برای عالمیان هیچ نیست.

• پس از آیات الهی به کدامین حدیث ایمان می‌آورید؟

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰- المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می‌آورند؟

(۹) سنت لا یتغیر الہی در انکار

• هر چند ترغیب در ایمان مردم کنی، اکثر آنها ایمان نخواهند آورد:

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَ لَوْ كَرِهْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳- یوسف)

و تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد (دل پاکت را زیاد رنجه مدار).

• چه بسیار آیات او بر آسمانها و زمین می‌گذرد و از آن روی می‌گردانند:

وَ كَايِنَ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵- یوسف)

وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ (۱۰۶- یوسف)

و (این مردم بی‌خرد) چه بسیار بر آیات و نشانه‌ها (ی قدرت حق) در آسمانها و زمین می‌گذرند و از آن روی می‌گردانند.

و اکثر خلق به خدا ایمان نمی‌آورند مگر آنکه مشرک باشند (و جز خدا امور دیگر را نیز مؤثر در انتظام عالم دانند).

• هیچ رسولی بر مردم نمی‌آمد جز آنکه به استهزای او می‌پرداختند:

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۱- المجر)

و هیچ رسولی بر آن مردم نمی‌آمد جز آنکه به استهزای او می‌پرداختند.

وَ لَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَمَآقٍ بِالَّذِينَ سَفَرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۶۱- الانبیا)

و همانا به رسولان پیش از تو نیز بسیار تمسخر و استهزاء شد تا آنکه کفر آن استهزاء به آن استهزاء کنندگان احاطه کرد.

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَمَا قَبَّحْنَا بِالَّذِينَ سَفِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰- الانعام)

(ای پیغمبر) پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کفر این عمل دامنگیر شد.

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِِنْ يَتَفَدُّونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱- المؤمنون)

این کافران هرگاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده (و گویند) آیا این مرد همان است که

خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟

يَمَسَّرُهُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزاء گرفتند.

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۷- الزمر)

و بر مردم هیچ رسولی نمی آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می گرفتند.

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری

مهیاست.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• مردم دنیا، همیشه مست امیال نفسانی و در حیرت و غفلت خواهند بود:

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۲- المجر)

(ای محمد) به جان تو قسم که این مردم دنیا همیشه مست شهوات نفسانی و به حیرت و غفلت و گمراهی خواهند بود.

• اکثر مردم به جز کفر، از هر چیز امتناع نکنند:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹- الاسراء)

و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند) لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند.

• در هر ظهور آیات الهی آورده شد، آنرا انکار کردند:

وَقَالُوا لَوْ لَا يَأْتِيَنَا بَنَاءٌ مِّنْ رَبِّهِ أَ وَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّمْفِ الْأُولَى (۱۳۳- طه)

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی آورد؟ آیا آیات بیّنه کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

• هیچ ذکری از جانب خدا نشان نیامد جز آنکه آزر شنیده و باز به لهو و لعب، عمر می گذرانند:

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنْ رَبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ (۲- الانبیا)

این مردم غافل را هیچ پند و موعظه تازه‌ای از جانب پروردگارشان نیاید جز آنکه آن پند را شنیده و باز به بازی دنیا و لهو و لعب عمر می گذرانند.

• کافران قوم در هر زمان، رسولان حق را تکذیب کنند:

وَ إِن يُّكذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ ثَمُودُ (۱۴۲- المچ)

و اگر کافران امت، تو را تکذیب کنند (افسرده خاطر مباش که) پیش از اینان قوم نوح و عاد و ثمود نیز (رسولان حق را) تکذیب کردند.

وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمِ لُوطٍ (۱۴۳- الم)

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط.

وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۴۴- الم)

و نیز (قوم شعب) اصحاب مدین (همه رسولان خود را تکذیب نمودند) و موسی نیز تکذیب شد و من هم کافران را (برای امتحان) مهلت دادم سپس آنها را (به عقوبت) گرفتم، و چقدر مؤاخذه و عقاب من (بر کافران) سخت است!

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رُسُلَهُمْ كَذَّبُوهُمْ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ لَا

يُؤْمِنُونَ (۱۴۴- المؤمنون)

سپس پیغمبران خود را پی در پی فرستادیم و هر قومی که رسول بر آنها آمد آن رسول را تکذیب و انکار کردند، ما هم آنها را از پی یکدیگر همه را هلاک کردیم و داستانهای هلاک آن اقوام را عبرت دیگران ساختیم، که قوم بی‌ایمان را (از رحمت خدا) دوری باد.

وَإِنْ تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ الْمُبِينُ (۱۸- النمل)

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست.

فَإِنْ كَذَّبْتُمْ فَقَدْ كُذِّبْتُمْ مِّن قَبْلِكُمْ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الرَّبِّ وَ الْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَمُزُّنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِنَايَتِ اللَّهِ يَمْمَدُونَ (الانعام - ۳۳)

ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. (دل شاد دار) که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند.

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِبُّوا بِهِمْ لَمَّ يَمْيِطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

الظَّالِمِينَ (التوبة - ۳۹)

بلکه انکار چیزی را می‌کنند که علمشان به آن احاطه نیافته و حقیقت و باطن آن هنوز به آنان نرسیده است، پیشینیان هم این چنین رسل و آیات خدا را تکذیب کردند، پس بنگر عاقبت کار ستمکاران عالم به کجا کشید!

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ (المؤمنون - ۶۹)

یا آنکه اینان رسول خود را نشناخته‌اند که او را انکار و تکذیب می‌کنند.

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّقَكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا

إِفْكٌ مُفْتَرَىٰ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سَمْرٌ مُّبِينٌ (سبا - ۴۳)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

وَمَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ كِتَابٍ يَذُرُّونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ (سبا - ۴۴)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر ردّ تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ (فاطر - ۴)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیمبران پیش از تو را نیز (امتهاشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَكْذِبُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (سبا - ۵۳)

در صورتی که آنها پیش از این به حق کافر بودند و از جایی دور (از مقام علم و یقین) نسبت ناروا (ی جنون و سحر و کذب به رسول حق) می‌دادند.

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ أَسْلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (فاطر - ۲۵)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجت‌های روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (ص - ۱۲)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم ہود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْرَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا بِهِ الْمَقْتِ فَآمَدْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بتپرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيٍّ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رس (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَ إِمۡوَن لُّوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَأَصْحَابِ الْاَیۡتِیۡهِ وَ قَوْمِ تَبَعٍ كُلُّ کَذَّبَ الرُّسُلَ فَمَقَّ وَ عِیۡدِ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُۥٓ بَل لَّا یُؤْمِنُونَ (۳۳- الطور)

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند

كَذَّبَتِ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳- القمر)

قوم ثمود هم آیات حق را تکذیب کردند.

وَلَقَدْ جَاءَ عَادَ فِرْعَوْنَ النُّذُرَ (۴۱- القمر)

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

كَذَّبُوا بِآیَاتِنَا کُلِّهَا فَآمَدَنَّهُمْ أَفۡذَعِزِّ مُقَتَدِرٍ (۴۲- القمر)

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مواخذه کردیم.

ذٰلِكَ بِاَنَّهُ كَانَتْ تَاتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَعَالُوا اَ بَشَرًا يَهْدُوْنَنا فَكَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَى اللّٰهُ وَ اللّٰهُ غَنِيٌّ

مَمِيذٌ (۶- التّٰغٰبِن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

وَ اِنَّا لَنَعْلَمُ اَنَّمِنْكُمْ مُّكْذِبِيْنَ (۴۹- الماقه)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

وَ مَا جَعَلْنَا اَصْحٰبَ النَّارِ اِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ اِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِيْنَ اٰوْتُوْا الْكِتٰبَ وَ يَزِدَّ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِيْمٰنًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِيْنَ اٰوْتُوْا الْكِتٰبَ وَ الْمُؤْمِنُوْنَ وَ لِيَقُوْلَ الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُوْنَ مَا ذَا اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَن يَشَآءُ وَ يَهْدِيْ مَنْ يَشَآءُ وَ مَا يَعْزِمُ يُثَوِّدُ رُبَّكَ اِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ اِلَّا ذِكْرٰى لِّلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شك و ریبی نماند و تا آنان که در دلهایشان مرض (شك و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰- المرسلات)

(این کافران) پس از آیات خدا (که آن را تکذیب کردند) باز به کدامین حدیث ایمان می‌آورند؟

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱- النازعات)

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى (۲۲- النازعات)

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• کافران در هر یوم، چون یکدیگر سخن گویند:

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱- المؤمنون)

بلکه این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففین)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففین)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• کلام حق را، افسانه‌های کدشگان شمرند و آنرا سحر آشکار دانند:

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَ ءَابَاؤُنَا هَٰذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳- المؤمنون)

از این وعده‌ها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِی قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالِ الْذِّينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الانعام)

و اگر ما کتابی بر تو فرستیم در کاغذی که آن را به دست خود لمس کنند، باز کافران گویند: این نیست مگر سحری آشکار.

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ ءَابَاؤُكُمْ وَ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا

إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَ قَالَ الْذِّينَ كَفَرُوا لَلْمَقَّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳ - سبا)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

وَ قَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَ يَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳- سبا)

در صورتی که آنها پیش از این به حق کافر بودند و از جایی دور (از مقام علم و یقین) نسبت ناروا (ی جنون و سحر و کذب به رسول حق) می‌دادند.

وَ مَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبِينٌ (۶۹- فاطر)

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

وَ يَقُولُونَ أَ نُنَّا لَتَارِكُوا ءِالِهَتَنَا لَشَاعِرٍ مَجْنُونٍ (۳۶- الصافات)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

وَ إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَلِكِ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• برای هر پیامبری، دشمنی از جنس بدکاران قرار دادیم:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا (۳۱- المؤمنون)

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران (امّتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاری تو کفایت است.

• این سخنان رایج از پدرانمان نشنیده ایم؛ جز بر آنچه از قبل برمانازل شده، ایمان نیاوریم:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي ءَابَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶-)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده ایم.

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقْمُودُ لَمَّا

مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راستگوئید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیاوید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصِدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَهُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا

إِفْكٌ مُّفْتَرًى وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْمَقْ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳ - سبا)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزمرف)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

قَلَّ أَوْ لَوْ مِثْنُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴- الزمرف)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• مسکران همیشه از فرستادگان الهی، معجزه طلب‌کنند:

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ

قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ نُونَ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• بیچ پیامبری به بیچ شهروندی فرستاده نشد، جز اینکه اهلش به شداد و محن مبتلا شدند:

وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ (۹۴- الاعراف)

و ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به شداید و محن مبتلا ساختیم تا به درگاه خدا تضرع و زاری کنند.

• بیچ آیتی از آیات الهی نیاید، جز آنکه از آن، روی گردانند:

وَ مَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴- الانعام)

و هیچ آیتی از آیات الهی بر اینان نیامد جز آنکه (از روی جهل و عناد) از آن روی گردانیدند.

• کوردلان، از ضلالتشان به راه هدایت نیانند:

وَمَا أَنْتَ بِهَدِ الْعَمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِئَايَاتِنَا فَهَمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• هیچ انداز دهنده‌ای نیامد جز آنکه مترفان به آن کافر شدند:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴- سبأ)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزمر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

قُلْ أَوْ لَوْ مِئْتَكُم بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۲۴- الزمر)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• خود را سطران هدایت الهی دانند اما چون انداز شوند بر نفرشان بیفزاید:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنَبَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ إِمْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا بَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکمترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• سنت الهی در انکار، تغیرناپذیر است:

اسْتَجْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيِّ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّءُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَمِدَّ

لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَمِدَّ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغیر پذیر نخواهی یافت.

• پیامبر بشری چون خود دانند که مقام ویژه‌ای ندارد و کذب میگوید:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَ مَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• به مؤمنان کونید اگر دست از ایمانتان برندارید، سنگسار شوید و پسرانتان را بکشیم و عذاب الیم بینید:

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْمَقِّ مِن عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فِي ضَلَالٍ عَظِيمٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• در مقابل کلمه توحید، استکبار ورزند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵- الصافات)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

• از نباء عظیم اعراض کنند:

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷- ص)

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸- ص)

(و دروغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید.

• آنان که در آیات الهی مجادله کنند، جز تکبر و نخوت چیزی در دل ندارند:

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بَغْيًا سُلْطَانًا أَتَتْهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبِغْيِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنََّّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• اکثر مردم در یوم قیامت، ایمان نمی‌آورند:

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البته ساعت قیامت بی‌هیچ شك می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند

• در زمان ظهور، علم مردم، حجاب ایمانشان خواهد شد:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أَسْئَلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ هَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت.

• مؤمنان ادیان گذشته، در ظهور جدید سخت در شک و ریب بمانند:

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَيْنَهُمْ ۚ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضَىٰ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُّزِبٍ (الشوریٰ - ۱۴)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• چرا رسول الهی جایگاه ویژه‌ای ندارد و چونان یک انسان ظاهر شده است؟

فَلَوْ لَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُّقْتَرِنِينَ (الزفراف - ۵۳)

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست و) طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

• رسول الهی را دیوانه‌ای خوانند که به او آموخته‌اند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ ۚ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (الدفان - ۱۴)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

وَ فِي مُوسَىٰ إِذِ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ (الذاریات - ۳۸)

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعون‌پانش فرستادیم.

فَقَوْلِي بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملك و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

• بر بزرگترین معجزه الهی که آیات مینات اوست، کافر شوند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیہ)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• چون آیات الهی خوانده شود بر استکبار خود اصرار ورزند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَانُ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیہ) آن که آیات

خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده.

اگر این دین بهتری است، چرا مردم عادی در ایمان به او، از ما سبقت گرفته‌اند؟

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• پیروی از انسانی چون خودما، گمراهی و جنون است:

فَقَالُوا أَمْ بَشَرًا مِّثْلًا وَمِمَّا تَتَّبِعُهُ إِتْنَا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعْرٍ (۲۴- القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده ایم.

• آیا بین همه ما نقطه بر او وحی میرسد؟

أَلَمْ نَلْقَ الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی باک و خودپسندی است

• اکثر آنها به سوی فسق و بدکاری شتابند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكُتُبَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶-)

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.



ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ ءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيََّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المديد)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگیزتند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• **بشارت ظهور بعدراحمون فرارسد، انکارکنند:**

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَمُّدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است

• **اراده کرده اند که نور خدا را به گفتار باطل، خاموش کنند:**

رُيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُّخِّمٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• در هر ظهور جدید، مؤمنان ظهور قبل، فقط خود را دوستداران حقیقی الهی دانند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن كَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶-)

(الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر بپندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

• بدکاران بر اهل ایمان می‌خندند و درباره آنان، با هم تفریح می‌کنند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• هر چه توانند کید و مکر می کنند:

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می کنند.





فصل ۵ - ایمان و انکار در ادیان از گذشته تا حال

- ۲۳۹.....(۱) تکرار انکار و کفر در گذشته و حال
- ۲۶۵.....(۲) اعراض و مقابله با آیات الهی در طول زمان
- ۲۸۰.....(۳) روش و نحوه مواجهه با پیامبران و پیام الهی آنان از گذشته تا حال
- ۳۱۲.....(۴) شواهدی از انکار رسول و کلام الهی در زمان ظهور حضرت محمد(ص)
- ۳۲۳.....(۵) کلام الهی خطاب به مؤمنین ادیان گذشته

(۱) تکرار انکار و کفر در گذشته و حال

• سران قوم: پیروان فرستادگان الهی، مردمان پست و بی‌مقدارند:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَزَّلَتْ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا نَزَّلَتْ آتَّعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِي الرَّأْيِ وَ مَا نَزَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَذِبِينَ (۲۷- هود)

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی‌دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تو اند اشخاصی پست و بی‌قدر بیش نیستند و ما هیچ‌گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.

• چرا برای ما آیتی از حق نمی‌آورد؟

وَ قَالُوا لَهُ لَا يَا تَيْنَا بِنَاءٍ مِّنْ رَبِّهِ أَوْ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۳۳- طه)

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی‌آورد؟ آیا آیات بی‌نیه کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

• آیا هر رسولی برخلاف هوای نفس شما او امری آورد، کردن فزازی و سرپیچی کنید و گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل

رسانید؟

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
أَفَكَلَّمَا بِمَا لَمْ يَلْمُوا أَنْفُسَهُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۷- البقره)

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن، حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

• چون گفته شود به رسول الهی در زمان خود ایمان آورید کوندا متهما به آنچه در گذشته نازل شده ایمان آوریم اگر چه در این دعوی

صادق نیستند:

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نَبُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راست‌گویید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَبَدْنَا ءَابَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ ءَأْتُرِهِمْ مُّقْتَدُونَ (۲۳- الزمرف)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• چون کوندا از آنچه خداوند نازل فرموده تبعیت کنید، پاسخ دهند مابه هر حال پیرو کیش پدران خود خواهیم ماند:



وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ

لَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰- البقره)

و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

• در پاسخ به دعوت حق گویند، تنها از طریق پدران خود پیروی کنیم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیا بیاید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریق پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می شوند)؟

• کلام فرستاده الهی را کذب خوانند و سحر دانند و هیچ مزیتی جز آنکه حلال در دین پدرانشان اندازد، در آن نمی بینند:

وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصَدِّكُمْ عَمَّا كَانِ يَعْبُدُ ءَابَاؤَكُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا

إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا لَمَقٌ لِّمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبأ)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

• مؤمنان از مشرکان و معتقدان به ادیان گذشته، زخم زبان خواهند شنید:



لَتَلْبُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَتْوَا الْكُتُبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرًا

وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶- آل عمران)

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

• تکذیب کنندگان کلام الهی در هر زمان، چون یکدیگر رفتار کنند:

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الرُّبْرِ وَ الْكُتُبِ الْمُنِيرِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

• مؤمنان، عهد و میثاق الهی را می شکنند:

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَرَىٰ أَمْذَنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا الْبَيْتَ الْعَرَبِيَّ وَ الْبَيْتَ الْأَيْمَنَ وَ سَوَّفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند

داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• مؤمنان ادیان قبل، خود را به زبان انداخته، ایمان نمی آورند:

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ فَسَّرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰- الانعام)

آنان که ما کتاب به آنها فرستادیم، او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) به مانند فرزندان خود می‌شناسند. آنان که خود را به زیان انداختند (به او) ایمان نمی‌آورند.

• گذشتگان نیز، پیامبران خود را سخت استهزاء کرده‌اند:

وَلَقَدْ آسْتَهْزَأُوا بِرُسُلِهِمْ مِّن قَبْلِكَ فَمَا قَبَّحَ بِالَّذِينَ سَفَرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰- الانعام)

(ای پیغمبر) پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کيفر این عمل دامنگیر شد.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۱۱- المجر)

و هیچ رسولی بر آن مردم نمی‌آمد جز آنکه به استهزای او می‌پرداختند.

يَمَسْرُدُهُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۷- الزمرف)

و بر مردم هیچ رسولی نمی‌آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می‌گرفتند.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَنَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْمَكُونَ (۴۷- الزمرف)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹- الباقیه)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

وَ لَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَمَاقَ بِالَّذِينَ سَفِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰- الانعام)

(ای پیغمبر) پیش از تو هم امم گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کیفر این عمل دامنگیر شد.

• پیچگاه دلیل رسول حق را در دعوی خود نپذیرفته، حاضر نمی‌شوند از اعتقادات قبلی خود دست بردارند:

قَالُوا يَهُودُ مَا مِثَّنَّا بِبَيْتِنَا وَ مَا نَمْنُ بِتَارِكِي ءَالِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَ مَا نَمْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۵۳- هود)

قوم هود وی را پاسخ دادند که ای هود، تو برای ما دلیلی (روشن بر دعوی رسالت خود) نیاوردی و ما هرگز از خدایان خود به مجرد حرف تو دست نمی‌کشیم و ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.

• گویند ما مزیتی در شما نسبت به خود نمی‌بینیم:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَ مَا نَرَاكَ إِلَّا تَبَّعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئَارِ الرَّأْيِ وَ

مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَذِبِينَ (۲۷- هود)

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی‌دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تو اند اشخاصی پست و بی‌قدر بیش نیستند و ما هیچ‌گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.

• هیچ‌آیه‌ای از آیات الهی نیاید جز آنکه از آن روی گردانند:

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴- الانعام)

و هیچ آیتی از آیات الهی بر اینان نیامد جز آنکه (از روی جهل و عناد) از آن روی گردانیدند.

• تمامی پیامبران الهی با وجودیکه با آیات سینات ظاهر شوند، از طرف آنان تکذیب شوند:

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲- ص)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا

بِهِ الْمَقْضَى فَأَمْدَتَهُمْ فَكَيفَ كَانَ عِقَابِ (۵- ص)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمْرَأَتُ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ تُبَّعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرَّسُلَ فَمَقَّ وَ عِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنٍ مُّبِينٍ (۳۸- الذاریات)

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعونیتش فرستادیم.

فَتَوَلَّىٰ بُرْكَانَهُ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹- الذاریات)

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

كَذَلِكَ مَا أَتَىٰ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاهِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲- الذاریات)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳- القمر)

قوم ثمود هم آیات حق را تکذیب کردند.

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِّثَّنَا وَهَذَا نَبِيٌّ إِنَّ آتِنَا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٍ وَ سَعُرٍ (۲۴- القمر)

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده ایم.

أَلْقَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرُّ (۲۵- القمر)

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

وَ لَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱- القمر)

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَمَدْنَاهُمْ أَمْدَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ (۴۲- القمر)

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مواخذه کردیم.

• آیات حق را سحر شمرند و پیامبر الهی را ساحر و دیوانه دانند:

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السِّمْرُونَ (التوبه - ۷۷)

موسی به آنان گفت: آیا به آیات حق که برای شما آمد نسبت سحر می‌دهید؟ آیا این سحر است و حال آنکه ساحران را هرگز

فلاح و فیروزی نخواهد بود؟!

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (الاحقاف - ۷)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی

است. ی موسی إذ أرسلنهُ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ (الذاریات - ۳۸)

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعونیان فرستادیم.

فَتَوَلَّىٰ بِرْكِنِهِ وَ قَالَ سَمِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (الذاریات - ۳۹)

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

كَذٰلِكَ مَا آتٰی الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ (الذاریات - ۵۲)

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر

یا دیوانه است.

• آنان منتظرند که خداوند ملائکه خویش، در پرده‌های ابر ظاهر شود:

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰)-

(البقره)

آیا کافران جز این انتظار دارند که خدا با ملائکه در پرده‌های ابر بر آنها در آید و حکم (قهر خدا به کیفر کافران) فرا رسد؟ و کارها همه به سوی خدا باز گردد.

• اگر خداوند بعضی را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیزد، فساد روی زمین را فرامی‌گرفت:

فَهَرَمَوْهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاتُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عِلْمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (البقره) - ۲۵۱-

پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود (علیه السلام) امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه می‌خواست بدو بیاموخت. و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیزد فساد روی زمین را فرامی‌گرفت، و لیکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است.

• آنان به آیات الهی کافر شده، انبیاء را به ناحق به قتل رسانند:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ مَقِّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱- آل عمران)

همانا آنان که به آیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی‌جرم و به ناحق بکشند و آن مردمی را که (خلق را) به درستی و عدل خوانند به قتل رسانند، آنها را به عذاب دردناک بشارت ده.

• در هر زمان اهل کتاب از فرستادگان الهی طلب معجزه کنند و با وجود معجزات، باز ایمان نمی آورند:

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهَ جِهْرَةً
فَأَفْذَتْهُمْ الصِّعْقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّفَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَصَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ
سُلْطٰنًا مُّبِينًا (النسا- ۱۵۳)

(ای پیغمبر) اهل کتاب از تو درخواست کنند که از آسمان کتابی (یکجا) برای آنان فرود آوری، همانا از موسی نیز درخواستی بالاتر از این کردند و گفتند: خدا را به چشم ما آشکار بنما، پس به سبب این جهل و سرکشی صاعقه سوزان آنها را درگرفت، و پس از آن همه آیات روشن، باز گوساله پرستی اختیار کردند، باز ما از این کار (زشت آنان) درگذشتیم و به موسی حجتی آشکار بخشیدیم.

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا وَ قَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ (الزمل- ۴۸)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و يد بيضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی ایمان و بی عقیده ایم؟

• کافران همه وقت، چون یکدیگر سخن گویند:

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱- المؤمنون)

بلکه این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند.

• اینها چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیستند:

لَقَدْ وَعَدْنَا نَمُنُّ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳- المؤمنون)

از این وعده‌ها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳- المطففين)

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• با وجودینات، کلام الهی را ساحتکی دانند:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُّوسَىٰ بِبَيِّنَاتٍ بَيَّنَّتِ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِمْرٌ مُّفْتَرٍ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي ءَابَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶-)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج

نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از

پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

• در هر ظهوری از آنان خواسته شده اگر بهتر از کلام الهی سراغ دارند، بیاورند:

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹- النمل)

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَن أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراخته از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• اکثر مردم از آئین استوار حق که مبتنی بر خلقت است، پیروی نمی‌کنند:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ مَنِيفًا فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِطَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّا أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰- النمل)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

• مردم مرده و ناشوارا نتوان هدایت نمود:

فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصِّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وُلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۲- النمل)

پس تو (این مردم) مرده (دل بی‌ایمان) را نتوانی (سخن حق) بشنوانی و دعوت خود را به گوش (این) کران که (مخصوصا از تو به کبر و نخوت) رو می‌گردانند برسانی.

وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَىٰ عَن ضَلَّاتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- النمل)

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی (هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

• هر آیتی بر آنان بیاید باز گویند، شما مردم را به باطل و اوهام می‌خوانید:

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَ لَئِن جِئْتَهُم بِآيَةٍ لِّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّا أَنْتُمْ إِلَّا

مُتَّبِلُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیآوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• بی‌چگاه مترفان زمان، دعوت حق را در زمان خود، لیک نلفته‌اند:

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴- سبأ)

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ (۲۳- الزمر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

• کفار پیش از این نیز، پیامبرانشان را تکذیب کرده‌اند:

وَ مَا آتَيْنَهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَ مَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلِكَ مِنْ نَّذِيرٍ (۴۴- سبأ)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر ردّ تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

وَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵- سبأ)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند)

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴- فاطر)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیمبران پیش از تو را نیز (امتهاشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (فاطر-۲۵)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجت‌های روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

• چون آن کس که بشارت آمدنش داده شده، بیاید؛ جز بر نفرت و مخالفتشان نیفزاید:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِّنْ إِمْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (فاطر-۱۴۲)

و (مشرکان عرب) محکم‌ترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند، انتظاری دارند؟

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السِّيَءِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (فاطر-۱۴۳)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• جایگاه و مقام پیامبران الهی را انکار کنند:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (فاطر) ۱۵-

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• ظهور پیامبران را به فال بد گرفته، ایشان را تهدید رنج و شکنجه و سزا کنند:

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَكَيْ مَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (فاطر) ۱۸-

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• در مقابل کلمه توحید سرکشی کنند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يُسْتَكْبِرُونَ (الصافات) ۳۵-

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

وَ يَقُولُونَ أَ نُنَّا لَتَأْتِكُمْ آءِ الْهَتَانَا لَشَاعِرٍ مِّثْلُونٍ (الصافات) ۳۶-

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• همه کسانی که در طول تاریخ پیامبران را تکذیب کرده اند، به کيفر الهی گرفتار شدند:

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَاْتِيهِمْ اُسْلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَكْفَرُوْا فَاَمَذَهُمُ اللّٰهُ اِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيْدٌ الْعِقَابِ (غافر) - (۲۲)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کيفر است.

• چون پیامبران ظاهر شوند کافران کویند پسران مؤمنین را بکشید و زنانشان را زنده گذارید:

وَ لَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوسٰى بِآيٰتِنَا وَ سُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ (غافر) - (۲۳)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْمَقْصِدِ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوْا ااقْتُلُوْا اٰبْنَاءَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهُ وَ اسْتَمْتُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا

فِي ضَلٰلٍ (غافر) - (۲۵)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• در هر زمان برای عدم ایمانشان به پیامبر، عذرو بهانه‌ای آرند:

وَ لَوْ جَعَلْنٰهُ قُرْءَانًا اَعْجَمِيًّا لَّقَالُوْا لَوْ لَا فُصِّلَتْ اٰيٰتُهُ ءَاَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْ ءَاذَانِهِمْ وَقُرْ وَ هُوَ عَلَيَّهِمْ عَمًى اُولٰٓئِكَ يُنَادُوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيْدٍ (فصلت) - (۱۴۴)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

• بیشتر مردم در یوم قیامت ایمان نمی‌آورند:

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹- غافر)

البته ساعت قیامت بی‌هیچ شک می‌آید و لیکن بیشتر مردم (تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند

• وارثان کتب آسمانی گذشته، سخت در شک و ریب بمانند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَهُ لَا كَلِمَةَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقَضِيَ

بَيْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُّرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• کرچه آیات عظمت حق را یکی پس از دیگری مشاهده نمایند، به انکار پردازند:

وَ مَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُهْتِهَا وَ أَفْذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۸- الزمرف)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلایا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

تِلْكَ آيَاتِ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَيِّ مَدْيَتٍ بَعَدَ اللَّهُ وَ آيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الجاثیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

• قومی رازبون کنند تا در فسق، مطیع فرمان آنان شوند:

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ (۵۴- الزمر)

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

• گویند به ما مبر آموخته‌اند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مَعَكُم مَجْنُونٌ (۱۴- الدخان)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

• چون آیات الهی را بشنوند بر استکبار خود اصرار ورزند:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الجاثیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• آیات را کلام خود او خوانند که به خدا نسبت میدهند:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتَهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا

بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• در حالی مضطرب و سرگردان، به تکذیب حق پروازند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• در اختلاف سخن بازمانند و دیگران را هم روی گردان کنند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَبَلِّغٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• همه رسولان را فرستادیم تا رافت و مهربانی در دل پیروانشان بنهیم؛ بر آنها جز آنکه رضا و خشودى الهى را طلبند ننوشتيم

؛ اما بسيارى به راه فسق و تباهكارى شتافتند:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۶)

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهيم را فرستاديم و در ميان فرزندانشان نبوت و كتاب آسمانى قرار داديم، پس آنها برخى به راه حق هدايت يافتند و بسيارى به فسق و بدكارى شتافتند.

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ

آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المدید)

و از پى آنان باز رسولان ديگر و سپس عيسى مريم را فرستاديم و به او كتاب آسمانى انجيل را عطا كرديم و در دل پيروان (حقيقى) او رافت و مهربانى نهاديم و ليكن رهبانيت و ترك دنيا را از پيش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشودى خدا را طلبند (در كتاب انجيل) ننوشتيم و باز آنها چنان که بايد و شايد همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ايمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا كرديم و ليکن از آنها بسيارى به راه فسق و تبهكارى شتافتند.

• چون هر پيامبرى با آيات مينات ظاهر شود و حقايت كلام الهى قبل را تصديق نمايد، باز آنرا سحر مبین دانند:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنَىٰ إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مَبَشِّرًا

بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْضِ أَسْمَاءِ أُمَّمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است

• اراده آنها را خاموش کردن نور الهی است:

رُيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• در هر زمان گروهی از مؤمنین، فقط خود را دوست دار حقیقی خداوند می‌دانند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنِ اعْمَتَكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّتُوا الْمَوْتِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶-)

(الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدا هستید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

• در طول تاریخ، پیامبران را تکذیب کرده و مقامشان را انکار کنند:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵- الصف)

آیا حکایت حال پیشینیان که کافر شدند به شما نرسید؟ که (هم در دنیا) به کیفر کردارشان رسیدند و (هم در آخرت) عذاب دردناک بر آنان مهیاست.

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَعَالُوا أَمْ بَشْرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ

مَمِيدٌ (۶- التَّغَابُن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

• تکذیب حق، سنت تاریخ است:

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (۴۹- المآه)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

• هر وقت مؤمنین را مسخره کرده و آنان را همراه دانند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطفین)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَامَتُونَ (۳۰- المطفین)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطفین)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمُ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• در همه طول تاریخ جز مؤمنین، دیگر مردمان در خسران و زیانند:

سورة العصر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِي فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِیْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

۲) اعراض و مقابله با آیات الهی در طول زمان

• هر کس در این جهان نابینا است، در آخرت نیز نابینا و همراه تر خواهد بود:

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَ أَضَلُّ سَبِيلًا (۷۲- الاسراء)

هر کس در این جهان نابینا (ی کفر و جهل و ضلالت) است در عالم آخرت نیز (از مشاهده بهشتیان و شهود و جمال حق) نابینا و گمراfter خواهد بود.

• خداوند قوم ستمکار را هرگز هدایت نخواهد کرد:

فَإِنْ لَّمْ يَسْتَمِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاتُ بِخَيْرِ هُدَىٰ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰- النمل)

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر و) گمراfter از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟! البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

• بر کسانی که بر آیات الهی کافر شدند، عذاب سختی است:

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ (۳- آل عمران)

مِن قَبْلُ هُدَىٰ لِلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَاهِ (۱۴-

آل عمران)

• آتش جنگ و دشمنی، تایوم قیامت، بین کسانی که به عهد و میثاق الهی وفادار نمانده اند، برقرار باشد:

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَمْذَنًا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• مسکران در وقت مرگ گویند: بار الهام را به دنیا بازگردان:

مَتَىٰ إِذَا جَاءَ أَمْذَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹- المؤمنون)

(کافران در جهل و غفلتند) تا آن گاه که وقت مرگ هر يك از آنها فرا رسد، در آن حال گویند: بار الهام، مرا به دنیا بازگردانید.

• رسول الهی از اینکه امت او قرآن را به کلی متروک و رها کردند، در پیشگاه الهی شکوه کند:

وَ قَالَ الرَّسُولُ يُرَبِّ إِنِّي قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰- المؤمنون)

در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزّه) عرض کند: بار الهام (تو آگاهی که) امت من این قرآن را به کلی متروک و رها کردند.

• حافظ کسی که هوای نفسش خدای اوست، نتوان شد:

أَيَّتْ مَنْ اتَمَذَ إِلَهُهُ هَوَاتُ أ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا (۴۳- المؤمنون)

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی

شد؟

• هیچ مردمی تا اذار نشند، هلاک نکرودیند:

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (۲۰۸- الشعرا)

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکرديم

• بنگر که عاقبت مردم فاسد به کجا انجامید:

وَجَمَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر

تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

• بر ما نصرت مؤمنین حتم است:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَبَاءُواهُمْ بِالْبَيْتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَ كَانَ مَقَامًا عَلَيْنَا نَصْرُ

الْمُؤْمِنِينَ (۴۷- النمل)

و ما پیش از تو پیامبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار

انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

• مردمی که آیات الهی را به استهزاء گیرند، به عذاب بسین گرفتار شوند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْمَدْيَةِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهِينٌ (۶- لقمان)

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و) آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

• آنانی که در مقابل آیات الهی استکبار ورزیدند، به عذاب الیم بشارت ده:

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَانَتْ لَهُمْ يَسْمَعُهَا كَانَتْ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرَأَ فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• کسانی که در انکار آیات الهی سعی و کوشش کردند، عذاب دردناک خواهند خشد:

وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ (جَزَّ أَلِيمٍ) (۵- سبأ)

و آنان که (از کفر و عناد) در (محو و نابود ساختن) آیات ما سعی و کوشش کردند تا مگر (رسول ما را) ناتوان کنند (و) از قهر و قدرت ما بیاسایند) بر آنها عذاب سخت دردناک خواهد بود.

• همه مسکرائی که پیامبران الهی در زمان خود را تکذیب کردند، به عذاب حق گرفتار شدند:

و كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ مَا بَلَّغُوا مِيعَتَنَا مَا ءَاتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵- سبا)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند)

• سنت الهی در مورد مسکران و معرضان، هرگز تبدیل نخواهد شد:

اسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السُّيِّئِ وَ لَا يَمِيقُ الْمَكْرُ السُّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَمْوِيلًا (۴۳- فاطر)

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

• وای بر حال استهزاءکنندگان پیامبران الهی:

يَمْسِرَةٌ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

• بر کافران وعده عذاب، حتم و لازم گردید:

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ مِيًّا وَ يَمِيقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰- فاطر)

تا هر که را زندهدل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم

و لازم گردد.

إِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸- الصافات)

شما (که او را تکذیب کردید امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید.

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸- ص)

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند).

• مسکران جز به کردارشان، مجازات نمی‌شوند:

وَمَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹- الصافات)

و جز به کردارتان مجازات نمی‌شوید.

• آن کس که گمراه شود، دیگر هدایت کننده‌ای نخواهد داشت:

اللَّهُ نَزَّلَ أَمْسَنَ الْمَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَفْسُقُونَ (بِهِمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳- الزمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و گذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

• تافروست است از کلام حق پیروی کنید:

وَ اتَّبِعُوا أَمْسَنَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ بِغَتَّةٍ وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (الزمر - ۵۵)

و بهترین دستور کتابی را که بر شما از جانب خدایتان نازل شده است پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (قهر خدا به کیفر گناهان) بر شما ناگهان فرود آید و شما آگاه نباشید.

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَمْسِرْتَنِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتَ لَمِنَ السَّافِرِينَ (الزمر - ۵۶)

تا مبادا کسی فریاد و احسرتا بر آرد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده‌های خدا را مسخره و استهزا نمودم.

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (الزمر - ۵۷)

یا آنکه (از فرط پشیمانی در پی آرزوی محال آید و) گوید: (افسوس) اگر خدا مرا (به لطف خاص) هدایت فرمودی من نیز از اهل تقوا بودم.

أَوْ تَقُولَ مِثْنِ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (الزمر - ۵۸)

یا آنکه چون عذاب (خدا) را به چشم مشاهده کند گوید: (ای فریاد) کاش بار دیگر (به دنیا) باز می‌گشتم تا از نیکوکاران می‌شدم.

• همه آنان که بایا مبران الهی زمان خود مخالفت کردند عقوبت سختی دیدند:



كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْرَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا

بِهِ الْمَقْصَدَ فَأَمْذَنَهُمْ فَكَيفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• خداوند شدید العتاب است:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَمْذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲- غافر)

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

• کید کافران، جز در ضلالت به کار نیاید:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْمَقْصَدِ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فِي ضَلَالٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• برای آنان که آیات الهی را به سخره گیرند، عذاب مبین میاست:

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹- الباقیه)



و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُوتَاهَا وَ أَفَذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يُرْمَعُونَ (الزمر - ۴۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلایا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

• کسانی که به علم خود مقابل آیات الهی مغرور شوند وعده عذابی که مسخره میکنند برایشان وارد شود:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أُنسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمَوْا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ وَ هَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (غافر - ۸۳)

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت.

• خداوند، صاحب عذاب الیم است:

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (فصلت - ۴۳)

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

• اگر آنچه به آن کافر شده اید کلام وحی الهی باشد، آیا کمره تراز شما کسی تواند بود؟

قُلْ أَعْيُنُكُمْ إِن كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (فصلت - ۵۲)



(کافران را) بگو: چه می‌پندارید اگر (قرآن) از جانب خدا باشد و شما به آن کافر شده باشید آیا گمراهتر از آن کس که (مانند شما) به کفر و شقاق دور (از راه سعادت) است در جهان کسی تواند بود؟

• آن کس که دانسته به گمراهی می‌رود، هدایت نتوان کرد:

أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّحْفَ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰ - الزخرف)

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

• عذاب الیم از آن کسی است که بر استکبار خود اصرار ورزد:

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸ - الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• کافرانی که به حال کفر بمیرند، خداوند آنان را نخواهد بخشید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴ - ممد)

آنان که کافر شدند و راه خدا را (به روی خلق) بستند و به حال کفر مردند دیگر ابد خدا آنها را نخواهد بخشید.

• کافران، مضطرب و سرگردان مانند:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيعٍ (۵ - ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

• بر تمامی کسانی که پیامبران الهی را در طول زمان تکذیب کردند، آنچه حق وعده داده است، محقق شود:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲-ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمْلُؤُا لُوطِ (۱۳-ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ ثَبَعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَمَقَّ وَ عِيدِ (۱۴-ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم ثبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و

واجب گردید.

• نابود باد آن کس که دروغ بندد:

قُلِّلَ الْمُرْصُونِ (۱۰- الذاریات)

کشته باد و نابود آنان که دروغ بندند (و قرآن را سحر و فسانه برخوانند).

• آنان که آیات الهی را تکذیب کنند، به قهر و اقتدار الهی مواخذه شوند:

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَمَذْنَاهُمْ أَفْذَىٰ مَقْتَدِرٍ (مُقْتَدِرٍ) (القمر)

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مواخذه کردیم.

• تم کاران، هدایت نخواهند شد:

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْيَهُودِ الَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَثَلٌ لِّقَوْمٍ ظَالِمٍ لِّنَفْسِهِمْ أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ لِقَاءُ رَبِّهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ لَمَّا نُهُوا عَنِ آلِهَاتِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا هِيَ تَمَاثِلُ آلِهَاتِهِمْ كَمَا تَمَثَّلِ الْبَشَرُ لِلْبَشَرِ أُولَٰئِكَ كَانُوا فِي شَكٍّ مِّنْهُ

بَيَّاتِ اللَّهُ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• خداوند بر هر چه کنید آگاه است:

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۗ وَاللَّهُ فَبِّيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱- الصف)

و خدا هرگز اجل هیچ کس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیفکند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

• همه آنان که در طول تاریخ کافر شدند، به کیفر کردارشان رسیدند و به آنچه میکردند مجازات شدند:

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵- الصف)



آیا حکایت حال پیشینیان که کافر شدند به شما نرسید؟ که (هم در دنیا) به کیفر کردارشان رسیدند و (هم در آخرت) عذاب

در دناک بر آنان مهیاست

ذٰلِكَ بِاَنَّهٗ كَانَتْ تَاتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوْا اَ بَشَرٌ يَّهْدُوْنَنا فَكَفَرُوْا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنٰى اللّٰهُ وَ اللّٰهُ غَنِيٌّ

مَمِيذٌ (۶- التّٰغٰبِن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَعْتَدُوْا الْيَوْمَ ۚ اِنَّمَّا تَجْرَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ (۷- التّٰمِيْمِيَّة)

(به کافران گویند) ای کافران، امروز عذرخواهی نکنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید به آن مجازات می‌شوید.

• تکذیب آیات الهی، عاقبت، مایه ندامت کافران است:

وَ اِنَّا لَنَعْلَمُ اَنْ مِنْكُمْ مُّكْذِبِيْنَ (۴۹- المّٰقَه)

و ما به راستی می‌دانیم که از [میان] شما تکذیب‌کنندگانی هستند

وَ اِنَّهٗ لَمَسْرٰةٌ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ (۵۰- المّٰقَه)

و تکذیبش عاقبت مایه ندامت کافران است.

• وای بر حال تکذیب‌کنندگان:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷- المدثر)

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

• کافران در بستر تاریخی، همیشه خسارت و زیان دیده‌اند:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفٍ فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

۳) روش و نحوه مواجهه با پیامبران و پیام الهی آنان از گذشته تا حال

• مکره اندیشد:

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَآتَتْهُمُ الْعَذَابُ مِنْ مَّيْتٍ لَا يَشْعُرُونَ (النمل - ۲۶)

آن کافرانی که پیش از اینان بودند نیز (مانند اینها) مکرها (برای پامال کردن حق) اندیشیدند لیکن خدا بنای آنها را از پایه ویران کرد و سقف بر سرشان فرو ریخت و عذاب خدا از جایی که نمی‌فهمیدند آنها را فرا رسید.

• خیالات باطل خود را به خدای متعال نسبت دهند:

وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (البقره - ۷۸)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (البقره - ۷۹)

و بعضی عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و بیهوده خویشند.

پس وای بر آن کسانی که از پیش خود کتاب را نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند، پس وای بر آنها از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست آرند.

• پیامبران را به اخلال در عقاید پدران خود متهم کنند:



قَالُوا أَمْ جِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّ عَمَّا وَوَعَدْنَا عَلَيْهِ ءِآبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمْ ءَالِكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ بِمُؤْمِنِينَ (۷۸-)

(البقره)

پاسخ دادند که آیا تو آمده‌ای که ما را از عقاید و آدابی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم بازگردانی تا خود و برادرت هارون در زمین سلطنت یابید و بر ما حکمفرما شوید؟ ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد.

• حق را کتمان کنند:

الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْمُقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴۶-)

(البقره)

گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم، (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حقانیت) او را به خوبی می‌شناسند همان گونه که فرزندان خود را، و لکن گروهی از آنان (از راه عناد) حق را کتمان می‌کنند در صورتی که علم به آن دارند.

• گرچه بر صدق آن گواهند، بر آن کافر شوند:

يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آنکه شما به صدق آن گواهد؟!

• به حق، لباس باطل می‌پوشانند:

يَٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْمُقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْمُقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می‌دارید

در صورتی که (به حقانیت آن) آگاهید؟!

• استکار و رزند و گروهی را تکذیب و جمعی را به قتل رسانند:

وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَدْنَاهُ رُوحَ الْقُدُسِ
أَفَكَلَّمَا بِآءِكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۷- البقره)

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن،
حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس
شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید!؟

• پیامبر حق زمان خود را نمی‌پذیرد و خود را به جز از دین موروثی، به غیر آن کافر دانند:

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نَأْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقْمُضُ مُمْدَقًا لِمَا
مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و
به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی
ایمان به تورات راستگوئید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

• بهانه آورند که عدویمان ما با خداوند این است که تا معجزه ای نیامورد به او ایمان نیاوریم:

الَّذِينَ قَالُوا إِنْ لَمْ يَأْتِنَا بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّنَا نَبْتَدِينُ النَّارَ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي
بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳- آل عمران)

آنان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که
پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می‌گویید چرا
آن پیامبران را کشتید!؟

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَ الْكُتُبِ الْمُنِيرِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أُوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا وَ قَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ لَّوْنٌ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

قُلْ فَاتُوا بِكِتَابِ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹- النمل)

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَوَذَتْهُمْ الصُّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّفَعُوا الْعِجْلَ مِنَ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطٰنًا مُّبِينًا (۱۵۳- نسا)

(ای پیغمبر) اهل کتاب از تو درخواست کنند که از آسمان کتابی (یکجا) برای آنان فرود آوری، همانا از موسی نیز درخواستی بالاتر از این کردند و گفتند: خدا را به چشم ما آشکار بنما، پس به سبب این جهل و سرکشی صاعقه سوزان آنها را

درگرفت، و پس از آن همه آیات روشن، باز گوساله پرستی اختیار کردند، باز ما از این کار (زشت آنان) درگذشتیم و به موسی حجتی آشکار بخشیدیم.

• چون ظهور جدید آشکار شود، عهد و پیمانی که با خداوند بسته اند فراموش کرده بر او کافر شوند:

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَىٰ أَمْذَنًا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا مِيثَاقًا مَّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴- المائدة)

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم (که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد) آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

• آیات الهی را سحر خوانند:

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِمَ جَاءَكُمْ أَسْمُرُ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّمِيرُ (۷۷- التوبة)

موسی به آنان گفت: آیا به آیات حق که برای شما آمد نسبت سحر می‌دهید؟ آیا این سحر است و حال آنکه ساحران را هرگز فلاح و فیروزی نخواهد بود؟!

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِمْرٌ مُّفْتَرٍ ۚ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳- النمل)

(النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

وَ إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷- الامقاف)

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر آشکارایی است.

إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيزُ الْأَوَّلِينَ (۱۵- القلم)

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

إِذَا تُلِّيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيزُ الْأَوَّلِينَ (۱۳- المطففين)

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

• چرا پیامبر الهی چون بشری زندگی میکند و جایگاه ویژه ای ندارد؟

وَ قَالُوا مَا لِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷-

المؤمنون)

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد)؟

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْمُورًا (۸- المؤمنون)



یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

• مثل باطل و ناروازنند:

وَ لَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا مِنْتَكَ بِالْمَقِّ وَ أَمْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳- المؤمنون)

و کافران بر تو هیچ مثل (باطل و اعتراض ناحق) نیاورند مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان پاسخ آنها آریم.

• کونند شما مردم را به باطل می‌خوانید:

وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ لَئِنْ جِئْتَهُمْ بِبَيِّنَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

• آیات الهی را به تمسخر گیرند:

وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْمَدِينِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعَهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۶- لقمان)

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

وَ إِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَمَدَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۹- الباقیة)

و چون از آیات ما چیزی بدانند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری

مهیاست

• همه پیامبران را به تمسخر و استهزاء گیرند:

يَمَسِّرُهُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

وَ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۷- الزمر)

و بر مردم هیچ رسولی نمی‌آمد جز آنکه او را به مسخره (و انکار) می‌گرفتند.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِنَايَتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ (۴۷- الزمر)

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

• با غرور و تکبر، به آیات الهی پشت کنند:

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِيَ مُسْتَكْبِرًا كَانَتْ لَهُمْ يَسْمَعُهَا كَأَن فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از

هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

• گویند ما فقط از طریق پدران خود پیروی کنیم، و به هر تقدیر به آنچه شماره رسالت آن فرستاده اند، کافریم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیاوید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریق پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ

مُقْتَدُونَ (۲۳- الزمر)

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا يَكْفِرُ بِهَا قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصِدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ آبَاءَهُمْ وَ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا

إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِمَا جَاءَهُمْ مِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳- سبأ)

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته (و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و کافران چون آیات حق بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزمر: ۲۴)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

• بنام دین، رسول الهی را تکذیب کنند:

وَمَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ كِتَابٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ (سبا: ۴۴)

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به قول او بر رد تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

• رسول الهی را تکذیب کنند:

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مَعَشَرَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (سبا: ۴۵)

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند آنان به کیفر می‌رسند).

• نسبت ناروا دهند:

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْعَرَبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (سبا: ۵۳)

در صورتی که آنها پیش از این به حق کافر بودند و از جایی دور (از مقام علم و یقین) نسبت ناروا (ی جنون و سحر و کذب به رسول حق) می‌دادند.

• همه وقت، پیامبران الهی را تکذیب کنند:

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ أُسْلُ مِنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴- فاطر)

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیامبران پیش از تو را نیز (امتهاشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵- فاطر)

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود را که با آیات و معجزات و کتب و حجت‌های روشن برای هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲- ص)

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِآهْدَى مِمَّا وَبَدْتُمْ عَلَيْهِ ءِآبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُسِّلْتُمْ بِهِ كَفِرُونَ (۲۴- الزمرف)

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید) آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُوتَاهَا وَ أَفَذَنَّهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يُرْمَعُونَ (الزمر- ۴۸)

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلایا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِمُؤُن لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمِ ثَبَعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَمَقِّ وَ عِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم ثبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳- القمر)

قوم ثمود هم آیات حق را تکذیب کردند.

وَ لَقَدْ جَاءَ آءَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱- القمر)

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَمْذَنَهُمْ أَمْدًا عَزِيزًا مُّقْتَدِرًا (۴۲- القمر)

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مؤاخذه کردیم.

وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ (۴۹- الماقه)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

• چون اندر دهنده‌ای ظاهر شود، بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزاید:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ إِمْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا

نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکم‌ترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• جایگاه و مقام ویژه پیامبر الهی را تکذیب کنند:

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْتُمْ إِلا تَكْذِبُونَ (فاطر) - ۱۵

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

• ظهور پیامبران را به فال بد کسیند:

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَكِن لَّمْ تَنْتَهُوا لِنَرْبِئُمَنَّكُمْ وَكَيْمَسَنَكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (فاطر) - ۱۸

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

• در مقابل کلمه توحید، سرکشی کنند:

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (الصافات) - ۳۵

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

• رسول الهی را، شاعری مجنون خوانند که به خاطر وی، دست از خدایان خود برنخواهند داشت:

وَ يَقُولُونَ أَ نُنَّا لَتَأْتِرْكُوا ءِالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (الصافات) - ۳۶

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

• چرا این همه ما، کلام الهی فقط بر او فرود آمد؟

أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ (ص) - ۸



آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شك و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند).

• همه وقت، پیامبران الهی را تکذیب کرده و به باطل بدل کنند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْزَابِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْفِنُوا بِهِ الْمَقْتَلَةَ فَآمَدْتَهُمْ فَكَيفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• مؤمنین را به قتل رسانند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ (۲۳- غافر)

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْمَقْتَلِ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَمِيحُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا

فِي ضَلٰلٍ (۲۵- غافر)

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسرانشان) به کار نیاید.

• در آیات الهی جدل کنند:

إِنَّ الَّذِينَ يَجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِخَيْرٍ سُلْطَانٍ آتَاتُهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبِخَيْرٍ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶- غافر)

آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

• در مقابله با پیامبران الهی، به دانش خود شاد و مغرور شوند:

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ أَسْلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَمُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ هَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (۸۳- غافر)

پس آن گاه که رسولان نشان با معجزات و ادله روشن به سوی آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه را فرا گرفت

• گویند به کلام الهی گوش فراندید و در آن، سخن باطل القا کنید:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَخْلَبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

• عذر و بهانه آورند:

وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَأَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَىٰ عِمِّ أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)



و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند

• رسول الهی را دیوانه‌ای خوانند که به او آموخته‌اند:

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ (۱۴- الدخان)

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

• آنچنان بر استکبار خود مصرند، که کوئی هیچ آیات الهی را شنیده‌اند:

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْمَقِّ فَبِأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶- الباقیه)

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸- الباقیه)

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

• گویند رسول، کلام خود را به دروغ به خدا نسبت ده:



أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا

بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

• اگر این دین به حق بود، مردم از ما در ایمان، سبقت نمی‌گرفتند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُ كَانَ فَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ

قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت‌پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

• دیگران را از کلام الهی، روگردان کنند:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

• فرستاده الهی را ساحر و دیوانه خوانند:

وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ (الذاریات) - ۳۸

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعون یانش فرستادیم.

فَقَوْلِي بِرُكْنِهِ وَ قَالَ سَمِرُ أَوْ مَجْنُونٌ (الذاریات) - ۳۹

و فرعون به غرور ملك و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

كَذٰلِكَ مَا آتٰی الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا قَالُوْا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُوْنٌ (الذاریات) - ۵۲

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر

یا دیوانه است.

• زیرکی و خیال باطلشان، به سرکشی و نافرمانی و ادا دارد:

اَمْ تَأْمُرُهُمْ اٰمَلْمُهُمْ بِهٰذَا اَمْ هُمْ قَوْمٌ طٰغُوْنَ (القمر) - ۳۲

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وا می‌دارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

• کلام الهی را، خود ساخته دانند:

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (الطور) - ۳۳

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

• آیا شایسته است که از بشری چون خود پیروی کنیم؟

فَقَالُوا أَ بَشَرًا مِّثَّا وَ مِدًّا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سَعْرٍ (القمر) - ۲۴

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده‌ایم.

• آیا بین ما نقطه به او وحی می‌رسد؟

أَلَيْسَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (القمر) - ۲۵

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

• بسیاری به سوی فسق و بدکاری شتابند:

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَ إِبْرَاهِيمَ وَ جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَ الْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (المدید) - ۲۶

(المدید)

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان‌شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق

هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.



ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم بِرُسُلِنَا وَ قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَ جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيََّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا مَقًّا رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ (۲۷- المديد)

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترك دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

• **بشارت الهی را در مورد ظهور جدید انکارکنند:**

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِمْءُ مَبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• **می‌خواهند نور خدا را با گفتار باطل، خاموش کنند:**

رِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُّخِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸- الصف)

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

• پیروان ادیان قبل، فقط خود را دوست دار حقیقی خداوند خوانند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن كَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶)-

(الصف)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

• آیا بشری را سمائی ما تواند کرد؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ

مَمِيدٌ (۶- التخابن)

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

• به هوای نفس خود، حکم کنند:

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَمْكُمُونَ (۳۶- القلم)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷- القلم)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸- القلم)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

• در کلام الهی، شبهه ایجاد کنند:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ
مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُثُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱- المدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• روی گرداندن و به کوشش بر خیزند:

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱- النازعات)

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲- النازعات)

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

• مؤمنان را مصحح کنند:

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

• مؤمنان را به چشم طعن و استهزاء بنگرند:

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند.

• مؤمنان را موضوع تفریح خود کنند:

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح

می‌کردند.

• مؤمنان را گمراهان خوانند:

وَ إِذَا رَأَوْهُمُ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- المطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

• کید و مکر کنند:

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند

• به جز کفر، از همه چیز امتناع کنند:

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۸۹- الاسراء)

و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند) لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند.

• با سخنان باطل، به جدل با حق پردازند و آنرا به استهزاء گیرند:

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يَجِدِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْمِضُوا بِهِ الْمُقْتَبِ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ

مَا أَنْذَرْتَهُمْ هُجُورًا (۵۶- الكهف)

و ما رسولان را جز برای بشارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان) نمی‌فرستیم و کافران با سخنان بیهوده باطل می‌خواهند جدل کرده و حق را پایمال کنند، و آیات مرا و آنچه برای تنبیه و اندازشان آمد به استهزاء گرفتند.

• استبار و رزند و گروهی را تکذیب و گروهی را به قتل رسانند:

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَتَ وَ آيَدْنَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ

أَفَكَلَّمَا بَاءَ كُمْ (رسول بما لا تهوى أنفسكم استكبرتم ففرقاً كذبتم و فریقاً تقتلون) (۸۷- البقره)

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن، حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

• کونند این کلام خود اوست، که به خدا نسبت دهد:

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتٌ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيْتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ

صِدْقِيْنَ (۱۳- هود)

آیا کافران می‌گویند این قرآن را خود او به هم بافته و به خدا نسبت می‌دهد؟! بگو: اگر راست می‌گویند شما هم با کمک همه فصحای عرب بدون وحی خدا ده سوره بر بافته مانند این قرآن بیاورید.

• از دعوت پیامبران، جز صدایی نشنوند و در آن نیندیشد:

وَ مَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ اِلَّا دَعَاً وَ نِدَاً صَمٌّ بَعْمٌ عُمٰى فِهْمٌ لَا يَحْقِلُوْنَ (۱۷۱-)

البقره)

و مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز (معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی‌کنند.

• دست‌خوار است و اندک:

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُوْبَةٌ غُلَّتْ اَيْدِيْهِمْ وَ لُعِنُوْا بِمَا قَالُوْا بَلْ يَدَاْهُ مَبْسُوْطَتَانِ يَنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ

لِيَزِيْدَنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ مَّا اَنْزَلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ طَغْيًا وَ كُفْرًا وَ اَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدُوَّةَ وَ الْبَغْضَاءَ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ كَلِمًا

اَوْقَدُوْا نَارًا لِلْمَرْبِ اَطْفَاَهَا اللّٰهُ وَ يَسْعَوْنَ فِى الْاَرْضِ فَسَادًا وَ اللّٰهُ لَا يَمِبُ الْمُفْسِدِيْنَ (۶۴- المائدة)



و یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

• در تکذیب رسول الهی سخنانی گویند که وی را محزون سازد:

قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَمُزُّنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِنَاءِ اللَّيْلِ يَمْدُونُ (الانعام - ۳۳)

ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. (دل شاد دار) که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند.

• برخی ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند:

وَ مِنْهُمْ مَن يُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَن لا يُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (التوبه - ۴۰)

و برخی از مردم به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان نمی‌آورند، و خدای تو حال تبهکاران را بهتر می‌داند.

• پیروان رسول الهی را اشخاصی پست و بی‌مقدار دانند:

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَزَّاتِ إِلَّا بَشْرًا مَّثَلْنَا وَ مَا نَزَّاتِ أَتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّ الرَّأْيِ وَ مَا نَزَّى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْتَكُمُ كَذِبِينَ (هود - ۲۷)

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود بشری بیشتر نمی‌دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تو باشند اشخاصی پست و بی‌قدر بیش نیستند و ما هیچ‌گونه مزیتی برای شما نسبت به خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو می‌پنداریم.

• از آن روی گردانند:

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴- الانعام)

و هیچ آیتی از آیات الهی بر اینان نیامد جز آنکه (از روی جهل و عناد) از آن روی گردانیدند.

• گویند از این وعده با ما و پدران ما زیاد داده شده:

لَقَدْ وَعَدْنَا نَمًّا وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳- المؤمنون)

از این وعده‌ها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

• این کلام خود اوست، در حالی که دیگران نیز به او کمک کرده‌اند:

وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكُ افْتَرَاتٍ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَآمَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (۴- المؤمنون)

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حیش می‌شمرد) جز آنکه به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز (در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بچیز دیگری نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (درباره قرآن الهی) و نسبتی نا حق (در حق پیغمبر خدا) است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتُ بَلْ هُوَ الْمَقْتُومُ مِنَ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاكَ مِنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳- لقمان)

لقمان)

بلکه کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی‌مدد وحی خدا) فرابافته. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

• این کلام، قصه‌های پیشینان است که نسخه برداری شده:

وَقَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۵- المؤمنون)

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینان و حکایات سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش) صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته گردانند).

• به تمسخر گویند: این است آنکه خدا به رسالت فرستاده است؟

وَ إِذَا رَأَوْكَ إِِنْ يَتَفَدُّونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أ هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱- الفرقان)

این کافران هرگاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده (و گویند) آیا این مرد همان است که خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟

• از کبر و نخوت آنرا انکار کنند:

وَجَمَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند)؟

• در آیات الهی جدل کنند:

مَا يَجِدُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُوكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ (۴- غافر)

و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید).

• پیامبران را دستگیر کرده و برای پایمال کردن برهان حق، جدل و گفتار باطل به کار گیرند:

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَمْرَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَدُّوا بِالْبَاطِلِ لِئُدْمِضُوا بِهِ
الْمَقْ فَأَمَذَتْهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۵- غافر)

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کردم!

• قبول کلام الهی در نظرشان بسیار بزرگ می آید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا
الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ
يُنِيبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• در قبول کلام الهی، سخت دشک و ریب بانند:

وَ مَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ لَوْ لَا كَلِمَةُ سُبْحَتِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ
وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴- الشوری)

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

• این سحر است و ما به آن کافریم:

بَلْ مَتَّعْتَهُمْ هَوًىٰ وَءَابَاءَهُمْ مَّتَىٰ جَاءَهُمُ الْمَقُوتُ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (الزفر ۲۹-)

(و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهره‌مند کردم تا آنکه دین حق و رسول مبین بر آنها آمد.

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُوتُ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (الزفر ۳۰-)

و چون حق به سوی آنها آمد گفتند: این (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم.

• چرا کلام الهی بر بزرگان طایفه نازل نشد؟

وَ قَالُوا لَهُ لَا نَزْلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (الزفر ۳۱-)

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

• از آمدن رسولی از خودشان، به سگفت آمدند:

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُّنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (ق ۲-)

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار (نادان) گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است

• روترش کنند و استکبار ورزند و آنرا سحر و کلام بشری دانند:

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱- المدثر)

پس باز اندیشه کرد.

ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (۲۲- المدثر)

و (به اظهار تنفر از اسلام) روترش کرد و چهره در هم کشید.

ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳- المدثر)

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سَمْرٌ يُؤْتَرُ (۲۴- المدثر)

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از ساحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵- المدثر)

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

سَأَصْلِيهِ سَعَدًا (۲۶- المدثر)

من این (منکر و مکذب قرآن) را به آتش دوزخ درافکنم.

۴) شواهدی از انکار رسول و کلام الهی در زمان ظهور حضرت محمد(ص)

و مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَخْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٌّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۷۸- البقره)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا

كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹- البقره)

و بعضی عوام یهود که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و بیهوده خویشند.

پس وای بر آن کسانی که از پیش خود کتاب را نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند، پس وای بر آنها از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست آرند.

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلِ (۳- آل عمران)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِتَايَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۴-

آل عمران)

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد،

برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْمَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا

مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۱- البقره)

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راست‌گویید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ مَّتٰى يَأْتِيَنَا بِقُرْبٰنٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِى
بِالْبَيِّنٰتِ وَ بِالذِّكْرِ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنْتُمْ صٰدِقِينَ (آل عمران)

آنان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشتید؟

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِبٰيٰتِ اللّٰهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آنکه شما به صدق آن گواهی دهید؟!

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْمَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْمَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده می‌دارید در صورتی که (به حقانیت آن) آگاهی دهید؟!

قُلْ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرٰهِيمَ وَ إِسْمٰعِيلَ وَ إِسْمٰقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ
مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِّنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَمَدٍ مِّنْهُمْ وَ تَمَنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ (آل عمران)

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده‌ایم) فرقی میان هیچ يك از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

وَ مَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِى الْاٰمِرَةِ مِنَ الْفٰسِرِينَ (آل عمران)

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْمَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ (۳- آل عمران)

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۴-

آل عمران)

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد،

برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءَهُ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الرُّبِّ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱۸۴- آل عمران)

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زیورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹- المؤمنون)

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

وَ قَالَ الرَّسُولُ يُرَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّفَعُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰- المؤمنون)

در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزه) عرض کند: بارها (تو آگاهی که) امت من این قرآن را به کلی متروک و رها کردند.

أَمْ تَمْسَبُ أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴- المؤمنون)



یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهار پایاند بلکه (نادان‌تر و) گمراهن‌ترند.

وَجَمَدُوا بِهَا وَاسْتَيْمَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴- النمل)

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک شدند) ؟

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ لَنْ نَجْتَنِبَهُمْ بِنَأْيٍ لِيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸- النمل)

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما (مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْمَدْيِثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَفَذَّهَا هُزُؤًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۶- لقمان)

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب، با خواری و ذلت گرفتار شوند.

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَ لِي مُسْتَكْبِرًا كَانَتْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷- لقمان)

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَ مَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵- فاطر)

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

قَالُوا إِنَّا تَطِيرُنَا بِكُمْ لَكِن لَّمْ تَنْتَهُوا لِنَرْمِمْكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

قَالُوا طَرَفُكُمْ مَعَكُمْ أَمْ نَدُكْرُكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۱۹- فاطر)

رسولان گفتند: آن فال بد که می‌گویید اگر بفهمید و متذکر شوید (آن جهلی است که) با خود شماسست، بلکه شما مردم مسرف (و پر هوا و هوس) هستید.

يَمَسِّرُهُ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰- فاطر)

وای بر حال این بندگان (گمراه لجوج) که هیچ رسولی برای هدایت آنها نیامد جز آنکه او را به تمسخر و استهزا گرفتند.

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵- الصافات)

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

وَ يَقُولُونَ أَأَنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶- الصافات)

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

اللَّهُ نَزَّلَ أَمْسَانَ الْمَدِينَةِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ

قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳- الزمر)

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه



بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دل‌هایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهی و انکار دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ (۲۶- فصلت)

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ اعْجَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴- فصلت)

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند گوش‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاتٌ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸- الامقاف)

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَ مَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَ لَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوَمَىٰ إِلَيَّ وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ
مُّبِينٌ (۹- الامقاف)



بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن (خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ فِيراً مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكُافٍ قَدِيمٌ (۱۱- الامقاف)

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت‌پرستی) بود مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند. و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

وَ مِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ مَتَى إِذَا فَرَبُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ أَنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶- ممد)

و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملاً گوش می‌دهند تا وقتی که از حضورت خارج شوند با اهل علم (اصحابت به تمسخر و اهانت) می‌گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟ اینان هستند که خدا بر دل‌هایشان مهر (قهر) نهاد و پیرو هوای نفس خود گردیدند.

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲- ق)

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار (نادان) گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است

بَلْ كَذَّبُوا بِالْمَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيعٍ (۵- ق)

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (۱۲- ق)

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِفْوَانُ لُوطٍ (۱۳- ق)

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ تُبَّعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرِّسْلَ فَمَقَّ وَ عِيدٍ (۱۴- ق)

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبّع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّتَّفَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید).

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹- الذاریات)

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِهِذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲- الطور)

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وا می‌دارد (که تکذیب تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و

نافرمانند؟

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (الطور - ۳۳)

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است (چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنِّي كُنْتُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنِّي كُنْتُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنِّي كُنْتُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَكْفُرُونَ (القلم - ۳۶)

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدُسُّونَ (القلم - ۳۷)

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

إِن لَّكُمْ فِيهِ لَمَّا تَمِيرُونَ (القلم - ۳۸)

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

وَ أُمْلَى لَهُمْ إِن كَذِبٌ مِّنْهُمْ (القلم - ۴۵)

و آنها را مهلت دهم که البته کید من قوی و بسیار سخت است.

وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ (المافه - ۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (المافه - ۴۰)

و آنچه نمی‌بینید.

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری است

وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ (الماقه- ۴۹)

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

وَ مَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَ مَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَ لَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَ مَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ (۳۱- مدثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نورده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نورده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟! بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ مِسَابًا (النباء- ۲۷)

زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند.

وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (النباء- ۲۸)

و آیات ما را سخت تکذیب کردند.

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْمَكُونَ (۲۹- المطففين)

همانا (در دنیا) بدکاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَخَفَتُونَ (۳۰- المطففين)

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند

وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱- المطففين)

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

وَ إِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲- مطففين)

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصَلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند.

(۵) کلام الهی خطاب به مؤمنین ادیان گذشته

• بر آنچه نازل شده ایمان آورید؛ زیرا کتاب آسمانی قبل از خود را تصدیق می‌کند:

وَءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لَكُمْ مَعَكُمْ ۚ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۚ وَ لَا تَشْتَرُوا بِبَنَائِي تَمَنَّا قَلِيلًا ۚ وَ إِيَّيَّ فَاتَّقُونِ (۱۴۱-)

(البقره)

و به قرآنی که فرستادم ایمان آورید که تورات شما را تصدیق می‌کند، و اول کافر به آن نباشید، و آیات مرا به بهای اندک نفروشید، و تنها از قهر من بپرهیزید.

• به موسی کتاب و فرقان عطا کردیم تا هدایت شوند:

وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵۳-البقره)

و (به یاد آورید) وقتی که به موسی کتاب و فرقان عطا کردیم، باشد که به راه حق هدایت یابید.

• چقدر آیات روشن الهی بر شما آوردیم و آنرا به کفر تبدیل کردید:

سَلُّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ ۚ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ (۲۱۱- البقره)

(ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم! و هر کس پس از آنکه نعمت و هدایتی که خدا به او داد آن را به کفر مبدل کند (بداند که) عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.

• از طرف خداوند آیات الهی بر شما آورده ام و آنچه از تورات در نزد شماست، تصدیق می‌کنم:

وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ لِأَمَلٍ لَّكُمْ بَعْضَ الَّذِي هُمُ عَلَيْكُمْ وَ مِنْتُمْ بِنَائِيهِ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

وَ أَطِيعُوا (۵۰- آل عمران)

و (آمدهام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

• چرا به آیات الهی کافر شدید، حال آنکه بر صدق آن گواهیید؟

يٰٓأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِبَيِّنَاتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰- آل عمران)

ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آنکه شما به صدق آن گواهیید؟!

• اهل بیچ دیاری را تا رسولانی بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم:

وَ مَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ (۲۰۸- الشعرا)

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم

• آنگاه که موسی (ع) نیز با آیات روشن الهی ظاهر شد، آنرا سحر خوانده و گفتند این دعوی را بیچ از پدران خود نشنیده ایم:

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِبَيِّنَاتٍ بَيَّنَّتْ قُلُوبَهُمْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرٍ وَ مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي ءَابَائِنَا الْأُولَىٰ (۳۶-

النمل)

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

• به رسول کونیند چرا چون موسی معجزاتی نمی‌آوری؟ آیا این مردم به موسی هم کافر شدند؟

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْمَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْ لَا أَوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ
قَالُوا سِمْرَانَ تَطْهَرًا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ نُونَ (۴۸- النمل)

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

• کتابی بهتر از این دو کتاب آسمانی بیاورید که خلق را هدایت کند:

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۴۹- النمل)

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

• چون به مردم کونیند از آنچه خدا نازل فرموده تبعیت کنید، جواب دهند فقط از دین پدران خود پیروی کنیم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ

عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱- لقمان)

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیایید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند)؟

• به نام خدا قسم یاد میکردند که بهترین نظران هدایتند، اما آنگاه که انداز شدند، بر نفرت و کینه افزودند:

وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَنَبَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنَ الْإِنْمَانِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا رَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲- فاطر)

و (مشرکان عرب) محکم‌ترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم‌کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر يك از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم‌کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

• وجود رسول الهی را به فال بد می‌گیرید که اگر بفهمید و متذکر شوید، آن فال بد با خود شماست:

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸- فاطر)

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أَأَنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۱۹- فاطر)

رسولان گفتند: آن فال بد که می‌گویید اگر بفهمید و متذکر شوید (آن جهلی است که) با خود شماست، بلکه شما مردم مسرف (و پر هوا و هوس) هستید.

• شرع و آئین اسلام همانست که بر نوح و ابراهیم و موسی و عیسی نیز، نازل شده است:



شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ
أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ

يُنذِبُ (۱۳- الشوری)

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

• در اختلاف سخن بازماندید:

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸- الذاریات)

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز ماندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید)

• در هر ظهور گروهی مؤمن شدند و گروهی کافر. خداوند ایمان آوردندگان را، مؤید و منصور گرداند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِمَوَارِثِينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْمَوَارِثُونَ
نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَنَامَمْت طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا

ظَهْرِينَ (۱۴- الصف)

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.

• آنان که آیات الهی را تکذیب کردند، هدایت نخواهند شد:

مَثَلُ الَّذِينَ مُّمَلُّوا التَّوْرَاتَ ثُمَّ لَمْ يَمْلُوهَا كَمَثَلِ الْمِمَارِ يَمْشِي الْأَسْفَارَا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵- الصف)

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد (و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد) ، آری مثل قومی که حالشان این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد کرد.

• اگر برستی نپذیرد که فقط شما اولیای الهی هستید، پس تمنای مرگ کنید:

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ رَعَمْتُمْ أَنْتُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶-)

(الجمعه)

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویید.

• چون پیامبران الهی به ظهور بعد بشارت دادند، آنگاه که رسول با آیات الهی ظاهر شد، آنرا سحر آشکار خواندند:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنَى إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ

يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَهْمَدُ فَلَمَّا بَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶- الصف)

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

• خداوند هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۖ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ
يَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا ۖ وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۚ وَ لِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكٰفِرُونَ
مَا ذَا أَرَادَ اللّٰهُ بِهَذَا مَثَلًا ۖ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَن يَشَاءُ ۚ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ۚ وَ مَا هِيَ إِلَّا
ذِكْرَىٰ لِّلْبَشَرِ (۳۱- المذثر)

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهاشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

• آیات الهی اساطیر اولین نیست؛ بلکه آنچه کسب کرده اید بر قلوبتان حکم می‌راند:

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالِ اسْطِيزُ الْاَوَّلِيْنَ (۱۳- المطففين)

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴- المطففين)

چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بد کاریهاشان بر دل‌های تیره آنها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می‌کنند).

• کلام الهی، جداکننده حق از باطل است:

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ (۱۳- الطارق)

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴- الطارق)

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵- الطارق)

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند.

• اگر به ظهور جدید ایمان نیاورید در خسران خواهید بود:

سورة العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي فُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصَوْا بِالْمَقِّ وَ تَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)



قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام) .

که انسان هم در خسارت و زیان است.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

